

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# گفتگوی افسران جوان با فرمانده پیرامون جنگ نرم

(با تکیه بر هشدارهای ۲۰ ساله مقام معظم رهبری)

۱۳۶۸ - ۱۳۸۸ شمسی

محمد جواد مهری

## گفتگوی افسران جوان با فرمانده پیرامون جنگ نرم

(با تکیه بر هشدارهای ۲۰ ساله مقام معظم رهبری)

\* مؤلف: ..... محمد جواد مهری

\* ناشر: ..... انتشارات مشرقین، ۷-۶۶۱۶۱۲۶

\* چاپخانه: ..... دانش قم، ۷-۷۲۲۹۷۶۶

\* مصاحبه کنندگان: ..... جمعی از دانشجویان دانشگاهها

\* صفحه آرایی و طراحی جلد: ..... محمد جواد واعظی

\* نوبت چاپ: ..... اول / بهار ۸۹

\* شمارگان: ..... ۲۰۰۰ نسخه

\* شابک: ..... ۹-۴۶-۵۷۸۱-۹۶۴

\* قیمت: ..... ۲۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

قم، خ خاکفرج، کوچه ۷۵، انتشارات مشرقین.

قم، خ ارم، ۱- بوستان فرهنگی نینوا ۲- بوستان فرهنگی قائم

قم، خ ارم، پاساژ قدس، طبقه زیر زمین، بوستان فرهنگی نرگس

## فهرست

- اشاره: ..... ۱۳
- اصل مصاحبه ..... ۱۳
- ورود واژه جنگ نرم به ادبیات سیاسی ایران ..... ۱۳
- توضیحاتی درباره جنگ نرم ..... ۱۴
- الف - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ..... ۱۵
- ب - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه ها ..... ۱۶
- ج - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از هنرمندان و شعرا ..... ۲۲
- چرایی تعبیر جنگ نرم ..... ۲۲
- تعبیر مختلف از دغدغه های مقام معظم رهبری ..... ۲۳
- الف - تهاجم فرهنگی، شیخون فرهنگی و قتل عام فرهنگی ..... ۲۳
- ب - ناتوی فرهنگی ..... ۳۴
- ج - مظلومیت فرهنگ ..... ۳۵
- د - جنگ نرم ..... ۳۷
- دغدغه های حضرت آقا واقعیت یا توهم؟! ..... ۳۸
- نقشه های شیطانی دشمنان ملت ایران ..... ۳۸
- ورود واژه جنگ نرم به ادبیات سیاسی روابط بین الملل ..... ۴۶
- مفهوم و ماهیت جنگ نرم ..... ۵۰
- هجمه های دوران دولت اصلاحات ..... ۵۳
- تفاوت جنگ نرم و جنگ سخت ..... ۵۹
- نامحسوس و نامرئی است ..... ۶۱

- ۶۱..... دراز مدت و دیرپا بودن
- ۶۲..... اقدام با برنامه قبلی
- ۶۳..... حمله به مغزهای یک ملت است
- ۶۴..... اهداف دشمنان ملت ایران در جنگ نرم
- ۶۷..... مراکز و ابزارهای عرصه جنگ نرم
- ۶۷..... مراکز مهم عرصه جنگ نرم
- ۶۸..... خانواده.....
- ۷۰..... مدرسه و مراکز آموزشی قبل از دانشگاه
- ۷۱..... دانشگاه و مراکز آموزش عالی
- ۷۳..... وسایل و ابزارهای جنگ نرم
- ۷۳..... تلویزیون...
- ۷۵..... رادیو.....
- ۷۶..... اینترنت.....
- ۷۹..... ماهواره.....
- ۸۰..... تأثیرات منفی و مضرات ماهواره
- ۸۰..... الف- مضرات اقتصادی
- ۸۱..... ب- مضرات سیاسی
- ۸۱..... ج- مضرات اجتماعی، فرهنگی
- ۸۲..... کتب و نشریات
- ۸۳..... روزنامه‌ها.....
- ۸۴..... عکس‌ها و پوسته‌های تبلیغاتی
- ۸۵..... سینما.....

- شيوه‌ها و تكنيك‌هاى دشمن در جنگ نرم ..... ۸۶
- اختلاف افكنى، تفرقه و شايعه پراكنى ..... ۸۷
- القاء يأس و نااميدى ..... ۸۷
- تهديد و ارعاب ..... ۸۷
- بازى‌هاى رايانه‌اى ..... ۸۹
- راه‌هاى مقابله با جنگ نرم ..... ۹۱
- شناخت دشمن و اهداف او در جنگ نرم ..... ۹۱
- تقويت بينش دينى و سياسى ..... ۹۲
- دقت در برنامه‌هاى آموزشى و پرورش كودكان، نوجوانان و جوانان ..... ۹۲
- احياءى عزت نفس ..... ۹۳
- پيشگيرى از عوامل نفوذى دشمن ..... ۹۴
- استفاده از همه ابزارهاى ممكن براى دفاع فرهنگى ..... ۹۴
- پيامدهاى شوم جنگ نرم ..... ۹۵
- پيروى كور كورانه از الگوهاى فرهنگ مهاجم ..... ۹۵
- سست شدن بنيادهائى اخلاقى و باورهاى دينى ..... ۹۵
- دگرگونى ارزش‌ها ..... ۹۶
- گسترش فساد و بى‌بند و بارى ..... ۹۶
- وابستگى سياسى - اقتصادى ..... ۹۷
- زمينه‌هاى پيدايش موفقيت در جنگ نرم ..... ۹۷
- الف - زمينه‌هاى داخلى پيدايش جنگ نرم ..... ۹۸
- بى توجهى نسبت به فرهنگ خود ..... ۹۸
- خودباختگى فرهنگى ..... ۹۹

- تجمل گرایی و رفاه طلبی ..... ۱۰۰
- عدم شناخت صحیح دین و بی توجهی در عمل به آن ..... ۱۰۱
- ب - زمینه‌های خارجی پیدایش جنگ نرم ..... ۱۰۲
- تبلیغ علیه ادیان الهی ..... ۱۰۳
- برتری نژادی ..... ۱۰۴
- رشد صنعت و تکنولوژی ..... ۱۰۵
- وابستگی فرهنگی زمینه ساز سایر سلطه‌ها ..... ۱۰۷
- انقلاب‌های رنگی ..... ۱۰۹
- بنیادهای طراح و حامی کودتای مخملی ..... ۱۱۲
- استکبار جهانی ..... ۱۱۹
- تهاجمات استکبار بر علیه ملت ایران ..... ۱۲۰
- تحریف ماهیت ..... ۱۲۱
- تجزیه طلبی قومی ..... ۱۲۳
- تروریسم ..... ۱۲۵
- محاصره اقتصادی ..... ۱۲۶
- تهاجم نظامی آمریکا (صحرای طیس) ..... ۱۲۷
- کودتا ..... ۱۲۹
- جنگ تحمیلی ..... ۱۳۱
- تهاجم فرهنگی ..... ۱۳۱
- جنگ روانی - تبلیغاتی ..... ۱۳۴
- انحرافات اصلاحات ..... ۱۳۷
- نقشه راه در مقابله با جنگ نرم ..... ۱۴۲



- ۱۴۴ ..... بصیرت در اندیشه سیاسی
- ۱۴۶ ..... بصیرت کیست؟
- ۱۴۶ ..... بصیرت در اسلام
- ۱۵۰ ..... بصیرت از منظر امام خمینی (ره)
- ۱۵۳ ..... بصیرت از منظر مقام معظم رهبری
- ۱۵۹ ..... شناخت طرف مقابل خودتان
- ۱۶۳ ..... محکمی برای محاسبه همکاری یا عدم همکاری با دشمن
- ۱۶۵ ..... شناخت ترفندهای دشمن
- ۱۶۷ ..... عاملی برای توجه به انگیزه‌های دشمن
- ۱۶۹ ..... منابع و مآخذ



## آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (مدظله العالی)

بصیرت خودتان را بالا ببرید،

آگاهی خودتان را بالا ببرید،

من مکرر این جمله امیرالمومنین را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: الا و لا يحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر. می دانید، سختی پرچم امیرالمومنین از پرچم پیغمبر از جهاتی بیشتر بود، چون در پرچم پیغمبر، دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمومنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند. (مقام معظم رهبری در جمع سپاه حفاظت ولی امر، ۸۸/۵/۲۱).



## اشاره:

این گفتگو<sup>۱</sup> در ایام نوروز سال ۱۳۸۹ در منزل مؤلف انجام شده است.

## اصل مصاحبه

**دانشجو:** ما مزاحم شما شدیم تا پیرامون یکی از مباحثی که امروز بسیار در ادبیات سیاسی و فرهنگی کشور تکرار می‌شود و در رسانه‌ها، مطبوعات و صدا و سیما روی آن بحث می‌شود یعنی جنگ نرم، با هم گفتگویی داشته باشیم؟

استاد:

در خدمت شما هستیم.

## ورود واژه جنگ نرم به ادبیات سیاسی ایران

**دانشجو:** ممنونیم، لطفاً بفرمایید این بحث از چه زمانی آغاز و توسط چه کسی برای اولین بار وارد ادبیات سیاسی و فرهنگی کشورمان شد؟

استاد:

این بحث، اولین بار در دیداری که دانشجویان و نخبگان علمی کشور در تاریخ ۸/۶/۸۸ با مقام معظم رهبری داشتند مطرح شد، سپس حضرت آقا دو دیدار دیگر در تاریخ ۸/۶/۸۸ با اساتید دانشگاه‌ها و ۸/۶/۱۴ با جمعی از

---

۱. عنوان «گفتگوی افسران جوان با فرمانده پیرامون جنگ نرم» را از بیانات مقام معظم رهبری استخراج کردیم که فرمودند: دانشجویان، افسران جوان جنگ نرم، و اساتید فرماندهان جبهه مقابله با جنگ نرم هستند.

هنرمندان و شعرا داشتند که بحث جنگ نرم را تبیین و سپس در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۸۸/۷/۲ از اهداف دشمن در جنگ نرم پرده برداشتند.

## توضیحاتی درباره جنگ نرم

دانشجو: لطفاً بیشتر توضیح بفرمایید؟

استاد:

مقام معظم رهبری در این چهار دیدار که در طول یک ماه اتفاق افتاد روی نکات خوب، کلیدی و حساسی دست گذاشتند که به برخی از آنها اجمالاً اشاره می‌کنیم.

۱. جنگ نرم راست است و واقعیت دارد.
۲. این جنگ بر علیه انقلاب، امام و همه آرمان‌های امام و انقلاب است.
۳. از این جنگ تعبیر به جنگ عظیم فرمودند.
۴. معظم له فرمودند من از سال ۶۷ نسبت به این نقشه‌ی دشمن تذکر و هشدار داده‌ام، در واقع طرح این بحث، دغدغه و قصه‌ی پر غصه‌ی ۲۰ ساله‌ی مقام معظم رهبری بود.
۵. نخبگان فکری جامعه را مورد خطاب قرار دادند که باید به میدان بیایند.

۶. در این بیانات از دانشجویان به عنوان افسران جوان در مقابله با جنگ نرم و از اساتید به عنوان فرماندهان جبهه مقابله با این جنگ یاد نمودند.

۷. همچنین وظیفه دانشجویان و اساتید را تبیین فرمودند.

۸. در دیدار اعضای مجلس خبرگان هم مفصلاً به خطوط اصلی دشمنان و اهداف آنها در جنگ نرم اشاره داشتند.

اکنون اگر موافق باشید، بخشی از عین تعابیر و بیانات حضرت آقا را با هم مرور کنیم:

## الف - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و

نخبگان علمی (۱۳۸۸/۶/۴)

یک چیزی را هم حالا من بگویم، چون دیگر دارد وقت می‌گذرد. ببینید عزیزان! شماها می‌دانید - چون دیدم در بیانات شماها هم هست - امروز جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با یک جنگ عظیمی مواجه است، لیکن جنگ نرم - که دیدم همین تعبیر «جنگ نرم» توی صحبت‌های شما جوان‌ها هست و الحمدلله به این نکات توجه دارید؛ این خیلی برای ما مایه‌ی خوشحالی است - خوب، حالا در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بیابند؟ قدر مسلم نخبگان فکری اند. یعنی شما افسران جوان جبهه‌ی مقابله‌ی با جنگ نرمید.

اینی که چه کار باید بکنید، چه جوری باید عمل کنید، چه جوری باید تبیین کنید، این‌ها چیزهایی نیست که من بیایم فهرست کنم، بگویم آقا این عمل را انجام بدهید، این عمل را انجام ندهید؛ این‌ها کارهایی است که خود شماها باید در مجامع اصلی تان، فکری تان، در اتاق‌های فکرتان بنشینید، راه کارها را پیدا کنید؛ لیکن هدف مشخص است: هدف، دفاع از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی است در مقابله‌ی با یک حرکت همه‌جانبه‌ی متکی به زور و تزویر و پول و امکانات عظیم پیشرفته‌ی علمی رسانه‌ای. باید با این جریان شیطانی خطرناک مقابله شود.

### ب - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه ها

(۱۳۸۸/۶/۸)

۱. عزیزان من! شرط اصلی فعالیت درست شما در این جبهه‌ی جنگ نرم، یکی‌اش نگاه خوشبینانه و امیدوارانه است. نگاهتان خوشبینانه باشد. ببینید، من در مورد بعضی تان به جای پدربزرگ شما هستم. من نگاهم به آینده، خوشبینانه است؛ نه از روی توهم، بلکه از روی بصیرت. شما جوانید- مرکز خوشبینی- مواظب باشید نگاهتان به آینده، نگاه بدبینانه نباشد؛ نگاه امیدوارانه باشد، نه نگاه نومیدانه. اگر نگاه نومیدانه شد، نگاه بدبینانه شد، نگاه «چه فایده‌ای دارد» شد، به دنبالش بی‌عملی، به دنبالش بی‌حرکی، به دنبالش انزوا است؛ مطلقاً



دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت؛ همانی است که دشمن می خواهد.

۲. شرط دیگر این است که در قضایا افراط وجود نداشته باشد. طبیعت جوان، طبیعت تحرک و تندی است. این دوره‌ی زندگی شما را ما هم گذرانده ایم؛ آن هم در دوران‌های انقلاب و اوائل مبارزات و این‌ها بوده. تندی را می‌دانم چیست. خیلی هم به ما نصیحت می‌کردند که آقا تندی نکنید، ما می‌گفتیم که نمی‌فهمند چقدر لازم است تندی کردن. می‌دانم تصور شما چیست، اما حالا از ما بشنوید دیگر. مراقب باشید تندروی، انسان را پیش نمی‌برد. با فکر، تصمیم بگیرید. البته جوان امروز از جوان دوره‌ی ما فکورتر است؛ این را به شما عرض بکنم. شما امروز جوان‌هایی هستید که تجربه‌تان، اطلاعاتتان، آگاهی‌هایتان، از آن دوره جوانی ما - از پنجاه سال پیش از این - خیلی بیشتر است؛ قابل مقایسه نیست با جوان امروز. بنابراین توقع این که شماها مدبرانه و فکورانه فکر کنید و بدون تندروی، بدون افراط و تفریط توی قضایا، رفتار کنید، توقع زیادی نیست.

۳. آن چه که مهم است این است که یک انسان با شرف، مؤمن، معتقد به اهداف والای جمهوری اسلامی، بداند که در این جور حوادث چه کار باید بکند؛ این، مهم است. این، آن چیزی است که مخاطبه‌ی من با شما دانشگاہیان را در این مسئله‌ی خاص الزامی می‌کند، که من - البته کوتاه صحبت می‌کنم، بنا هم ندارم در این

زمینه تفصیلاً حرف بزنم - در چند روز پیش هم که جوان‌های دانشجو این جا بودند - حسینه همین طور که حالا اجتماع هست، اجتماعی بود از جوان‌ها - به آنها گفتم که ما با جنگ نرم، با مبارزه‌ی نرم از سوی دشمن مواجهیم، که البته خود جوان‌ها هم همین را می‌گفتند؛ مکرر قبل از این که بنده بگویم، آنها هم می‌گفتند و همه این را می‌دانستند. آنی که من اضافه کردم این بود که گفتم: در این جنگ نرم، شما جوان‌های دانشجو، افسران جوان این جبهه اید. نگفتیم سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برود جلو؛ عقب بیا، بیاید عقب. یعنی سرباز هیچ گونه از خودش تصمیم‌گیری و اراده ندارد و باید هر چه فرمانده می‌گوید، عمل کند. نگفتیم هم فرماندهان طراح قرارگاه‌ها و یگان‌های بزرگ، چون آنها طراحی‌های کلان را می‌کنند. افسر جوان تو صحنه است؛ هم به دستور عمل می‌کند، هم صحنه را درست می‌بیند؛ با جسم خود و جان خود صحنه را می‌آزماید. لذا این‌ها افسران جوانند، دانشجو نقشش این است. حقیقتاً افسران جوان، فکر هم دارند، عمل هم دارند، تو صحنه هم حضور دارند، اوضاع را هم می‌بینند، در چهارچوب هم کار می‌کنند.

۴. خوب، با این تعریف، استاد دانشگاه چه رتبه‌ای دارد؟ اگر در زمینه‌های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل کشور، آن چیزهایی که به چشم باز، به بصیرت کافی احتیاج دارد، جوان

دانشجوی ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید، رتبه‌ی بالاتر افسر جوانید؛ شما فرمانده‌ای هستید که باید مسائل کلان را ببینید، دشمن را درست شناسایی بکنید؛ هدف‌های دشمن را کشف بکنید؛ احیاناً به قرارگاه‌های دشمن، آنچنانی که خود او نداند، سربکشید و براساس او، طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان، حرکت کنید. در رتبه‌های مختلف، فرماندهان بالا این نقش‌ها را ایفا می‌کنند.

۵. حالا استادی که بتواند این نقش را ایفا کند، آن استاد شایسته‌ی حال و آینده‌ی نظام جمهوری اسلامی است. توقع از اساتید محترم این است. جوان‌هایتان را توجیه کنید. منظورم این نیست که بنشینید زید و عمرو سیاسی را برایشان معرفی کنید. نه، اصلاً من موافق هم خیلی نیستم. اسم آوردن از زید و عمرو و بکر و... این چیزها، کمکی به حل مشکل نمی‌کند. به این‌ها قدرت تحلیل بدهید. به این‌ها توان کار و نشاط کار بدهید. چه جور؟ با امید دادن؛ با امید بخشیدن. فضای کلاس را، فضای محیط درس و دانشگاه را فضای امید کنید؛ امید به آینده. بدترین بلایی که ممکن است بر سر یک نسل در یک کشور بیاید، ناامیدی است، یأس است. این که می‌گویند: آقا! چه فایده دارد؟ فایده‌ای ندارد. این روحیه‌ی «فایده‌ای ندارد» - یأس از آینده - سم مهلک همه‌ی فعالیت هاست؛ چه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، چه حتی فعالیت‌های علمی، فعالیت‌های پژوهشی. این

کسانی که کشفیات بزرگ را در زمینه‌های علوم تجربی و دانش‌های گوناگون انجام دادند، این‌ها اگر ناامید از نتیجه بودند، قطعاً به این جا نمی‌رسیدند. امید، آن نیروی عظیمی است که انسان را پیش می‌برد. جوان ما را ناامید کنند از کشورش، از انقلابش، از آینده اش، از دولتش، از دانشگاهش، از آینده‌ی علمی اش، از آینده‌ی شغلی اش. این خیلی مضر است. این کاری است که تو برنامه‌های دشمنان ما و مخالفین نظام وجود دارد. به نظر من یکی از کارهای اساسی این است. محیط را برای دانشجو، محیط نشاط، محیط امید، محیط حرکت به جلو قرار دهید.

۶. یکی دیگر از کارهایی که باید در زمینه‌ی مسائل گوناگون اجتماعی و سیاسی و علمی انجام بگیرد، میدان دادن به دانشجویست برای اظهار نظر. از اظهار نظر هیچ نباید بیمناک بود. این کرسی‌های آزاداندیشی که ما گفتیم، در دانشگاه‌ها باید تحقق پیدا کند و باید تشکیل بشود. اگر چنان چه بحث‌های مهم تخصصی در زمینه‌ی سیاسی، در زمینه‌های اجتماعی، در زمینه‌های گوناگون حتی فکری و مذهبی، در محیط‌های سالمی بین صاحبان توان و قدرت بحث مطرح بشود، مطمئناً ضایعاتی که از کشاندن این بحث‌ها به محیط‌های عمومی و اجتماعی ممکن است پیش بیاید، دیگر پیش نخواهد آمد. وقتی که با عامه‌ی مردم، افراد مواجه می‌شوند، همه نمی‌توانند خودشان را حفظ کنند. مواجهه‌ی با عامه‌ی مردم انسان‌ها

را دچار انحراف‌ها و انحطاط‌ها و لغزش‌های زیادی می‌کند که متأسفانه ما شاهد بودیم. خیلی از افرادی که شما می‌بینید در مواجهه‌ی با عامه‌ی مردم یک حرفی می‌زنند، یک چیزی می‌گویند، در اعماق دلشان، ای بسا خیلی اعتقادی هم ندارند. به تعبیر بعضی‌ها جوگیر می‌شوند؛ این خیلی چیز بدی است. اگر در محیط‌های خاص، محیط‌های آزاداندیشی و آزاد فکری، این مسائل مطرح بشود - مسائل تخصصی، مسائل فکری، مسائل چالش برانگیز - مطمئناً ضایعات کمتر پیش خواهد آمد. خوب، این هم راجع به این مسئله.

راجع به معنویت هم که بعضی از دوستان مطرح کردند، بنده صد درصد موافقم با این که باید محیط دانشگاه، محیط معنویت باشد. این امنیت و احساس امنیتی هم که بعضی از دوستان به درستی بیان کردند، یقیناً با معنویت به دست خواهد آمد. جوان‌ها را هر چه می‌توانیم با خدا، با یاد خدا، با توجه به عالم غیب، با تعبد به مبانی دین و احکام دین و شریعت و تسلیم در مقابل احکام الهی، ظرفیت معنویشان را بیشتر کنیم. هر چه این جوان ما بیشتر متعبد باشد، بیشتر متدین باشد، بیشتر به یاد خدا باشد، بیشتر به خدا احساس نیاز کند و دست نیاز به سوی خدا بیشتر دراز بکند، عمل او، رفتار او، فکر او، از آسیب کمتری برخوردار خواهد بود و جامعه از او بهره‌ی بیشتری خواهد برد.

## ج - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از

هنرمندان و شعرا (۱۳۸۸/۶/۱۴)

همین که حالا معمول شده که در بیانها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه می‌گویند: جنگ نرم، راست است، این یک واقعیت است. یعنی الآن جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم من از بعد از جنگ سال ۱۳۶۷ همیشه این را گفته‌ام، بارها و بارها، علت این است که من صحنه را می‌بینم؛ چه بکنم اگر کسی نمی‌بیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم می‌بینم صحنه را، می‌بینم تجهیز را، می‌بینم صف آرای‌ها را، می‌بینم دهان‌های از حقد و غضب گشوده شده و دندان‌های با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه‌ی این آرمان‌ها و علیه همه‌ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته اند؛ این‌ها را انسان دارد می‌بیند. خب چه کار کند؟ این تمام نشده، چون تمام نشده، همه وظیفه داریم.

### چرایی تعبیر جنگ نرم

**دانشجو:** طرح بحث جنگ نرم را دغدغه و قصه‌ی پر غصه‌ی ۲۰ ساله‌ی مقام

معظم رهبری دانستید چرا این تعبیر را به کار بردید؟

استاد:

این تعبیر بنده نیست، خود آقا در دیدار با جمعی از هنرمندان و شعرا

فرمودند: این حرف را من امروز نمی‌زنم، من از بعد از جنگ - سال ۱۳۶۷ -

همیشه این را گفته‌ام، بارها و بارها.

بنابراین، از آغاز دوران رهبری و ولایت حضرت آقا بحث جنگ نرم و دشمنی دشمن، دغدغه‌ی معظم له بوده و در همان اوانل با تعابیر مختلفی چون تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی، قتل عام فرهنگی، ناتوی فرهنگی و اخیراً جنگ نرم را مطرح فرمودند.

### تعابیر مختلف از دغدغه‌های مقام معظم رهبری

**دانشجو:** اگر صلاح می‌دانید به برخی از این دغدغه‌ها که با تعابیر مختلفی در طول این ۲۰ سال از جانب مقام معظم رهبری بیان شده اشاره بفرمایید؟

استاد:

نمونه‌های فراوانی از بیانات آقا وجود دارد که در کتب و نشریات هم چاپ شده که ذیلاً به صورت اجمالی به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

#### الف - تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی و قتل عام فرهنگی

۱. دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری اسلامی را با تهاجم نظامی نمی‌شود از بین برد، محاسبه قبلی آنها غلط از آب درآمده بود، همین‌طور دیدند با محاصره اقتصادی هم نمی‌شود کار کرد، چراکه وقتی ملت قانع، صبور، متکی به نفس، و متوکل علی الله باشد، هرگز شکست نخواهد خورد... لذا فهمیدند که باید عقبه‌ها - پشت جبهه‌ها - را بمباران کنند... عقبه‌ها، در مبارزه ملت ایران با قلدری استکبار جهانی، عبارت از فرهنگ ما بود. (۷۱/۵/۲۱).

۲. تهاجم فرهنگی عظیمی علیه اسلام هست که ارتباط مستقیمی با انقلاب ندارد، این تهاجم وسیع تر از انقلاب و علیه اسلام است، چیز عجیب و فوق العاده‌ای است که با تمام ابعاد فرهنگی و اجتماعی و سیاسی علیه اسلام... است، حتی اسلام به معنای اعتقاد عوامانه مردم هم، مورد تهاجم است، چه برسد به اسلام ناب و انقلابی. (مبلغان، شماره ۲۵، ص ۳۵).
۳. امروز مهم‌ترین چیزی که در مراکز قدرت سیاسی دنیا برای بلند مدت مطرح است، سلطه‌ی فرهنگی است. (۷۸/۱۱/۶).
۴. یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوان‌های مؤمن را از پایبندی‌های متعصبانه به ایمان - همان چیزی که یک فرهنگ را نگه می‌دارد - منصرف کنند، مانند همان کاری که در قرن‌های گذشته در اندلس (اسپانیای فعلی) کردند، جوان‌ها را ریختند در عالم فساد، شهوت رانی و می‌گساری، این کارها در حال حاضر دارد انجام می‌گیرد. (۷۱/۵/۲۲).
۵. دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا سعی می‌کند جوان‌های ما را از دست ما بگیرد، کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می‌کند نه تنها یک تهاجم فرهنگی، بلکه باید گفت که شیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است، امروز دشمن دارد این کار را با ما می‌کند. (۷۱/۴/۲۳).



من در پنج، شش سال قبل از این احساس کردم که یک حرکت خزنده فرهنگی در کشور دارد شروع می‌شود، برای چه؟ برای هدف قرار دادن نقطه اصلی، نقطه اصلی چیست؟ ایمان مردم... همان ایمان بود که توانست خود را در جنگ نشان دهد، ایمان را چگونه می‌شود هدف گرفت، با وسایل فرهنگی، ایمان و عقیده چیزی نیست که با زور بشود آن را عوض کرد، ایمان مردم را با زور نمی‌توانستند عوض کنند، با چه وسیله‌ای می‌توانستند مقاصد خود را انجام بدهند؟ با وسایل فرهنگی، و این کار را شروع کردند... یک عده هم به صورت فریب خورده و غافل به این‌ها نگاه می‌کردند بعضی‌ها متأسفانه آنها را کمک می‌کنند.

(۷۸/۶/۲۵).

۶. اگر شما ملت و عناصر فرهنگی، خدای نخواستہ بیدار نباشید، صدای فرو ریختن ارزش‌های معنوی که ناشی از تهاجم فرهنگی پنهان و زیرکانه دشمن است، هنگامی در می‌آید که دیگر قابل علاج نیست، این که کسی بتواند جوانی را در اوج نیروی جوانی فاسد کند، کار مشکلی نیست، به خصوص اگر مفسدین تشکیلاتی هم داشته باشند و الآن دشمن دارد این کار را می‌کند... جوانی وقتی دچار شهوترانی می‌شود، ایمان خود را از دست می‌دهد، در اوایل کار حتی گریه می‌کند، اما به تدریج او را از راه به در

می‌کنند، دشمنان بچه‌های مدرسه‌ای و بچه‌های دبیرستانی و حتی راهنمایی ما را همین طور فاسد می‌کنند. (۷۱/۵/۲۱).

۷. این که ما مکرر گفته‌ایم و می‌گوییم که توطئه‌ی فرهنگی در جریان است و من آن را به عیان در مقابل خودم مشاهده می‌کنم، متکی به استدلال است، شعار نمی‌دهم. من این را مشاهده می‌کنم. امروز دشمن با شیوه‌ای بسیار زیرکانه در داخل، در حال یک جنگ و مبارزه تمام عیار فرهنگی علیه ماست. (۷۰/۶/۲۵).

۸. این مسأله تهاجم فرهنگی که ما بارها روی آن تأکید کرده‌ایم، واقعیت روشنی است. با انکار آن ما نمی‌توانیم اصل تهاجم را از بین ببریم. تهاجم فرهنگی را نباید انکار کرد، وجود دارد... ما باید توجه داشته باشیم که انقلاب فرهنگی در تهدید است کما این که اصل فرهنگ ملی و اسلامی در تهدید دشمنان است... ما نباید چیزی را که روشن و واضح است انکار کنیم؛ در دانشگاه، در بیرون دانشگاه، حتی در رسانه‌های جمعی ما، در کتاب‌هایی که می‌نویسند، در ترجمه‌هایی که می‌کنند، در شعرهایی که می‌سرایند، در برنامه‌های فرهنگی علی‌الظاهر بی‌ارتباط به ما که در دنیا وجود دارد و خبرش را قاعدتاً شما آقایان - که عناصری فرهنگی هستید - می‌شنوید، همه جانبه آرایش نظامی فرهنگی بسیار خطرناک علیه انقلاب درست شده است و وجود دارد... امروز دشمن در مقابل وضع کنونی ما آن ژست و آرایش نظامی صد سال یا پنجاه سال

پیش را به خود نمی‌گیرد، ما باید آرایش جدید دشمن را بشناسیم، اگر نشناختیم و خوابیدیم، از بین رفته ایم. (۷۰/۹/۲۰).

۹. تهاجم فرهنگی مثل خودکار (قلم) فرهنگی، اقدام آرام و بی‌سر و صدایی است. نباید از یاد ببریم که متأسفانه در سالیان گذشته یک نوع نگاه مسموم نسبت به مقولات فرهنگی در کشور ما وجود داشته که موجب واکنش‌هایی نیز از سوی متدینین و به خصوص نخبگان متعهد جامعه دانشگاهی و حوزوی شده است. بدون تعارف باید پذیرفت، ضعف مدیریت‌های کلان فرهنگی، عدم تطابق لازم میان داده‌های فرهنگی و خروجی‌های آن، نگاه سیاست‌آلود به بخش فرهنگ جامعه از جمله مهم‌ترین چالش‌های ما در گذشته بوده که متأسفانه هنوز نیز اثرات آن تا حدی وجود دارد. رفع نسبی این معضلات اولاً نیازمند نگاه وحدت‌گرایانه مسوولان است و ثانیاً بیداری و هشیاری دو چندان نخبگان را می‌طلبد. (۷۱/۵/۲۱).

۱۰. امروز هیچ کس نمی‌تواند انکار کند که فوری‌ترین هدف دشمنان جمهوری اسلامی، تسخیر پایگاه‌های فرهنگی کشور است، آنان در صدند بدین وسیله، باورهای اسلامی و انقلابی را که اصلی‌ترین عامل ایستادگی ملت ایران در برابر نظام سلطه‌ی استکباری است، از ذهن‌ها و دل‌ها بزایند و باورهای سلطه‌پذیری و فرودستی در برابر غرب را به جای آن بنشانند. تلاش آشکار از سوی واسطه‌ها و دست‌نشانندگان امپراتوری‌های زر و زور، در بسیاری از عرصه‌های

فرهنگی برای تردید افکنی در مبانی اسلام و انقلاب، امروز افراد دیرباور را نیز به دغدغه افکنده است، و کسانی که دیروز هشدار در برابر شیخون فرهنگی را جدی نمی گرفتند، امروز آن را به چشم خود می بینند. بی شک نخستین آماج این شیخون، جوانانند. به ویژه آنان که در جاده‌ی دانش و فرزاندگی قدم بر می دارند و آینده‌ی فرهنگی و سیاسی کشور در دست آنها است. درست است که دشمن به رغم تلاش و هزینه‌ی فراوان، نتوانسته است به محصول مورد نظر خود دست یابد، ولی به روشنی می دانیم که مهمترین پاسخ کوبنده‌ی بدخواهان، معرفت و ایمان روشن بینانه و قدرت تحلیل سیاسی است.

شما جوانان عزیز می توانید اثر انگشت دشمن را در بسیاری از مسائلی که امروزه در فضای سیاسی و فرهنگی مطرح است، مشاهده کنید و نشانه‌های هدفمندی این مسائل و جریانات را به سوی تغییر باورهای اسلامی و انقلابی ببینید، این واقعیت باید سمت و سوی فعالیت‌های جامعه اسلامی دانشجویان و دیگر تشکل‌های اسلامی دانشجویی را ترسیم کند.

در این راه آموختن دین و سیاست از انسان‌های امین و آگاه و نیز رعایت پرهیزکاری و پارسایی در کار شخصی و جمعی، و البته کمک و راهنمایی طلبدن از خداوند دانا و مهربان، خط روشن و مسیر بی ضلالت است، از خداوند توفیق همه‌ی شما را مسئلت می نمایم. (۸۰/۶/۱۰).

۱۱. امروز تهاجم فرهنگی با استفاده از ابزارها و فناوری‌های جدید ارتباطی خیلی جدی است. از انواع شیوه‌های تلویزیونی و رادیویی و رایانه‌ای و امثال این‌ها دارند استفاده می‌کنند و همین طور به صورت انبوه، افکار و شبهه‌های گوناگون را در آنها می‌ریزند. باید در مقابل این‌ها ایستاد. امروز نمی‌شود به همان روش‌های قدیمی خودمان اکتفا کنیم. البته که جوان نمی‌آید. جوان را باید بشناسید. فکر او را باید بشناسید. آن چه را که به او هجوم آورده، باید بشناسید. تا میکروب و بیماری را نشناسید که علاج نمی‌توان کرد. این‌ها همه ملایمی می‌خواهد. درس خواندن، مطالعه کردن و کارکردن، که همه‌ی این‌ها زیر عنوان مهارت‌های دینی خلاصه می‌شود. (۸۵/۸/۱۷).

۱۲. امروز دشمن جبهه‌ی وسیعی را با استفاده از ابزارهای مؤثر خطرناک و کارآمد و نیز با بهره گرفتن از علم و تکنولوژی تشکیل داده است تا جمهوری اسلامی را هدف یک یورش همه جانبه‌ی فرهنگی قرار دهد. مقابله با این تهاجم بسیار خطرناک و ویرانگر، نیازمند هوشیاری و استفاده از ابزار و روش‌های مشابه دشمن و یا شیوه‌های جایگزین آن است. (۷۱/۹/۹).

۱۳. من یک بار دیگر هم در اوایل امسال این هشدار را دادم، این هم بار دوم است، من با مسئولین اتمام حجت می‌کنم، مسئولین باید در این مورد اقدام بکنند، ببینند کدام روزنامه است که از حدود آزادی پا را

فرا تر می گذارد، آن چه را برای این ملت مفید است، آن چه حقیقی است، آن چه که بیان رأی بدون توطئه است، آن را از توطئه، خیانت و اضلال و ناامید کردن مردم جدا کنند، این ملت، ملت انقلابی است، ریشه های ایمانی در این کشور، خیلی عمیق است، سال ها حالت استکبار و استعماری، با همه مظاهر بی ایمانی که آورد و وارد این کشور کرد، نتوانست این ملت را از دین و ایمانش جدا کند، آن کسانی که نگاهشان به دروازه های غرب و به خصوص امریکاست، تا ببیند آنها چه اشاره ای می کنند و این ها همان را بگویند، چه فکر می کنند، مگر می شود به کسانی که تقریباً همه این بیست سال را در مقابل انقلاب و امام و مردم ایستاده اند، اجازه داد که حالا بیایند میدان دار صحنه بشوند و بنا کنند گذشته این بیست سال را، گذشته این انقلاب را، گذشته این ملت را، دوران امام را، با اهانت و دروغ و تهمت زیر سوال ببرند. (۷۷/۶/۲۵).

۱۴. الان یک کارزار فکری و فرهنگی و سیاسی در جریان است... کم هم نیستند «قلم به مزدها» و «فرهنگ های دین و دل باخته» و نشسته پای بساط فساد استکبار... که برای مقاصد استکبار قلم هم بردارند، شعر هم بگویند، کار هم بکنند... (۷۷/۷/۹).

۱۵. «دولت با این امکانات و عظمت، باید مردم را به سمت اسلام و مبانی اسلامی پیش برد. من از بعضی بخش های دولتی گله دارم و چند بار گفته ام، معتقدم کم کاری می شود، در محیط کار فرهنگ

ما به عنوان اسلام، خیلی کم کار شده است، وزارت ارشاد اعلام نمی‌کند که من می‌خواهم سینمای اسلامی درست کنم، چرا خجالت می‌کشیم؟ ما باید محتوای سینما را اسلامی کنیم. چرا گفته نمی‌شود در هنرهای نمایشی، در دانشگاه، می‌خواهیم کارگردان مسلمان تربیت کنیم... می‌خواهیم فیلمنامه نویس مسلمان درست کنیم... فضای جامعه را اسلامی کنیم؟ در محیط دانشگاه چرا تصریح نمی‌شود که می‌خواهیم دانشگاه را اسلامی کنیم؟ آقای مهاجرانی (وزیر ارشاد دولت خاتمی) ظاهراً در این جلسه نیستند، خودشان را راحت کردند که این حرف‌ها را نشنوند، فرق نمی‌کند باشند یا نباشند، من اعتراضم این است، بارها گفته‌ام وزارت ارشاد در این دو سال که ایشان در رأس کار هستند، هیچ کار اسلامی به عنوان اسلامی نکرده، این اولین اعتراض من است.

من به صدا و سیما هفته‌ای یک بار، کم‌تر اعتراض می‌کنم، پیغام تند می‌دهم، اما صدا و سیما کارهای زیادی به عنوان اسلامی انجام داده و برنامه‌های اسلامی درست کرده، برنامه هنری، اسلامی، گزارش علمی، اگر خطا دارد، تلاش و کار هم دارد. سوال من این است که وزارت ارشاد چند کتاب برای تقویت تفکر اسلامی چاپ کرده است؟ چند فیلم برای تقویت مبانی فکری، انقلابی و اسلامی ساخته است؟ الان مرتب در سالن‌های وابسته به ارشاد مواردی نمایش داده می‌شود که بعضی‌ها صد در صد ضد دین است، ضد انقلاب است، اگر در کنار این همه، چند نمونه تئاتر و فیلم اسلامی

می خواستند مبلغ اسلام باشند، من اعتراض نمی کردم. بنده اهل رمان خواندن بودم و الان هم با رمان بی ارتباط نیستم، خبر دارم که در دنیای رمان چه خبر است، فاسدترین رمان‌ها الان منتشر می شود، در این فضا وزارت ارشاد برای این است که اسلام را ترویج کند، البته من به سازمان تبلیغات هم اعتراض دارم، منتهی سازمان تبلیغات نسبت به ارشاد، امکانات کم تری دارد... من از وزارت ارشاد راضی نیستم. (۷۸/۹/۲۴).

۱۶. رهبر معظم انقلاب با نشان دادن عمق نارضایتی و ناخشنودی خود از سیاست‌های فرهنگی، افکار عمومی را متوجه لایه‌های زیرین این حرکت خزنده و عاملان پیدا و پنهان آن کرد. تداوم این روند خطرناک اندکی بعد، رهبری را به اتخاذ تصمیم عملی در برابر این انحراف بزرگ واداشت، رهبر انقلاب در سخنرانی اول اردیبهشت ۱۳۷۹ که در جمع ده‌ها هزار جوان بسیجی ایراد کرده بود، بار دیگر به تبیین اهداف دشمنان انقلاب اسلامی در توطئه فرهنگی پرداخته و در یک دستور ضمنی به مسئولین امر از منظر امنیتی، خواستار برخورد قاطع با تعدادی از نشریاتی شدند که در حکم پایگاه دشمن عمل می کردند. من در نماز جمعه گفتم، که قلباً از بعضی پدیده‌هایی که در کشور است رنج می‌برم، نمی‌خواهم آن چیز که برای من رنج آور است را با افکار عمومی مطرح کنم، اما آن داستان غم انگیز را می‌گویم، من دو سال قبل از این در یکی از خطبه‌های نماز جمعه گفتم که دستگاه‌های استکباری دنیا و امریکا



از تبلیغات، برای ساقط کردن و ایجاد اغتشاش در کشور استفاده می‌کنند و البته به آن دستگاه‌های تبلیغی گفتم این که شما سرنوشت کشورهای اروپای شرقی را در ایران دنبال کنید، خیال خام است، اما متأسفانه همان دشمنی که به وسیله تبلیغات خود همتش این است که کشور را ساقط کند، امروز در داخل پایگاه پیدا کرده است، بعضی از مطبوعات پایگاه دشمن شده اند. من نه با آزادی مطبوعات مخالفم و نه با تنوع مطبوعات، اگر به جای بیست روزنامه، دویست روزنامه هم دربیاید، بنده خوشحال تر هم خواهم شد و از زیادی روزنامه‌ها احساس بدی ندارم، مطبوعات هر چه بیشتر باشند بهتر است. اما وقتی مطبوعاتی پیدا می‌شوند که همه همتشان تشویش افکار عمومی و ایجاد بدبینی مردم به نظام است و ۱۰ تا ۱۵ روزنامه گویا از یک مرکز هدایت می‌شوند، تیتراهایی می‌زنند که هر کس نگاه می‌کند، فکر می‌کند همه چیز در کشور از دست رفته! امید را در جوانان می‌میرانند، روح اعتماد به مسئولین را در مردم ضعیف می‌کنند، نهادهای رسمی را تضعیف می‌کنند، مدل این‌ها کیست؟ مطبوعات غربی هم این گونه نیستند، این یک شارلاتانیزم مطبوعاتی است...

در هر حادثه‌ای جو تهمت فضا را پر می‌کند، تروری اتفاق می‌افتد، هنوز هیچ اطلاعی در دست نیست، هنوز از این که این حادثه را چه کسی انجام داده، هیچ کسی سر نخ‌ نداشته، اما می‌بینید که در روزنامه تیترا می‌زنند،

سپاه را متهم می‌کنند، بسیج را متهم می‌کنند، روحانیت را متهم می‌کنند، هدف از این کارها چیست؟ چرا با بسیج این قدر بد هستند؟ در بسیاری از این مطبوعات آدم‌های خوبی مشغول به کار هستند، چه آنها که قلم می‌زنند و چه آنها که اداره می‌کند، اما در لا به لای همین‌ها، من ردپای عبدالله ابن‌ابی‌ها را می‌بینم، یأس پراکنی‌ها و ناامید کردن را می‌بینم.

عناصر مرید دشمن را چهره سازی می‌کنند و عناصر دلسوز و مؤمن و مخلص را سعی می‌کنند از نظرها بیندازند. البته این کارها به جایی نمی‌رسد. من مایل نبودم با این حرارت و تفصیل درباره برخی مطبوعات، حرف بزنم اما ناگزیر شدم، با مسئولین صحبت کردم، رئیس جمهور محترم هم مثل من ناراحت است، شنیدم ایشان برخی را جمع کردند و نصیحت کردند، نمی‌دانم کار با نصیحت پیش می‌رود. (۷۹/۲/۱).

## ب - ناتوی فرهنگی

برای این‌ها آن چه مهم بوده، کسب قدرت سیاسی است که بتوانند در کشورها و دولت‌های اروپایی و غیره نفوذ کنند... و پول کسب کنند و این کمپانی‌ها، سرمایه‌های عظیم، کارتل‌ها و تراست‌ها را به وجود آورند. اخلاق جنسی ملت‌ها را خراب کنند و مصرف‌گرایی را در بین آنها ترویج دهند، بی‌اعتنایی به هویت‌های ملی و مبانی فرهنگی را در آنها ترویج دهند. این‌ها اهداف کلان آنها بوده است که همیشه لشگری هم از امکانات

فرهنگی و رسانه‌ای و روزنامه‌های فراوان و مسائل گوناگون تبلیغات در مشت این‌ها بوده است. در مقابل پیمان ناتو که امریکایی‌ها در اروپا به عنوان مقابله با شوروی یک مجموعه مقتدر نظامی به وجود آوردند، اما برای سرکوب هر صدای معارض با خودشان در منطقه خاورمیانه و آسیا و غیر از آن استفاده می‌کردند. حالا یک ناتوی فرهنگی هم به وجود آورده اند. این بسیار چیز خطرناکی است... سال هاست که این اتفاق افتاده است. مجموعه زنجیره‌ای به هم پیوسته از رسانه‌های گوناگون، اینترنت، ماهواره‌ها، تلویزیون‌ها و رادیوها، در جهت اهداف مشخصی حرکت می‌کنند تا سررشته تحولات جوامع را برعهده بگیرند. این‌ها صهیونیست‌ها و سرمایه دارهایند و عموماً هم، در امریکا و اروپا هستند. همان ناتوی فرهنگی در مجموعه خود، بسیاری از این دانشمندان، متفکران، هنرمندان، ادبا و امثال این‌ها را هم دارد. (در سفر سمنان سال ۱۳۸۵، جمع اساتید و دانشجویان دانشگاه‌ها).

### ج - مظلومیت فرهنگ

نکته بعدی که می‌خواهم سفارش کنم، این است که از بخش فرهنگ رفع مظلومیت کنید. بخش فرهنگ انصافاً بخش مظلومی است. الان در گزارش آقای رئیس جمهور، اصلاً اسمی از فرهنگ نیامد؛ یا در اولویت بندی‌ها، این اولویت فدای اولویت‌های دیگر شد و آنها تقدم پیدا کرد که در کوتاهی وقت، بیان بشود! این مظلومیت است دیگر. واقعاً مسأله‌ی

فرهنگ را دست کم نگیرید. خیلی از مشکلات جامعه‌ی ما با فرهنگ سازی حل می‌شود. توجه بکنید که امروز، عمده قوای دشمنان ما در جبهه‌ی فرهنگی دارد کار می‌کند. این جنگ‌های روانی، این فعالیت‌های فرهنگی، این بودجه‌های پنهان و آشکاری که برای منحرف کردن ذهن‌ها می‌گذارند، همه‌اش مربوط به مسأله‌ی فرهنگ است. فرهنگ مثل هواست که انسان وقتی که این هوا را استشاق کرد، با هوایی که استشاق کرده و با آن جانی که گرفته، می‌تواند دو قدم بردارد و جلو برود؛ بقیه‌ی کارها همه برخاسته‌ی از آن چیزی است که شما استشاق کرده اید. اگر چنان چه یک جایی، هوای مسمومی تزریق بشود، نتیجه‌ای که در اندام‌ها دیده خواهد شد تابع آن مسمومیتی است که در هواست. اگر فضا را با دود یا مخدری تخدیر کنند، وقتی شما آن را استشاق کردید، رفتار شما متناسب با آن چیزی خواهد شد که استشاق کرده اید؛ فرهنگ یک چنین حالتی دارد. فرهنگ را دست کم نگیرید؛ خیلی مهم است. بنابراین صرف وقت کنید و در بودجه هم برایش پول و فصول قابل توجهی بگذارید تا جهت ارزشی به فرهنگ بدهید. از جمله‌ی کارهایی که مسئولین فرهنگی دولت خیلی باید به آن پردازند و واقعاً یک دقیقه را در آن فروگذار نکنند، این است که به فرهنگ عمومی جامعه و ابزارها و وسائل فرهنگی، جهت ارزشی بدهند. چون تلاش زیادی شده تا جریان‌های فرهنگی، و عامل‌های فرهنگی - هنر و ادبیات و شعر و سینما و بقیه - در جهت غیر ارزشی حرکت کنند و راه بیفتند. شما باید

کمک کنید و همه‌ی تلاشتان را بکنید که به تحرکات فرهنگی کشور در جهت ارزشی جهت بدهید... (۸۶/۴/۴).

## د - جنگ نرم

همین که حالا معمول شده که در بیان‌ها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه می‌گویند: جنگ نرم، راست است، این یک واقعیت است. یعنی الآن جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم من از بعد از جنگ سال ۱۳۶۷ همیشه این را گفته‌ام، بارها و بارها، علت این است که من صحنه را می‌بینم؛ چه بکنم اگر کسی نمی‌بیند؟ چه کار کند انسان؟! من دارم می‌بینم صحنه را، می‌بینم تجهیز را، می‌بینم صف آرای‌ها را، می‌بینم دهان‌های از حقد و غضب گشوده شده و دندان‌های با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه‌ی این آرمان‌ها و علیه همه‌ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته اند؛ این‌ها را انسان دارد می‌بیند. خب چه کار کند؟ این تمام نشده چون تمام نشده، همه وظیفه داریم.

(۸۸/۶/۱۴)

## دغدغه‌های حضرت آقا واقعیت یا توهم!؟

**دانشجو:** وقتی مقام معظم رهبری این مباحث را مطرح می‌فرمودند عده‌ای آن را توهم می‌دانستند و این خطر را جدی نمی‌گرفتند در این زمینه توضیحاتی بفرمایید؟

این عده که شما اشاره کردید بعضی‌ها واقعاً تحلیل نداشتند و آن چیزی که حضرت آقا می‌دیدند این‌ها نمی‌دیدند بعضی‌ها هم می‌دیدند ولی نمی‌خواستند قبول کنند چون دل‌هایشان و ذهن‌هایشان برای آن طرف آب می‌تپید و عاشق و دل‌باخته فرهنگ غرب بودند. من الان نمی‌خواهم به این موضوع پردازم و اسم بیاورم که این خائنین به ملت در پوشش روشنفکری خصوصاً در دوره ۸ ساله اصلاحات چه کارها که نکردند. ولی کافی است ما به گفته‌ها و نوشته‌های شیطانی تئوری پردازان و متفکران اندیشه غربی اشارتی داشته باشیم تا وجدان‌های بیدار قضاوت کنند که دغدغه‌های حضرت آقا واقعیت بود یا توهم!؟

## نقشه‌های شیطانی دشمنان ملت ایران

۱. سرگئی گورکینیان (رئیس مرکز مطالعات استراتژیک روسیه) می‌گوید: من اسنادی را در غرب دیدم که آنها تلاش می‌کنند کشور شما و جامعه شما را نابود کنند و شما - ملت ایران - باید هوشیار باشید، هدف اصلی آنها کم‌رنگ کردن و بی‌اعتبار ساختن اسلام است، اگر بتوانند به ایدئولوژی شما ضربه بزنند، کشورتان را

متلاشی می‌کنند. (طرح‌های مدرن امریکا علیه انقلاب و مردم ایران، ص ۲۴).

۲. ادوارد شولی (یکی از مقامات سابق سیا) می‌گوید: کلید اصلی ایجاد تغییر بنیادین در ایران، از بین بردن نفوذ روحانیون و عقاید انقلابی است، اگر نظام ولایت فقیه در ایران از هم بپاشد، آن وقت می‌توان گفت تغییر ایجاد شده است. (کیهان، ۷۷/۴/۳۰).

۳. دیوید کیو- مأمور سازمان سیا- می‌گوید: مهم‌ترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی ایران، تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است و ما مصمم بر آن هستیم.<sup>۳</sup>

۴. الکساندر آلدرد (نویسنده فرانسوی) می‌گوید: من در هیچ کجای دنیا و در هیچ انقلابی از انقلاب‌های تاریخ ندیده و نشنیده‌ام که روشنفکران یک جامعه در کشاکشی ویرانگر، بنیان‌های پولادین جامعه خود را با پتک تحلیل‌ها و رفتارهای سیاسی در هم بکوبند، اما این اتفاق بی‌سابقه در انقلاب ایران در حال انجام است. (ماهنامه صبح، شماره ۹۱، فروردین ۷۸).

۵. گری سیک (مشاور سابق امنیت ملی امریکا و عضو برجسته سازمان سیا) می‌گوید: من در ایران روشنفکرانی را دیدم که اشاره‌های ما را دنبال می‌کنند، آنها شش‌لولی بالا برده‌اند تا هر کس و هر چه را با ما ناسازگار است، هدف قرار دهند. (کیهان، ۷۹/۵/۸).

۶. گری سیک در جایی دیگر می گوید: من چگونه خوشحال نباشم که در ایران موج تازه‌ای برپا شده که مصمم است طومار حکومت اسلامی را در هم بپیچد و حکومتی نظیر حکومت ایران در دوران شاه عربستان سعودی را روی کار بیاورد. (همان مدرک).
۷. «آموس پرلموتر»، استاد علوم سیاسی دانشگاه آمریکن و سردبیر نشریه مطالعات استراتژیک، تخصیص بیست میلیون دلار توسط دولت امریکا برای فعالیت‌های براندازی علیه جمهوری اسلامی را اقدامی ضروری دانسته، پیشنهاد می‌کند این مبلغ صرف جنگ روانی و تهاجم فرهنگی علیه جمهوری اسلامی ایران شود و در انجام این طرح از ضد انقلابیون به عنوان عوامل اجرایی استفاده شود، این تحلیل‌گر امریکایی خواستار افزایش بودجه مربوط به این توطئه شده و می‌نویسد:
۸. این بیست میلیون دلار نباید به اقدامات سرّی اختصاص یابد، بلکه باید به تبلیغات روانی گسترده و فعالیت‌های روشنگرانه در حمایت از مخالفان بنیادگراها و نیروهای غیرمذهبی اختصاص داده شود. این پول باید به جای اختصاص یافتن به فعالیت‌های سرّی، به یک جنگ تهاجمی روانی اختصاص یابد. بیست میلیون دلار برای آن هدف مبلغ بسیار ناچیزی است. اقدامات ضد ایران باید با بصیرت و بینش آگاهانه به مورد اجرا گذاشته شوند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۳۰/۱۰/۷۴).



حال بد نیست ببینیم که این «ضد انقلابیون» و «مخالفان بنیادگراها» و «نیروهای غیرمذهبی» که آقای پرلموتر می‌خواهد توسط آنان اهداف جنگ روانی و تبلیغاتی امریکایی پیدا شود، کیستند؟

الف - سر تپ «محمد آیرملو» یکی از سرکردگان گروه‌های سلطنت طلب، در کیهان چاپ لندن، طی مقاله‌ای ضمن اشاره به قدرت مذهب چنین می‌نویسد:

«این نیروی خارق العاده مذهب، آن هم به شکل ساخته و پرداخته و انحراف یافته، هم اکنون در دست آخوندها است، و هنوز مغز شمار بزرگی از توده مردم در گرو آنهاست. برای اجرای برنامه براندازی باید این حربه را از دست آنها گرفت و این کاری است بس مشکل اما شدنی. حال که آخوندها مذهب را به صورت یک ایدئولوژی سیاسی درآورده اند، چرا ما از راه مبارزه ایدئولوژیک با آنها پیکار نکنیم؟ اتفاقاً از این راه دور، برای ایرانیان بیرون از سرزمین ایران، بهترین کوشش براندازی همین مبارزه ایدئولوژیک با آخوندها است. (محمد آیرملو، کیهان لندن، شماره ۱۷۲، ص ۷ و ۱۴).

ب - «منوچهر گنجی» سرکرده گروهک «درفش کاویانی» که وابسته به سازمان «سیا» است، نیز در بیانیه‌ای که به مناسبت تأسیس «سازمان حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای ایران» منتشر کرده بود، چنین آورده بود: مبارزه فرهنگی - سیاسی مردم ما، مبارزه ساکن و غیر مستقیم نیست. بلکه به طور علنی و مستقیم و آشکار انجام می‌گیرد، مردم و سیاست مداران ما می‌کوشند با بهره جویی از فرهنگ غنی ایران، عدم مشروعیت رژیم

آخوندی را برملا کنند... امروز جنگ بین آخوندها و ملت ما، در میدان فرهنگ جریان دارد. (بیانیه اعلام موجودیت «سازمان حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای ایران» پاریس، ۷۱/۸/۳۰).

خوب، ملاحظه کردید که چگونه به اصطلاح «روشنفکران» وابسته به «سیا» توصیه‌های آقای پرلموتر و سایر ثنوریسین‌های حکومت امریکا را در عمل به مرحله‌ی اجرا می‌گذارند؟ آقای پرلموتر در ادامه تحلیل خود می‌نویسد: تنها راه سرنگونی رژیم خطرناک و متعصب ایدئولوژیکی ایران، یک مبارزه سیاسی-روانی و روشنفکرانه می‌باشد، نه از طریق اقدامات نظامی.

۹. رئیس مجلس نمایندگان امریکا، در بهمن ماه ۱۳۷۳ خواستار «یک استراتژی کلی ایالات متحده امریکا در جهت جایگزین ساختن رژیم فعلی ایران با زور» شد. وی پیشنهاد کرد که: هدف دولت امریکا باید این باشد که به مردم ایران جهت سرنگون کردن رژیم استبدادی روحانیون کمک شود. (امریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۱۱).

۱۰. مجله «تایم» نیز در این رابطه نوشت: رئیس مجلس نمایندگان امریکا مبلغ هجده میلیون دلار برای طرحی علیه ایران اختصاص داد و از سازمان اطلاعات این کشور خواست تا به طریقی و تحت یک نقشه پنهانی، درصدد تغییر حکومت ایران برآید... وی در طرح اولیه خود برای براندازی رژیم ایران، بودجه‌ای صد میلیون دلاری

درخواست کرده بود که این بودجه سرانجام به هجده میلیون دلار رسید و جزو بودجه‌های محرمانه سازمان سیا قرار گرفت. (همان مدرک).

۱۱. پروفیسور «اریک هوگلاند» نیز که یکی از مخالفان تحریم ایران است، در کنفرانس بین‌المللی «ایران در حال ظهور» در شهر کاونتری انگلیس گفته بود: امریکا اعتقاد دارد با توجه به پیروزی در جنگ سرد و تبدیل شدن به تنها ابرقدرت جهان، می‌تواند هر کاری را که بخواهد انجام دهد... هیچ شکی ندارم که هدف واقعی سیاست «مهار دوگانه» امریکا نسبت به ایران، سرنگون کردن دولت ایران است. (همان مدرک).

۱۲. «نتانیا هو» نخست‌وزیر سابق اسرائیل نیز در مجمع سالانه یهودیان امریکا، با اشاره به برخی از طرح‌ها و توطئه‌های صهیونیست‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران، گفته بود: من از بقای جمهوری اسلامی ایران در شگفتم... بودجه بیست میلیون دلاری که در این جا (امریکا) برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران تصویب شده است، تنها یکی از صدها طرح و برنامه‌ای است که ما و امریکا به کار بسته ایم.

تعجب من از همین است، ما هم اکنون ایران را در بایکوت خبری به تنگ آورده ایم، با اطلاق عنوان تروریست به آن، همه افکار جهانیان را با آن به مخاصمه آورده ایم، به طوری که اوضاع داخل ایران نیز از آن یک

دستی دهه‌ی اول انقلاب خارج شده است و خط قرمزهای حتمی نظام به چالش محافل سیاسی درآمده، اما این رژیم به گونه‌ای شگفت و نامعلوم، آسیب‌های خود را ترمیم می‌کند. (همان مدرک).

۱۳. «هنری پرشت» مسئول سابق میز ایران در وزارت خارجه امریکا، نیز در این مورد گفته بود:

اگر موجی که در مطبوعات اصلاح طلب ایران با تنز امکان ارتباط با امریکا شروع شده و حالا به تردید در اساسی‌ترین وجه انقلاب اسلامی مشغول است، بتواند از حریم روحانیت عبور کند و از آن طریق، ولایت فقیه را بر کشتی تردید سوار کند، بار سنگینی از دوش امریکا برداشته خواهد شد. این بار سنگین همان است که امروز ایران را از غرب دور نگه داشته و امکان صلح با اسرائیل را تا حد صفر تنزل داده است. (همان مدرک).

۱۴. «پاتریک کلاوسون» نیز در این باره می‌گوید: یک رویکرد فعال برای امریکا، تشویق نیروهای دموکراتیک در داخل ایران است، نزدیکی بیش از حد امریکا به اصلاح طلبان، می‌تواند عکس العمل منفی داشته باشد و در این راستا، امریکا می‌تواند با استفاده از برنامه‌های رادیو امریکا، رادیو آزادی، و برنامه‌های تلویزیونی از طریق ماهواره، پیام خود را به مردم ایران برساند. (همان مدرک).

۱۵. سناتور «جوزف بایدن» نیز در این زمینه توضیحات بیشتری می‌دهد: ما باید قدم‌های بسیار حساب شده و سنجیده‌ای برداریم که هدف آن کمک به افرادی باشد که خواهان دگرگونی در ایران هستند...

دولت بوش باید به تمامی سازمان‌های غیر دولتی امریکا اجازه دهد تا به گروه‌های ایرانی مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، فرهنگی و خواهان دموکراسی، کمک مالی کنند. (همان مدرک).

۱۶. «کنت تیمرمن» نیز در گزارشی چنین گفته بود که: ما باید از طرفداران دموکراسی در ایران بخواهیم رژیم کنونی را سرنگون کنند، چرا که این رژیم منافع امریکا را تهدید می‌کند... استفاده از اهرم‌های فرهنگی، بهترین وسیله‌ای است که امریکا در مقابله با رژیم تهران در دست دارد. استفاده از فشارهای اقتصادی تا مدتی برای جلوگیری از سرمایه‌گذاری در بخش گاز و نفت موفق بود، ولی پرداختن به مسایل اقتصادی باز هم درمان عوارض مشکلات امریکا با رژیم ایران است و نه درمان ریشه‌ای این مشکل. مبارزه اقتصادی و نظامی با رژیم ایران در نهایت با شکست روبه‌رو خواهد شد، مگر این که از اهرم‌های فرهنگی نیز استفاده کامل شود... برملا شدن حمایت‌های پنهانی امریکا از گروه‌های مخالف رژیم، می‌تواند موجب محبوبیت رژیم ایران در بین مردم شود. امریکا باید از بعضی دولت‌های منطقه بخواهد به رهبران مذهبی شیعه‌ی مخالف رژیم و هم‌چنین ایرانیان سنی مذهب در بلوچستان، کنار سواحل خلیج فارس و در مرز آذربایجان کمک کنند. (همان مدرک).

۱۷. یکی از مسئولین سابق شورای امنیت ملی امریکا نیز در طی یک میزگرد تلویزیونی در واشنگتن، هدف نهایی توطئه‌های امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران را چنین بیان می‌کند که:

برپایی یک شورش مردمی علیه حکومت روحانیون در ایران، بزرگ‌ترین پیروزی است که در راستای جنگ ایالات متحده علیه تروریسم قابل تصور است. من شخصاً بهتر از این چیزی را نمی‌توانم تصور کنم، زیرا ایران الگویی برای اسلام‌گرایان در سراسر جهان است. حکومت ایران دین‌گراست، حکومتی است که در آن اسلام حاکم است... اگر در شرایط کنونی، یک حکومت دین‌گرا در ایران سقوط کند، بسیار عالی خواهد شد. زیرا این به تمام جهان نشان خواهد داد که وقتی اسلام‌گرایان به قدرت می‌رسند و نظام خود را برقرار می‌کنند، نتیجه کار چه خواهد شد. (همان مدرک).

## ورود واژه جنگ نرم به ادبیات سیاسی روابط بین الملل

**دانشجو:** به اصل بحث برگردیم لطفاً بفرمایید جنگ نرم اساساً از چه زمانی

وارد ادبیات سیاسی روابط بین‌المللی شد؟

استاد:

پیرامون این موضوع، بد نیست بنده اشاره کنم به «کتاب جمهوری اسلامی و قدرت نرم» که توسط آقای محمود رضا گلشن پژوه تالیف شده و دفتر گسترش تولید علم، وابسته به معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی،

آن را در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسانده است، فصل دوم این کتاب اشاره به تاریخچه به کارگیری مفهوم قدرت نرم دارد، مرور این بخش پاسخی به سوال شماست:

استفاده خاص از این کلمه «جنگ نرم» در علم روابط بین الملل برای نخستین بار توسط جوزف نای، نظریه پرداز برجسته امریکایی در مقاله‌ای با عنوان «گمراه کنندگی استعاره انحطاط» در نشریه «آتلانتیک» در مارس ۱۹۹۰ مطرح گشت. وی در این مقاله می‌گوید: «اگر امریکا تنها ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را به برنامه‌ای اختصاص دهد که هم آموزش داخلی را ارتقا داده و هم کمک‌های موثر و اطلاعات مورد نظر را به خارج برساند، به قدرتی متفاوت و عمیق تر از «قدرت سخت» دست می‌یابد که به آن می‌گوییم «قدرت نرم».

نای پس از آن در کتاب خود با عنوان «ملزم به رهبری» که در همان سال ۱۹۹۰ به چاپ رسید، این مفهوم را مورد بررسی و توضیح بیشتری قرار داد. در این کتاب، نای کوشید تا برعکس دیدگاه فائق جهانی مبنی بر افول ابرقدرتی امریکا، نشان دهد که امریکا نه تنها به لحاظ قدرت نظامی و اقتصادی، بلکه در بعد سومی به نام «قدرت نرم» نیز قوی‌ترین کشور محسوب شده و بی‌همتاست. وی این مفهوم را نخستین بار این گونه تعریف نمود: «قدرت نرم» توانایی کسب چیزی است که از طریق جذب به جای اجبار می‌خواهیم. وی در ادامه می‌نویسد این نوع قدرت «می‌تواند از طریق روابط با متحدان، کمک‌های اقتصادی و تبادلات فرهنگی حاصل شود». او

در این کتاب استدلال می‌کند این نوع قدرت می‌تواند موجب به وجود آمدن افکار عمومی مطلوب تر و کسب اعتماد بیشتر در کشورهای دیگر شود.

نای مجدداً در سال ۲۰۰۱ با انتشار کتاب دیگری به نام «تناقض قدرت امریکایی: چرا تنها ابرقدرت جهان نمی‌تواند به تنهایی عمل کند؟» به مفهوم قدرت نرم بازگشت. این کتاب در حقیقت هشدار می‌دهد که فواید امریکا در قرن بیست و یکم میلادی است. نای در این کتاب به توضیح اصولی می‌پردازد که به اعتقاد وی باید طی دهه‌های آینده بر سیاست خارجی امریکا حکم فرما باشد. وی استدلال می‌کند در قرن جدید، ایالات متحده نباید تنها بر حفظ قدرت اقتصادی و نظامی خود که او «قدرت سخت» می‌نامد، تکیه کند بلکه باید در جهت جذابیت فرهنگ، ارزش‌ها و نهادهایی که «قدرت نرم» نامیده است، تلاش نماید. او مجدداً در این کتاب اعلام می‌دارد امریکا نیازمند تقویت بعد سوم قدرت خویش، یعنی قدرت نرم می‌باشد.

مقاله‌ای نیز در «هرالد تریبون» در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۳ توسط نای نوشته شده که در آن ضمن اعتراض به عملیات‌های مخفی پنتاگون در کشورهای متحد امریکا، آنها را برای قدرت نرم این کشور بسیار مضر می‌خواند. وی با اشاره به تفاوت میان تبلیغات یا پروپاگاندا و قدرت نرم، مثال‌هایی را از قدرت نرم امریکا در برابر کشورهای دیگر می‌آورد. نای در نهایت از حجم بسیار اندک بودجه دیپلماسی عمومی امریکا در برابر بودجه دفاعی این کشور



انتقاد نموده و خواستار توجه بیشتر دولت بوش به مسئله قدرت نرم در سیاست خارجی خود می‌شود.

نای هم چنین در آخرین اثر خود با عنوان «قدرت نرم: ابزارهایی برای توفیق در سیاست جهانی» که در مارس ۲۰۰۴ به چاپ رسید، به تفصیل درباره این جنبه از قدرت می‌نویسد. نای در مراسم معرفی کتاب خود، اعلام می‌دارد دو تغییر بزرگ در کل جهان نسبت به سال‌های پیش روی داده است: بحث جهانی شدن و موضوع انقلاب تکنولوژیک. او معتقد است این تغییرات راه را برای گروه‌های تروریستی برای اعمال نقشه‌های خود به وضوح هموار ساخته است. وی سپس با انتقاد از نظریه پردازانی هم چون «چارلز کراتامر» که معتقد به یک جانبه گرایی در سیاست خارجی امریکا هستند، مثال همیشگی خود را در خصوص شطرنج سه بعدی آورده و اعلام می‌کند توجه به دیدگاه‌های افراطی چون کراتامر، سبب می‌شود تا ما شطرنج را تک بعدی دیده، آن را در نهایت ببازیم.

نای سپس به نتایج نظرسنجی‌های صورت گرفته به خصوص پس از اقدام‌های یک جانبه امریکا در عراق اشاره کرد و با انتقاد از افرادی که در هیئت حاکمه امریکا معتقدند بنا نهادن سیاست خارجی بر مبنای «نظر سنجی» صحیح نیست، عنوان می‌دارد افرادی که اکنون از ما متنفر شده اند، همان‌هایی هستند که امریکا در مبارزه با تروریسم بیشترین نیاز را به کمک آنها دارد. او سپس به این واقعیت اشاره می‌کند که نادیده انگاشتن قدرت نرم، تنها اثری بطنی ندارد، بلکه اثر وضعی آن در جنگ با عراق و هنگام رد

درخواست امریکا از ترکیه برای عبور نیروهای خویش از این کشور روشن شد. وی در آخر با ذکر جزئیات، به اشتباهات اخیر امریکا در زمینه عدم به کارگیری قدرت نرم پرداخته و با انتقاد از کاهش شدید میزان ساعات پخش برنامه «صدای امریکا» و هم چنین بودجه اندک وزارت امور خارجه برای اعمال دیپلماسی عمومی در جهان اسلام، خواستار توجه جدی به این موضوع می‌شود. آن چه نای در این زمینه بسیار حائز اهمیت می‌شمارد، همکاری امریکا با نهادهای بین المللی مانند سازمان ملل و از مجرای آن، دستیابی به «مشروعیت» است. (برگرفته از کتاب «جمهوری اسلامی و قدرت نرم»، ص ۲۷ به بعد).

## مفهوم و ماهیت جنگ نرم

**دانشجو:** اساساً مفهوم و ماهیت جنگ نرم چیست، در این باره توضیحاتی بفرمایید؟

استاد:

جنگ نرم، جنگ متفاوت از جنگ سخت بوده و با مفاهیم چون تهدید نرم و قدرت نرم مرتبط می‌باشد. در ماهیت شناسی جنگ نرم در واقع به دنبال فهم چیستی و چگونگی آن هستیم. اگر در جنگ سخت و نظامی از خشونت و ابزار سخت به عنوان عامل اجبار برای تحمیل خواست و اراده یک طرف به طرف دیگر استفاده می‌گردد، در جنگ نرم، با استفاده از قدرت نرم و بدون توسل به خشونت، خواسته‌ها تعقیب می‌شود. همان گونه که تهدید و جنگ با مفاهیمی چون امنیت ملی، انسجام ملی و ثبات سیاسی

مرتبط بوده و در هم تنیدگی دارد، جنگ نرم نیز با همین مفاهیم ارتباط تنگاتنگ دارد. اگر در قدرت سخت تجهیزات و ادوات نظامی پشتوانه جنگ سخت به حساب می‌آید، قدرت نرم پشتوانه اصلی جنگ نرم است. همان طور که گفته شد قدرت نرم را برای اولین بار «جوزف نای» در سال ۱۹۹۰ مطرح کرد و آن را این گونه تعریف کرد: «قدرت نرم توانایی کسب چیزی است که می‌خواهیم از طریق جذب به جای اجبار به دست آوریم». از نظر «نای» اساس قدرت بر ارزش‌ها نهاده شده است. در جنگ نرم، باورها، ارزش‌ها و عقاید مورد هجوم قرار می‌گیرد و بر این اساس می‌توان جنگ نرم را این گونه تعریف کرد: «جنگ نرم مجموعه‌ای از اقدامات است که دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی را دنبال می‌کند و در واقع به دنبال نوعی سلطه در ابعاد سه گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است».

اصولاً ماهیت جنگ نرم، همان ویژگی غیر خشونت آمیز بودن آن می‌باشد. در این جنگ از شیوه‌ها و روش‌های غیر خشونت آمیز استفاده می‌گردد. تا بر افکار و اندیشه‌ها تأثیر بگذارند اگر جنگ به عنوان یک روش و شیوه خشونت آمیز و استفاده از ابزار زور و قوای نظامی شناخته شده و به همین دلیل دو کلمه جنگ و خون ریزی به همراه یکدیگر به کار برده می‌شوند، ماهیت جنگ نرم به دور از این شیوه‌ها و روش‌ها می‌باشد.

مقام معظم رهبری ماهیت جنگ نرم کنونی نظام سلطه علیه انقلاب و نظام اسلامی را این گونه تشریح می‌نمایند:

«یکی از مسئولان طراز اول رژیم صهیونیستی غاصب اسرائیل، در سال گذشته توصیه‌ای به آمریکایی‌ها کرد. این توصیه کاملاً در مطبوعات خارجی و اینترنت منعکس شد و امر پنهانی و مخفیانه‌ای نیست. توصیه وی به آمریکایی‌ها این بود که بیهوده وقت خود را با عراق و کره شمالی و کشورهای از این قبیل تلف نکنید. مسئله اصلی شما ایران است. اگر خاورمیانه را می‌خواهید، وقتتان را مصروف عراق نکنید، سراغ ایران بروید، کانون و سرچشمه آن جاست، اما ایران مثل عراق و کره شمالی و افغانستان نیست که بتوان با حمله نظامی آن را تسخیر کرد. نظام و حکومت اسلامی به مردم متکی است، مردم آن را حفظ کرده اند. باید کاری کنید که مردم آن را رها نکنند. راهش این است که مردم را با ترویج فرهنگ و ادبیات غربی و فرهنگ و تربیت آمریکایی، به واگرایی نسبت به دین و فرهنگ و سنت و تاریخ شان سوق داد. وقتی مردم این تعلقات را رها کردند، بعد از گذشت چند سال، بدون این که سرمایه‌ای صرف کنید، با یک حمله و تحرک احیاناً نظامی مختصر، می‌توانید این مانع بزرگ، یعنی نظام اسلامی را از سر راه بردارید».

بنابراین در جنگ نرم در دو حوزه، اقدامات اساسی شکل می‌گیرد:

یک - تصرف قلب‌ها و هدایت محبت‌ها و دوستی‌های مردم و برای این کار از ابزار مختلف تأثیر گذاری از جمله رسانه و هنر و افرادی که در قلب‌های مردم نفوذ دارند و می‌توانند در رفتار آنها تأثیر بگذارند، استفاده

می‌شود. به همین خاطر حضور هنرمندان و ورزشکاران و... ستارگان و قهرمانان بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد.

دو - وارد کردن شبهات و حمله به باورها و اعتقادات مردم و بر هم ریختن اذهان مخاطبان.

### هجمه‌های دوران دولت اصلاحات

در این جا لازم می‌دانم که به صورت اجمالی و تیتروار به برخی از این هجمه‌ها خصوصاً در طول دوران دولت اصلاحات در کشورمان بپردازم، البته در این زمینه دو کتاب قطور و مفصل به رشته تحریر درآمده:

یکی کتاب «آزادی یا توطئه» که به اهتمام جمعی از فضلا و روحانیون حوزه علمیه قم و توسط انتشارات فیضیه در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده و دیگری کتاب «پایان داستان غم انگیز» که توسط آقای حمید رسایی تألیف و انتشارات کیهان در سال ۱۳۸۰ آن را به چاپ رسانده است.

بنده مطالبی که عرض می‌کنم از این دو کتاب استفاده شده است، اکنون به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. سوء استفاده تبلیغاتی از اجرای طرح‌هایی چون طرح امنیت

اجتماعی به عنوان محدود کننده آزادی و حقوق زنان و نقش

آزادی‌های مدنی و اجتماعی.

(سیدمحمد خاتمی، روزنامه همبستگی، ۱۹/۱۰/۷۷، ص ۲، مصاحبه با شبکه

ان.اچ.کی: «اگر حجاب و پوشش مانع حضور زن و بروز شخصیت زن شود،

قطعاً مضر است ... مشکل این نیست که زنان چگونه لباس بپوشند، مشکل این است که زنان بتوانند در عرصه های مختلف حضور داشته باشند».

۲. ایجاد تقابل های سیاسی بین سران ارشد نظام اسلامی و القای در جریان بودن جنگ قدرت در جمهوری اسلامی بین چند طیف.

(مهسا ماه پیشانیان، همان)

۳. ترویج و اشاعه دنیا طلبی و مادی گرایی افراطی با تبلیغ مظاهر زندگی غربی

(سیدمحمد خاتمی، روزنامه آریا، ۷۷/۶/۲۸: «شما برای این که بتوانید پیشرفت کنید، راهی جز راه غرب ندارید و راه غرب یعنی پذیرش خرد غربی»).

۴. تبلیغ مستمر و گسترده لائیسزم و سکولاریسم

(محسن کدیور در دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۷۹ طی سلسله مباحثی تحت عنوان پژوهش های قرآنی ایراد کرد: «امروز خدا در جامعه هیچ کاره است و همه کاره مردم اند». هم چنین، ابراهیم اصغرزاده، روزنامه کیهان، ۷۷/۲/۶: «حتی علیه خدا هم می توان تظاهرات کرد»).

۵. ترویج نظریه وجود قرائت های مختلف از اسلام (پلورالیسم).

(عزت اله سبحانی، روزنامه خرداد، ۷۸/۸/۶: «به گفته امام علی (ع) هر شیوه حکومتی که مردم بر آن تفاهم کنند، همان مورد رضای خداوند است و تفاهم دینی و غیردینی معنا ندارد»).

۶. اشاعه و تبلیغ نسبی بودن موازین اسلامی و ارزش‌های اعتقادی و دینی.

(مقصود فراست خواه، هفته نامه توانا، ۷۷/۶/۲۲، ش ۲۸، ص ۸: «حقیقت ثابت نداریم؛ حتی در دست انبیا و معصومین هم حقیقت ثابتی نبوده که بتوانند آن را برای همه از مننه و امکانه دیکته کنند»).

۷. تبلیغ ضرورت جدایی دین از سیاست و دنیا از آخرت (سکولاریسم).

(اکبر گنجی در مصاحبه روزنامه تاگس اسپیکل آلمان، روزنامه کیهان، ۷۹/۱/۲۴: «در یک جامعه مدرن جدایی دین از سیاست یک امر بدیهی است. ایران نیز در حال حاضر از فاز قبل مدرن به فاز مدرن پیش می رود»).

۸. ایجاد روحیه یأس و ناامیدی در مردم به ویژه در نسل جوان با ترویج و اشاعه غیرقابل اجرا بودن ارزش‌های والای الهی در جامعه.

(معین فر، اجلاس دفتر تحکیم وحدت در آبان ماه ۸۶: «در خصوص سرنوشت انقلاب ما چاه کنسیم به آب برسیم به فاضلاب رسیدیم»).

۹. تبلیغ و ترویج ناکارآمدی تئوری حکومت دینی و تضعیف فرهنگ اسلامی و مبانی عقیدتی.

(حسن واعظی، همان، ص ۱۷۷ به بعد؛ عبدالکریم سروش، روزنامه نشاط، خرداد ۷۸: «حکومت دینی جلوی رشد علمی را می گیرد. در نظام

لائیک ترکیه، روحیه علم جویی و حقیقت طلبی رشد کرده است زیرا آن جا ارزش های دینی را با علم مخلوط نکرده اند».

۱۰. القای وجود مشکلات متعدد به واسطه قطع رابطه با امریکا.

(هفته نامه راه نو، ۷۷/۵/۳، ش ۱۴، ص ۳۰ و ۳۲: «حل مشکلات کشور در گرو ارتباط با امریکاست»).

۱۱. ایجاد شبهات متعدد در خصوص اصل مترقی ولایت مطلقه

فقیه.

(هفته نامه پیام هامون، ۷۷/۱۰/۱۹، ص ۱: «ولایت مطلقه فقیه همان حکومت مطلقه سلطنتی است»).

۱۲. تضعیف بسیج و نیروهای ارزشی انقلاب.

(عبدالکریم سروش، روزنامه عصر آزادگان، ۷۹/۱/۲۰: «هیأت های مذهبی منشأ خشونت اند و بسیجی ها، اعضای تشکیل دهنده این هسته ها می باشند»).

۱۳. امام زدایی از صحنه فرهنگی و اجتماعی.

(سعید حجاریان، هفته نامه مبین، شهریور ۷۹: «رهبری کارزماتیک دینی به درد اصل جنبش و انقلاب می خورد و اگر پای آن به دوران ثبات و سازندگی کشیده شود، به استبداد دینی منجر خواهد شد»).

۱۴. تضعیف روحانیت و مراجع عظام تقلید.

(روزنامه ایران، ۷۷/۶/۱۸، ص ۱۰: «روحانیت، قشری گرا و انحصار طلب است؛ آنها عوام پرور و مقلد پرورند، نه عاقل پرور»).



۱۵. ترویج و تبلیغ وجود تضاد میان علم و توسعه با دین و اخلاق. (عبدالکریم سروش، هفته نامه آبان، ۷۸/۳/۲۹، ش ۸۰، ص ۶۳: «تفکر دینی با استخدام طبیعت منافات دارد یا حداقل خنثی است»).
۱۶. نفی آرمان گرایی با تبلیغ دنیا پرستی و تحریک غرائز شهوانی. (سعید حجاریان، روزنامه صبح امروز: «هم جنس بازی در کشور ما باید آزاد باشد و از جهت حقوقی نباید ممنوع باشد گرچه از نظر اخلاقی زشت است»).
۱۷. حمله مستمر به مبانی ارزشی و پایه‌های اعتقادی با حربه تحریف حقایق. (عمادالدین باقی، روزنامه خرداد، ۷۸/۸/۱۹، ص ۶: «آیات قرآن صریحاً اصل عیسی به دین خود موسی به دین خود را تأیید می کند و هرگز اهل کتاب یا حتی کافران و مشرکان را طرد نمی کند»).
۱۸. تبلیغ و ترویج مغایرت دین و وحی با عقل. (باقر پرهام، هفته نامه پیام راه نو، ۷۷/۵/۳: «دوران مدرن دوران حکومت و رهبری عقل است و دین باید به عرصه زندگی خصوصی بازگردد»).
۱۹. ترویج و اشاعه اومانیسم و مکاتب الحادی غربی. (مهرزاد بروجردی، ترجمه علی صدیق زاده، ماهنامه کیان، مهر و آذر ۷۸، ش ۴۹، ص ۴۰ به بعد: «اسلام نیز چون مسیحیت در نهاد خود قابلیت عرفی شدن و سکولاریزه شدن را دارد و چنین امری در حال وقوع است»).
۲۲. تبلیغ و ترویج تضاد میان اسلام و آزادی.

(سیدمحمد خاتمی در اولین سالگرد دوم خرداد در دانشگاه تهران: «اگر دین هم در برابر آزادی قرار گیرد، این دین است که باید محدود شود نه آزادی»).

۲۳. تلاش مستمر و برنامه ریزی شده برای سست کردن بنیان‌های مسلم دینی.

(عزت اله سبحانی، روزنامه عصر آزادگان، ۷۸/۱۰/۱۶: «حتی معصومین (ع) خود به خود بدون نظارت مردم و به طور اصولی در معرض انحراف هستند»).

۲۴. تلاش برای قرار دادن ایران در مقابل دموکراسی و آزادی‌های مدنی.  
(سالار بهزادی، روزنامه صبح امروز، ۷۸/۸/۲۳: «سیره حضرت علی (ع) و سایر فرق مذهبی در صدر اسلام، دموکراسی در انتخاب رهبری و عدم تعیین رهبر برای مردم بوده است»).

۲۶. تلاش برای به تمسخر گرفتن مبارزه حق و باطل.  
(محمد سعید حنایی کاشایی، ماهنامه کیان، فروردین ۷۸: «تراژدی حسین بن علی مشابه تراژدی آنتیگونه، تامس مور و جان پروکتور است»).

۲۷. سست کردن پایه‌های اعتقادی نسل جوان نسبت به معاد و آخرت.  
(عبدالکریم سروش: «فرهنگ شهادت خشونت آفرین است»).

۲۸. تبلیغ گسترده مبانی نظری فرهنگ غرب و زیرساخت‌های تئوریک فرهنگ آمریکایی.

سید محمد خاتمی، روزنامه سلام، ۷۵/۲/۳: «امروز به جرأت می توان گفت در زندگی قومی که عزم تعالی و پویایی کرده است هیچ تحول کارساز نخواهد بود مگر آن که از متن تمدن غرب بگذرد و شرط دگرگونی اساسی، آشنایی با تمدن غرب و لمس روح آن یعنی تجدد است».

۲۹. کوشش برای بی تفاوت نمودن و جدا کردن نسل جوان از ارزش های اعتقادی و آرمان های انقلاب با هدف ایجاد بحران هویت.

سید محمد خاتمی، روزنامه کیهان، ۷۹/۱۱/۲۳: «شعار جاویدان انقلاب اسلامی همان خواست تاریخی ملت یعنی استقلال، آزادی و پیشرفت است».

۳۰. متهم ساختن اسلام و جمهوری اسلامی به ضدیت با حقوق بشر و نقض آزادی های مدنی.

(عبدالکریم سروش، روزنامه صبح امروز، ۷۸/۶/۱۶: «در تعارض تکالیف دینی و حقوق بشر، حقوق بشر مقدم است، ولی متأسفانه فقهای ما اطلاعات برون دینی ندارند و متوجه این نکات نیستند»).

### تفاوت جنگ نرم و جنگ سخت

**دانشجو:** لطفاً بفرمایید جنگ نرم چه تفاوتی با جنگ سخت دارد و ویژگی های هر کدام را مختصری توضیح دهید؟

استاد:

جنگ سخت یعنی توانایی زور و اجبار که از اقتدار نظامی یک کشور ناشی می گردد. کاربرد قدرت سخت که در این جا آن را جنگ سخت

می‌نامیم با استراتژی تهدید، اجبار، فشار و به کارگیری ادوات و ابزار نظامی، دولت‌های ضعیف را سرکوب، منهدم و یا به تسلیم وا می‌دارند.

ما در سال‌های اخیر شاهد تغییراتی هستیم که حکومت‌ها و دولت‌هایی بدون وجود تهدید و اجبار، یا تطمیع و هزینه محسوسی، سرنگون شدند که به نظر می‌رسد این تحولات مبتنی بر ظهور قدرت و جنگ جدیدی است که از آن به عنوان قدرت نرم و جنگ نرم یاد می‌شود.

قدرت نرم از طریق تولید و توزیع آموزه‌ها و ارزش‌های خاص و جذاب، بنیان‌های ارزشی و ارکان حمایتی کشور متخاصم را هدف قرار داده و آن را در راستای وضعیت مطلوب خویش تغییر می‌دهد. این گونه تغییرات معمولاً از زیرساخت‌ها و شبکه‌های تولید و توزیع اندیشه‌ها و هنجارها، خصوصاً حوزه‌های آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای آغاز می‌شود.

یعنی عرصه‌هایی که معمولاً خارج از افق دید، نظارت و راهبرد سرویس‌های اطلاعاتی سنتی قرار دارد. در قدرت نرم، برخلاف قدرت سخت، مخاطب نه از روی اجبار و اکراه، بلکه با رضایت مندی تن به قدرت جدید می‌دهد و خواسته‌های قدرتمند را اجابت و اجرا می‌کند. به تعبیر دیگر قدرت نرم به جای تحمیل و ناگزیر کردن مخاطبان، آنان را متقاعد و همسو می‌سازد و هر نوع مانع یا انگیزه مقاومت ملی، اخلاقی، حیثیتی، هویتی و دینی را از ذهن مخاطب باز می‌ستاند. و اکنون به برخی از آن ویژگی‌ها اشاره می‌کنیم:

## ۱. نامحسوس و نامرئی است

غربی‌ها می‌گویند با پنبه و روش نرم هم می‌شود کشتار کرد در حالی که این روش - جنگ نرم - آبرو ریزی از نوع گوانتانامو یا ابوغریب نیست و از سویی حساسیت کشورهای هدف نیز برانگیخته نمی‌شود، در این نبرد فرهنگی اقدامات، فعالیت‌ها، میزان سلاح و تجهیزات مخصوص به آن مشخص نیست. این جا فعالیت‌ها در قالب تولید و نمایش فیلم، مصاحبه، سخنرانی، چاپ و انتشار کتاب، مجله، عکس، شعر، قصه و... است.

همه این‌ها در قالب‌های ظاهر فریبی چون رشد و ترویج هنر و ادب، آزادی بیان و قلم و اظهار عقیده، تضارب افکار و تبادل اندیشه‌ها... صورت می‌گیرد، لذا همه این موارد در استتار کامل صورت می‌پذیرد به گونه‌ای که تشخیص ردپای آن نه تنها در سطح عمومی جامعه، بلکه در سطح خواص هم کاری دشوار است.

چه بسا دشمن در جنگ نرم بخش عمده‌ای از سربازان خویش را از میان خودی‌ها برگزیند و سخن خویش را از زبان آنها بیان کند و نقشه‌های خود را به دست آنها عملی سازد.

## ۲. دراز مدت و دیرپا بودن

جنگ نرم از کارهایی است که محصول خود را دیر به دست می‌دهد، اما اثری که از خود به جای می‌گذارد ماندگار است و به آسانی از روح و فکر و متن جامعه زدودنی و زایل شدنی نیست، برخلاف جنگ نظامی که نتیجه

عملکرد آن در کوتاه مدت روشن و هویدا می‌گردد، در نبرد فرهنگی، بذری را که دشمن در ضمیر و فکر افراد جامعه می‌کارد، سال‌ها بلکه نسل‌ها بعد، آثار مخرب خودش را نمایان می‌سازد و از سنخ کار سیاسی است که به تعبیر مقام معظم رهبری صدایش فردا در می‌آید.

### ۳. اقدام با برنامه قبلی

داشتن طرح و برنامه برای اجرا در فواصل کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت از مهمترین شگردهای صاحبان تفکر در جنگ نرم است، گاهی ثمره کار خویش را در فاصله زمانی ۵۰ سال درو می‌نمایند.

دشمن در نبرد فرهنگی از ابزار و امکانات فناورانه‌ی گسترده و متنوع همراه با بودجه‌های کلان و تکنیک و هنر مدرن برای اشاعه فرهنگ و آرمان‌های استکبار بهره می‌جوید.

امروزه غرب با بیش از دهها هزار کانال ماهواره‌ای، صدها کانال رادیو و تلویزیون و انبوهی از پایگاه‌های اینترنتی و با دهها زبان زنده دنیا به اضافه میلیون‌ها مجله و کتاب علیه جهان مورد هدف خود تبلیغ می‌کند، مدیر خبرگزاری آسوشیتد پرس می‌گوید: یک میلیارد مردم جهان، اخبار و اطلاعات خود را از ما می‌گیرند.

آژانس ارتباطات بین‌المللی آمریکا همکار نزدیک سازمان سیا که فعالیت خود را از آوریل ۱۹۷۸ آغاز کرده است، مرکز اصلی شبکه تبلیغاتی غرب در آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین است، بودجه این سازمان در سال

۱۹۷۹ بالغ بر چهارصد میلیون دلار بوده است، بخشی از فعالیت‌های این آژانس عبارت است از: انتشار ۱۲ مجله با ۲۲ زبان، تهیه و پخش ۹۰۰ فیلم در سال، نمایش برنامه‌های تلویزیونی در ۱۰۰ کشور دنیا، توزیع ۵ میلیون نسخه کتاب به ۲۵ زبان در کشورهای مختلف در سال، و رادیو صدای آمریکا که هفته‌ای ۸۲۲ ساعت برنامه با ۳۸ زبان دارد با بیش از ۵ هزار ایستگاه در جهان برنامه‌ها و پیام‌های خود را پخش می‌کند.

#### ۴. حمله به مغزهای یک ملت است

در جنگ نظامی، ما با تسلیحات و ابزار نظامی هم چون هواپیما، تانک، بمب، موشک و گلوله سرو کار داریم که از آن به سخت افزار تعبیر می‌کنند در مقابل در نبرد فرهنگی که یک جنگ نرم است، دشمن از نرم افزار فرهنگی چون صداها رادیو، ده‌ها ماهواره و کانال تلویزیونی و هزاران نشریه و کتاب و فیلم و موسیقی و با ترویج روحیه دنیا گرایی، زندگی مصرفی، تجملاتی، فساد و فحشا، بی‌بند و باری و بی‌اعتنایی به احکام الهی استفاده می‌کند، سالانه بیش از ۲۰۰ بازی رایانه‌ای برای کودکان و نوجوانان ساخته می‌شود که از طریق آن تعالیم اسلام و انقلاب اسلامی ایران به تمسخر گرفته می‌شود، جالب آن که گردش سالیانه مالی این نوع بازی‌های رایانه‌ای حدود ۴۰۰ میلیون دلار است که از این طریق غربی‌ها هم پول کلانی به جیب می‌زنند و هم به اهداف خود می‌رسند. یکی از نویسندگان

آمریکایی می گوید: ماشین تبلیغات آمریکا نیرومندترین سیستم شستشوی مغزی جهان است.

در جای دیگر می گوید: بزرگ ترین جنگی که در پیش داریم جنگی است برای تسخیر اذهان انسان ها.

و یکی از مستشرقین مسیحی می گوید: اروپا در جنگ های صلیبی از راه شمشیر ضرر کرده، اکنون اراده کرده از راه تبشیر به مقاصد خود برسد، اروپا می خواهد با جنگ صلیبی جدید بدون خونریزی به هدف برسد.

## اهداف دشمنان ملت ایران در جنگ نرم

**دانشجو:** بفرمایید دشمنان ملت ایران در جنگ نرم چه هدفی را دنبال می کنند؟

استاد:

بنده از بیانات مقام معظم رهبری استفاده کنم حضرت آقا در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۲ پرده از اهداف دشمن در جنگ نرم برداشتند و فرمودند:

در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می آید، مراکز مرزی ما را سعی می کند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آن چه که امروز به او جنگ نرم گفته می شود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمان ها، معرفت ها، عزم ها، پایه ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ این ها می آید که این ها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به



نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصت‌های یک نظام را به تهدید تبدیل کند. این کارهایی است که دارند می‌کنند؛ در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارند می‌کنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست. باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فائق بیاییم. البته ما مدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بدون شک؛ این را انسان دارد مشاهده می‌کند؛ لکن ما مادامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به کار نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد.

دشمنان ما؛ دشمنان انقلاب، دشمنان نظام جمهوری اسلامی، چند خط را دارند دنبال می‌کنند که این در تبلیغاتشان و در کاری که انجام می‌دهند، واضح هم هست؛ این‌ها چیزهای پوشیده و پنهانی نیست؛ باید در ذهن خودمان این‌ها را جمع بندی کنیم.

یکی از خطوط دشمن، ایجاد تفرقه است؛ هر چه بتوانند، در هر جا بتوانند، در هر سطحی که بتوانند؛ در سطوح مختلف؛ از مسئولین، غیر مسئولین، آحاد مردم، بین خود گروه‌های روحانی، بین خود گروه‌های دانشگاهی، بین خود جمع‌ها و جمعیت‌های واحدهای دیگر اجتماعی، و بین این‌ها با یکدیگر ایجاد اختلاف کنند، و بین مذاهب. نمونه‌های فراوانش را دارید مشاهده می‌کنید که در جامعه هست. این مسئله است. خط دشمن خط ایجاد تفرقه است.

مسئله بعدی - این خط دیگری است که به نظر ما دشمن بر روی او هم دارد سرمایه گذاری می‌کند - منصرف کردن ذهن مردم از دشمنی دشمن

است. ما هرگز منکر نیستیم که در نارسایی‌های گوناگون و مشکلات فراوانی که بر سر راه جامعه و افراد پیش می‌آید، تقصیرهای شخصی و تقصیرهای اجتماعی، از درون وجود دارد؛ در این هیچ تردیدی نیست؛ کسی این را منکر نیست. «ما أصابك من حسنهُ فمن الله و ما أصابك من سيئهُ فمن نفسك»<sup>۱</sup> است؛ در این شکی نیست. در جنگ احد هم که دشمن حمله کرد و ضربه زد، در حقیقت مسلمان‌ها از خودشان ضربه خوردند؛ در این که بحثی نیست؛ منتها نکته این است که اگر انسان بخواهد ضربه نخورد، باید نقش دشمن را ببیند. یکی از لوازم توجه و ملاحظه برای ضربه نخوردن، دیدن دشمنی است که می‌خواهد به ما ضربه بزند؛ از این، ما را نباید غافل کنند. خط اغفالِ بخصوصِ خواص و نخبگان از تأثیر دشمن، یکی از خطوط القایی و تبلیغاتی دشمن است. حالا طرق مختلفی البته برای این کار دارند. تا کسی بگوید دشمن، می‌گویند: آقا شما همه‌اش به گردن دشمن می‌اندازید! خوب، هست دشمن؛ چرا نمی‌بینیم دشمن را؟ چرا نمی‌بینیم شعف عظیمی که دشمن پیدا می‌کند از آن چه که این جا از اختلاف ما، از حوادث گوناگون، از بلوای بعد از انتخابات به وجود می‌آید؟ تشویق کنند کسانی را که عامل هستند. آن جا، رئیس یک کشور بزرگ از آدم‌ها اسم می‌آورد! خوب، این جز ایجاد دشمنی است؟ از معارضین نظام اسم می‌آورد و تمجید می‌کند از فلان کس که آقا از شجاعت او (!) ما تعجب کردیم.

چرا؟ چون یک کلمه‌ای گفته که آنها خوششان آمده. این‌ها را باید دید؛ این‌ها را باید متوجه شد و نایستی از دشمنی دشمن غفلت کرد.

## مراکز و ابزارهای عرصه جنگ نرم

**دانشجو:** استاد همان طور که در بیانات شما بود عرصه‌های جنگ نرم، عرصه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است و عمده‌ترین هدف در جنگ نرم، تأثیر گذاری بر انتخاب‌ها و کنترل فرآیند تصمیم‌گیری و شیوه اطلاع‌رسانی و تغییر در نظام ارزش‌هاست که منجر به استیلای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آنها می‌شود، حالا جنابعالی به صورت مصداقی بفرمایید مراکز و ابزارهای عرصه جنگ نرم کدام هستند؟

استاد:

سوال شما دو بخش را شامل می‌شود مراکز عرصه جنگ نرم و وسایل و ابزارهای جنگ نرم.

## مراکز مهم عرصه جنگ نرم

**دانشجو:** بلی به ترتیب به هر دو پاسخ بفرمایید ممنون می‌شویم.

استاد:

مراکز مهم و مورد توجه جهت اعمال سیاست‌های طراحان و مجریان جنگ نرم اجمالاً می‌تواند خانواده، مدرسه و مراکز پیش‌دانشگاهی، دانشگاه و مراکز آموزش عالی باشد.

## ۱. خانواده

خانواده به عنوان اولین کانون زیست جمعی و در عین حال اجباری، از مهم‌ترین مراکز مورد توجه جهت اعمال سیاست‌های جنگ نرم است. اصولاً اگر هر مسئله اجتماعی از محیط خارج از خانواده آغاز و آثار آن در خانواده و بر زندگی خانوادگی مؤثر می‌افتد، جنگ نرم بالعکس سعی بر آن دارد که نقطه آغاز حمله خود را در تخریب اصالت خانواده در مقام کم‌وسعت‌ترین و در عین حال عمیق‌ترین کانون زندگی جمعی بنیان نهد، و سپس با تخریب این کانون مهم و اصیل از زندگی جمعی، به سان سرطان، سلول‌های اندامواره اجتماعی را فاسد و در نهایت کل سیستم را به نابودی و اضمحلال سوق دهد. تلویزیون به عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ابزار جنگ نرم در بهترین و پربیننده‌ترین جایگاه جغرافیای منزل جا می‌گیرد، و تدبیر خانم هر خانه در تزئین مبلمان خانه خویش براساس قرار دادن این جعبه جادویی است که در جایی مناسب قرار گیرد و دیگر ابزار به سان مبل و میز و صندلی در حول محور مرکزی آن چیده گردند.

گرایش رسانه‌های گروهی جهان به ویژه ماهواره‌ها جهت تأثیرگذاری بر این کانون و تنظیم برنامه‌ها به گونه‌ای که در تحلیل نهایی زمینه‌های از هم فروپاشی ارکان خانواده را در مقام مهم‌ترین حیطه پرورش انسان سیاسی، فراهم سازند، نشان دهنده اهمیت وافر و به سزایی است که خانواده به عنوان حوزه اصلی عرصه جنگ نرم، دارا می‌باشد.

رویکردهای جنگ نرم در ارتباط با «خانواده» در پی جامه عمل پوشاندن به فرآیندهای ذیل می‌باشد:

الف: تغییر الگوهای ارزشی حاکم بر تشکیل خانواده.

ب: تغییر الگوهای رفتاری حاکم بر خانواده.

ج: از بین بردن کار ویژه اصلی خانواده در مقام اصلی‌ترین کانون اجتماعی شدن سیاسی.

در حالی که، سردمداران اصلی جنگ نرم به ویژه ایالات متحده آمریکا در برهه کنونی از تاریخ خویش در پی یافتن راه حل‌هایی جهت تقویت بنیان‌های زندگی خانوادگی در جامعه اخلاقی از هم پاشیده خود می‌باشند، این را به خوبی دریافته‌اند که بدترین ویروس تضعیف‌کننده اندام کشورهای جهان سوم، همانا از بین بردن بنیان‌های خانواده و زندگی خانوادگی است. لذا در برنامه‌های تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی و ویدئویی و هم چنین در برنامه‌های ارسالی از طریق ماهواره سعی سناریونویسان و کارگردانان این برنامه‌ها بر آن است که با در نظر گرفتن سه مؤلفه فوق، این مهم‌ترین کانون تربیت و زیربنای زندگی اجتماعی را از ماهیت و جوهره اصلی خود تهی نموده، و آن را از طی طریق طبیعی خویش خارج سازند و در نهایت پایگاه اصلی خود را بر پیکره بی‌محتوای خانواده‌های تهی شده از فرهنگ بومی و اصیل هر جامعه بنیان نهند.

## ۲. مدرسه و مراکز آموزشی قبل از دانشگاه

پس از خانواده دومین کانون تعلیم و تربیت، مدرسه و مراکز پیش از دانشگاه است، مدرسه به عنوان خانه دوم هر فرد، با کار ویژه اصلی و اساسی تعلیم و تربیت، جایگاهی بس تأثیرگذار در سنین بسیار حساس و تعلیم پذیر از زندگانی آدمی می باشد.

مدرسه خود از دو کانون هدف، برای جنگ نرم برخوردار است. نخستین کانون هدف در این حوزه دانش آموزان و نوباوگانی هستند که در نقش تعلیم گیرندگان، بیشترین زمینه تأثیرپذیری را دارا می باشند. دومین کانون هدف در این حوزه، آموزگاران و تعلیم دهندگانی هستند که، پرتأثیرترین نقش را جهت تأثیرگذاری بر کانون نخست ایفا نموده و بهترین واسطه انتقال هنجارها و ارزش ها به آینده سازان هر مرز و بوم می باشند. براساس این تقسیم بندی، جنگ نرم سعی خود را بر آن گذاشته است که برای هر قسم از این حوزه های هجوم، راهبردهای ویژه ای را جهت حمله فرهنگی پی ریزی نماید.

با توجه به مطالب و واقعیت تردید ناپذیر فوق، طبیعتاً جنگ نرم به نتایج ذیل دست می یابد:

الف: بهترین طریق وصول به اهداف جنگ نرم از راه تهاجم به ارزش های فرهنگی و فکری حاکم بر کادر علمی، آموزشی مدارس پدید می آید.

ب: به دلیل اجبارهای حاکم بر محیط مدرسه و آموزشگاه‌های علمی، استفاده از ابزار تبلیغی چون ویدئو و ماهواره در محیط‌های فوق امکان پذیر نیست، لذا جنگ نرم سعی در ایجاد سلطه فرهنگی از طریق ابزار غیرمستقیم دارد و تهاجمات پنهان تری را دنبال می‌نماید.

طراحان جنگ نرم با عنایت به چنین مؤلفه‌هایی امید خود را بر تأثیرگذاری از کانال خانواده به مدرسه، سوق داده اند.

### ۳. دانشگاه و مراکز آموزش عالی

دانشگاه تربیت کننده نسل آینده حاکم بر یک کشور است. لذا اگر طراحان جنگ نرم بتوانند با تهیه برنامه‌هایی که مخاطب اصلی آنها قشر دانشگاهی یک مملکت باشد، رهیافت‌های فرهنگی خود را جهت تغییر ارزش‌های حاکم بر دانشگاه‌ها و جامعه روشنفکر کشورهای جهان سوم مستولی سازد خواهد توانست آینده حاکم بر یک جامعه را جهت پذیرش حاکمیت سلطه مدارانه آنها آماده سازد.

تجانس موجود میان دو حوزه آموزش و پرورش و مراکز آموزش عالی از جهت ایستارهای مادی و معنوی به این معنی که در دانشگاه استاد نقش آموزگار و دانشجو نقش دانش آموز را ایفا می‌کند موجب می‌گردد که ابزارهای تبلیغی مورد استفاده جهت جنگ نرم در این حوزه نیز بسیار شبیه یکدیگر و دانشگاه در مقام مراکز آموزش ابتدایی و عالی، تغییر می‌یابد.

مراکز سلطه گر سعی بر آن دارند که با استفاده از ابزار تبلیغی سمعی و بصری و پخش برنامه‌هایی که در آنها برتری علمی کشورهای غربی را ناشی از فرهنگ غربی می‌داند، مشکل اساسی عقب ماندگی کشورهای جهان سوم را در پذیرش فرهنگ بومی و ملی این کشورها بیان نموده و تنها راه گریز از این گرداب را در طی طریق پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای صادراتی کشورهای غربی بدانند.

طراحان جنگ نرم و سردمداران سلطه بر کشورهای جهان سوم در پی آنند که با القای چنین طرز تفکری در اذهان دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها، از راه وابستگی فکری دارندگان پست‌های کلیدی در آینده این مرز و بوم، به تحکیم مبانی سلطه خویش دست یابند؛ و امکان مقابله و استقامت از سوی قشر تحصیل کرده و روشنفکر این جوامع را به حداقل ممکن برسانند. چرا که افراد تحصیل کرده بیش از سایرین در مورد تأثیر حکومت بر سرنوشت و زندگیشان با اطلاع هستند و به سیاست توجه بیشتری دارند و از فراگردهای سیاسی بیشتر مطلعند و ساختار جهانی سلطه را بهتر درک می‌کنند. این افراد به دلایل مذکور آمادگی بیشتری برای رفتار سیاسی اتخاذ می‌نمایند. اگر کودک در مدارس با مفاهیم عینی زندگی اجتماعی در گستره جامعه، آشنا می‌گردد، جوان در محیط دانشگاه به مفاهیم عینی حکومت و نهادهای سیاسی و ارتباط آنها با یکدیگر آگاهی پیدا می‌کند. اگر مدارس عامل انتقال دهنده برداشت‌ها و ارزش‌های جامعه به کودکان هستند، دانشگاه‌ها می‌توانند نقش بسیار مهمی در شکل دادن ارزش‌های



نوشته نشده (قوانین بازی سیاست) ارزش‌ها و وظایف دولتی، روابط غیررسمی سیاسی و اتحاد سیاسی داشته باشند. لذا مراکز تعلیم و تربیت از مدرسه تا دانشگاه به عنوان مهم‌ترین مراکز عرصه جنگ نرم مد نظر می‌باشند.

## وسایل و ابزارهای جنگ نرم

**دانشجو:** استاد لطفاً پیرامون وسایل و ابزارهای جنگ نرم که دشمن از آنها برای ضربه زدن استفاده می‌کند توضیحاتی بفرمایید؟

استاد:

ابزارهایی که دشمن در جنگ نرم از آنها استفاده می‌کند فراوان است از جمله رادیو، تلویزیون، سینما، تئاتر، کامپیوتر، اینترنت، ماهواره، روزنامه، کتب و نشریات. که برخی از آنان را من توضیح بدهم:

### ۱. تلویزیون

تلویزیون یا جعبه جادویی را باید مهم‌ترین محصول انقلاب ارتباطات دانست. این جعبه جادویی محور اصلی و کانون اساسی جمیع ابزارهای تبلیغی است.

تجربه موفق استفاده از تلویزیون جهت تأثیرگذاری بر مخاطبین داخلی و استفاده از رادیو جهت تأثیرگذاری بر مخاطبین خارجی و در نور دیدن مرزهای ملی، توأمان با یکدیگر، این نتیجه منطقی را برای سلطه‌گران به همراه داشت، که تلویزیون از امتیازاتی برخوردار است که با اتکای به آنها

می‌توان بیشترین تأثیر را بر مخاطب بر جای گذاشت و جریان‌ات فرهنگی و سیاسی در کشورهای مورد نظر را تحت تأثیر و نفوذ عمیق قرار دارد. از سوی دیگر تلویزیون در عمر تقریباً کوتاه خویش بزودی توانست جایگاه ویژه‌ای در خانواده به عنوان اصلی‌ترین بنیان زندگی اجتماعی برای خویش دست و پا نماید و به موازات پیشرفت فناوریانه در ابزار ارتباطی و آگاهانه از تأثیر رسانه‌های قدرت‌های سلطه‌گر تمام کوشش خود را در بین‌المللی کردن امواج سمعی، بصری تلویزیونی به کار برند تا بتوانند بهترین استفاده ممکن را از این جعبه جادویی در راه نیل به اهداف امپریالیستی خویش، فعلیت بخشند.

به هر تقدیر، تلویزیون در میان رسانه‌های ارتباطی به دلیل استفاده توأمان از محرک‌های سمعی و بصری، و دنیای جذاب، نوین و فریبنده‌ای که از جعبه جادویی به بیننده عرضه می‌کند، از امتیازاتی برخوردار است که با اتکای به آنها می‌توان بیشترین تأثیر را بر مخاطب بر جای گذارد، و طراحان «جنگ نرم» با آگاهی به چنین ویژگی‌هایی جهت خارج نمودن تلویزیون از چهار چوب مرزهای ملی و استفاده بین‌المللی از آن راه‌های مختلفی را از تولید و صدور فیلم و کنترل شریان‌های اصلی مبادلات آنها گرفته تا تقویت فناوری ارتباطات ماهواره‌ای طی کرده، کوشیده است فناوری را در جهتی هدایت کند که دامنه انتشار امواج تلویزیونی را هر چه بیشتر گسترش دهد.

## ۲. رادیو

رادیو به عنوان یک وسیله سمعی و نه بصری، اگر چه به دلیل فقدان ایجاد تصویر در تأثیرگذاری بر اذهان مخاطب دارای ضعف می‌باشد، اما باید این جعبه سخنگو را اولین تلاش موفق بشر در راستای ایجاد بر مرزهای جغرافیایی دانست.

اگر این نکته مارشال مک لوهان را قبول نمایم که «جهان به زودی به دهکده‌ای کوچک تبدیل خواهد شد» بی‌هیچ تکلفی باید امواج رادیویی را اولین گام عملی در راه ایجاد این دهکده دانست، و اگر انقلاب صنعتی اروپا را الهام بخش و نیرودهنده پیشرفت‌های فناورانه در عرصه‌ها و ابعاد گوناگون زندگی و تمدن بشری بدانیم، ورود بشر به دنیای امواج و تسلط بر سامانه‌های مخابراتی، رادار و رادیو باید الهام بخش نوین فعالیت‌های فرهنگی در حوزه و سطح «میان ملتی» محسوب نمایم.

استفاده از رادیو به عنوان ابزار تبلیغ مبانی سیاسی و عقیدتی در دهه ۱۹۳۰ عملکرد کاملاً موفقی از خود نشان داد، و چندی نگذشت که دول متحد و متفق درگیر در جنگ میلیون‌ها دلار هزینه ایجاد ایستگاه‌های رادیویی و تقویت آنها را پذیرا گشتند تا بتوانند از طریق ارسال امواج به دو سوی جبهه یکدیگر به تفوق بر یکدیگر اطمینان بیشتری یافته و ضریب اطمینان فزون تری نسبت به پیروزی نهایی خود پیدا نمایند، تا جایی که بی‌هیچ شبهه‌ای یکی از عوامل برتری و پیروزی بلوک غرب بر بلوک شرق در جنگ سرد را باید در موفقیت برنامه‌های رادیویی و ارسال امواج بدون

مرز ایستگاه‌های رادیویی بلوک غرب به درون مرزهای جغرافیایی و خانه‌های کشورهای موجود در بلوک شرق، جستجو نمود.

لذا امروزه رادیوهای بیگانه یکی از ابزارهای مهم و قوی جنگ نرم به شمار می‌روند، گردانندگان این رادیوها که هدفشان تخریب باورهای ملی و دینی و زیر سوال بردن ارزش‌های معنوی مردم ایران است می‌کوشند با پخش برنامه‌هایی خاص چهره جمهوری اسلامی ایران و باورهای دینی و ملی را تیره و تار نشان دهند، به گونه‌ای که بیشترین بحث مطرح شده در این رادیوها به این قبیل مسائل در ایران اختصاص دارد.

### ۳. اینترنت

این فناوری، اگر چه دستاوردهای مثبتی دارد، ولی ابزار مهمی جهت تخریب فرهنگ‌های ناسازگار با آرمان‌سازی کشورهای غربی است.

اینترنت پدیده‌ای است که در آخرین دهه از قرن بیستم پا به عرصه وجود گذاشت. در اندک زمانی به گسترده‌ترین و سریع‌ترین وسیله اطلاعاتی مبدل شد. خبرگزاری ایسنا در گزارشی از وزارت ارتباطات و فناوری آورده است که تنها در چهار سال اخیر، تعداد کاربران اینترنت در کشور ۲۵ برابر شده و بیش از ۶۴ درصد از کاربران ایرانی در منزل هم از اینترنت استفاده می‌کنند که این مسأله نشان دهنده تمایل گسترده به استفاده از این ابزار اطلاع رسانی است.

ایران در سال ۱۳۷۰ برای اولین بار توسط مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات به شبکه جهانی اینترنت متصل شد و اولین ارتباط ایران با اینترنت به طور موقت و از طریق اتریش و به وسیله پست الکترونیکی صورت گرفت.

رشد اینترنت در تمام دنیا به صورت انفجاری بوده است و این در حالی است که همانند سایر محصولات عصر نو ارتباطات، نگرانی‌هایی را نیز به دنبال دارد و به عبارتی هم سازنده است و هم مخرب.

جامعه‌شناسان معتقدند که یکی از شایع‌ترین نگرانی‌ها، ناشی از سهولت توزیع تصاویر و نوشته‌های مستهجن و غیراخلاقی است.

مسئله دیگر اعتیاد به اینترنت است؛ به طوری که از میان ۴۷ میلیون استفاده‌کننده از اینترنت در آمریکا ۲ تا ۵ میلیون نفر دچار اعتیاد اینترنتی شده‌اند و با معضلات زیادی دست در گریبان هستند، که با گسترش روزافزون اینترنت به زودی در ایران هم شاهد این مسئله خواهیم بود و مسئله آخر عوارض کار با رایانه برای کاربران اینترنت است که بیشتر وقتشان صرف کار با رایانه می‌شود.

«دکتر علی فرجام»، روانشناس اجتماعی، در مورد خطر اعتیاد اینترنتی می‌گوید: اعتیاد به اینترنت می‌تواند مشکلات جدی تحصیلی و خانوادگی برای مخاطبان درست کند و اگر استفاده‌کنندگان از اینترنت نتوانند به مدت یک ماه دوری از اینترنت را تحمل کنند در معرض خطر اینترنتی قرار دارند و متأسفانه ما شاهد افزایش این پدیده در میان جوانان هستیم؛ به طوری که

بعضی از جوانان، شب‌ها را تا صبح با اینترنت می‌گذرانند و تمام مدت صبح را خواب هستند که این مسأله عواقب زیادی را به دنبال دارد. وی می‌افزاید: ممکن است اعتیاد اینترنتی مانند سایر موارد اعتیاد آثار جسمی به دنبال نداشته باشد، ولی مشکلات اجتماعی که این معضل در پی دارد به وضوح، آن را به موازات دیگر موارد اعتیاد قرار می‌دهد. وی در مورد عوارض اعتیاد اینترنتی تأکید می‌کند: در سال ۱۹۹۸ جامعه شناسان آمریکایی با مشاهده شمار بالایی از مشکلات مرتبط با اینترنت هم چون طلاق، بی‌اعتنایی به فرزندان، از دست دادن شغل، مقروض شدن، فرار از مدرسه و مشکلات قضایی، مرکز اعتیاد به رایانه را در دانشگاه‌ها تأسیس کردند.

وی تصریح می‌کند: متأسفانه مبتلایان ایرانی کمتر حاضرند به مشکل خود اعتراف کنند و محرک اصلی آنها برای مراجعه به متخصصان عمدتاً بحران‌هایی است که در مسائل خانوادگی، تحصیلی و شغلی آنها رخ می‌دهد و دانشجویان یکی از مهم‌ترین اقشار آسیب دیده نسبت به اعتیاد اینترنتی هستند.

فرجام در خاتمه می‌افزاید: عده‌ای از دانشجویان ایرانی عمده اوقات فراغت خود را در اینترنت سپری می‌کنند و کار با اینترنت برای آنان جذاب تر از سایر فعالیت‌هاست و این در حالی است که استفاده از اینترنت بر زندگی و روابط شخصی دانشجویان اثر می‌گذارد. از این رو به دانشجویان توصیه می‌کنم که زمان مشخص و ثابتی را برای کارهای ضروری خود با

اینترنت در نظر بگیرند و در صورت اضافه شدن این زمان به هر نحو ممکن از آن جلوگیری کنند.

#### ۴. ماهواره

عصری که در آن قرار داریم، عصر ارتباطات و عصر سلطه پدیده رسانه بر زندگی انسان هاست. بی گمان برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی موفق شده اند افکار و عقاید انسان‌های بی‌شماری را دستخوش تغییر سازند. تمدن منحنی غرب برای ترویج سکولاریسم اقدام به تأسیس هزاران شبکه رادیویی و تلویزیونی کرده است که به صورت شبانه روزی برنامه‌های گوناگونی را با این هدف پخش می‌کنند. متأسفانه دست یابی به این شبکه‌ها در کشور ما به سادگی و قیمت نازل فراهم آمده است. باید توجه داشت که وقتی سخن از ماهواره به میان می‌آید، ابتدا مسائل ضد فرهنگی آن جلب توجه می‌کند، سپس مسائل سیاسی، علمی و ورزشی ایفای نقش می‌نمایند. بیشتر شبکه‌های فارسی زبان ماهواره ای، در یک تقسیم بندی معمولی، به شبکه‌های سیاسی و غیرسیاسی تقسیم می‌شوند که براساس تحقیقات به عمل آمده تمامی این شبکه‌ها، با وجود هدف‌ها و سلیقه‌های گوناگون در هجوم به مبانی دینی به طور جدی اشتراک دارند و هر کدام با مأموریتی خاص به مقابله با اسلام برخاسته‌اند. این هجوم اگر چه آرام و خاموش آغاز شده، ولی اکنون شکل وسیع جدی تری یافته است و بسیار حساب شده، اصول و پایه‌های اعتقادی

مردم را هدف قرار داده و با دقت ماهرانه‌ای تمام گروه‌های مختلف جامعه را در بر گرفته است.

الوین تافلر، نویسنده و منتقد اجتماعی، می‌نویسد: «تکنولوژی ماهواره‌ای و دیگر رسانه‌های جدید، فرهنگ‌های ملی را از هم می‌پاشند و این ارتباط متقاطع، به هر حال تهدیدی است برای هویت ملی که حکومت‌ها برای مقاصد شخصی خود، سعی در حفظ و انتشار آن دارند».

## تأثیرات منفی و مضرات ماهواره

### الف - مضرات اقتصادی:

مردم جهت خرید دستگاه‌های دریافت کننده امواج ماهواره‌ای مسلماً باید متحمل هزینه‌ای شوند. همین قضیه بخشی از درآمد ملی کشور را برای خرید دستگاه‌های خارجی صرف می‌نماید. بدون این که جایگزینی برای ارزشسازی داشته باشد.

ضرر اقتصادی مهم تری نیز وجود دارد که با اقتصاد کلان کشور در ارتباط است و آن این تبلیغاتی که از طریق ماهواره‌ها جهت برخی کالاهای تولیدی تازه به بازار عرضه شده صورت می‌پذیرد، به طور سریع باعث برانگیخته شدن احساس نیاز در مردم می‌شود؛ چرا که برنامه‌ها همه با اهداف مشخص طراحی و ساخته می‌شوند و در هر قسمت آن نوعی تبلیغ جهت فروش و بازاریابی وجود دارد. منتهی با نهایت دقت و ظرافت مطرح می‌کنند به طوری که شاید حتی خریداران کالاهای ماهواره‌ای خود اعتقادی به الهام



از ماهواره نداشته باشند و این نیز یک بخش کلان از درآمد ملی کشورها را صرف خرید کالاهای غیرضروری تبلیغ شده خواهد نمود که در نهایت به ضرر اقتصاد جامعه تمام خواهد شد.

### ب- مضرات سیاسی:

ممالکی که وظیفه پخش برنامه‌ها را بر عهده دارند اهداف سیاسی خاصی را دنبال می‌نمایند. کلیه برنامه‌ها، هدف دار و خط دهنده می‌باشند و چنان زیر کانه یک سری جنجال‌های سیاسی را به راه می‌اندازند که به سختی می‌توان ماهواره را نیز در ردیف علل پدید آورنده آن جنجال دانست.

البته شاید بتوان گفت بخشی از موضع گیری‌های سیاسی برنامه‌های ماهواره‌ای، خود منشأ اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی دارند. به همین دلیل می‌توان گفت همه مضرات، اعم از اقتصادی، سیاسی و... با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند.

استعمارگران از طریق ارائه برنامه‌های باب طبع جهان سوم و پخش اخبار، به دنبال برنامه‌های جذاب و پر تماشاچی هستند تا با دادن خبرهای مغالطه آمیز و فریبنده، جوسازی نموده و در این میان از همه مسائل به نفع خود بهره برداری نمایند.

### ج- مضرات اجتماعی، فرهنگی:

برنامه‌های ماهواره‌ای با تکرار برخی عادات خاص غرب، چنان آنها را جزو عادت ما می‌کنند که گویی ما یک عمر با این عادت و رسوم زندگی

کرده ایم. می‌دانیم که تغییر یک رسم یا عادت فی نفسه نمی‌تواند برای موجودیت اجتماعی یک جامعه خطرناک باشد. آن چه مخاطره‌انگیز است کمرنگ یا بی‌رنگ کردن فرهنگ اصیل یک جامعه است و فرهنگ هر جامعه متشکل از تک تک عادات و رسوم و شیوه‌های زندگی افراد همان جامعه می‌باشد. این جاست که تخریب معنوی یک جامعه و یا همان تهاجم فرهنگی و جنگ روانی مطرح می‌شود.

هر کودکی که در یک کشور به دنیا می‌آید، با ارزش‌ها و هنجارهای همان کشور رشد عقلی کرده، معیارهای درونی خود را تا حدودی با ارزش‌های جامعه منطبق می‌نماید. اگر چنین فردی به سنین حساسی قدم بگذارد و در این حین یک سری برنامه‌های ماهواره‌ای، کل ارزش‌ها و معیارهایش را در هم شکند، قابل پیش‌بینی است که تنش‌های درونی او جهت وفق دادن خود با برنامه‌های متعارض، موجب از خود بی‌خود شدن و مسخ گشتن او خواهد بود.

## ۵. کتب و نشریات

کتاب در مقام قدیمی‌ترین ابزار تعلیم و وسیله ایجاد ارتباط، هدفی مناسب برای عرصه جنگ نرم و در عین حال مانند مدرسه، دانشگاه و خانواده ابزار مناسبی برای این هجوم در سطح تحلیل کلان می‌باشد. به موازات کتاب در عصر کنونی، نشریه جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است و به دلیل تنوع ساختاری و ماهوی و هم چنین سهولت چاپ و توزیع

توانسته است، تا حدود زیادی جایگزین کتاب گردد. این دو ابزار را باید در پروسه جنگ نرم به عنوان هدف تهاجم و ابزار تهاجم مورد بررسی قرار داد، زیرا که از یک سوی در صدد خواهد بود که با تکیه بر ابزارها و ترفندهای دیگر به توزیع کتب و نشریاتی با محتوای متناسب با اهداف خویش در سطح بین المللی و داخلی - به وسیله ایادی و وابستگان فکری داخل هر کشور - اقدام ورزد و از سوی دیگر با عنایت به این که روانشناسی اجتماعی مردم کشورهای جهان سوم نشان دهنده این فرض است که هر چه نوشته شده و مکتوب در کتابی باشد، صحیح است، بر این امر اصرار نماید و پیام‌های فرهنگی و اهداف سلطه جویانه خویش را در سطور کتاب‌ها و نشریات به جهان سوم و کشورهای دیگر انتقال دهد.

## ۶. روزنامه‌ها

در عصر حاضر، روزنامه به عنوان یکی از ابزارهای جنگ نرم است. روزنامه‌های کنونی به خاطر استفاده از تکنولوژی‌های جدید فنی و پیشرفت‌های چاپ و ارتباطات، در مدت بسیار کوتاهی تهیه و در چندین میلیون نسخه در سراسر جهان انتشار می‌یابند و حوادث، اخبار و اطلاعات روزمره را از نقاط مختلف عالم، چند ساعت پس از وقوع در اختیار خوانندگان قرار می‌دهند. روزنامه‌ها براساس نیازهای فوری جوامع بشری تهیه می‌شوند. روزانه در ساعات معینی که میلیون‌ها نفر در انتظار آن هستند منتشر می‌شود. به همین دلیل روزنامه به عنوان یک وسیله ارتباط جمعی - که

قشرهای مختلفی از جامعه را دربر می‌گیرد- می‌تواند افراد و گروه‌های مختلفی را با عقاید، زبان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت به یکدیگر نزدیک سازد و آنان را در جریان تازه‌ترین اخبار دنیا قرار دهد. بدین ترتیب، از لحاظ روانی و تبلیغات می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد.

به طور کلی، روزنامه‌ها و مجلات یکی از ابزارهای سیاست خارجی و تبلیغات کشورها به حساب می‌آیند. به طوری که مطابق با نظام‌های حاکم بر آنها عمل می‌کنند و مردم در زمینه‌های گوناگون اعم از درج آگهی و بازاریابی و تجارت به آنها رجوع می‌کنند.

روزنامه و مجلات به نوعی سخنگوی هر نظام بوده و با توجه به مقتضیات زمانی و در چارچوب مصالح و منافع ملی کشورها اقدام به انتقاد و دفاع می‌کنند و زبان مخصوص مطبوعاتی را به کار می‌بندند.

## ۷. عکس‌ها و پوستره‌های تبلیغاتی

عکس یکی از ابزارهای مهم تأثیرگذار بر مخاطب است. یک عکس با انتخاب سوژه‌ای مناسب، می‌تواند تأثیری چندین برابر نوشتار بر ذهن مخاطب باقی گذارد. مغز آدمی خود مانند دوربین عکاسی، تصویر بردار وقایع است و چشم به عنوان دریچه این دوربین منتقل کننده تصویر برگیرنده مغزی است.

در جنگ نرم استفاده از چنین ابزاری جهت تأثیرگذاری بر مخاطب از زمان بسیار دور مرسوم بوده است. از پخش پوستره‌های تبلیغی حاوی

عکس‌های مختلف از مناظر فریبنده و جذب کننده طبیعی در کشورهای سلطه گر گرفته تا عکس‌ها و تصاویر مستهجن، همگی حاوی انتقال پیام‌های فرهنگی هستند که از قدیم الایام در فهرست برنامه‌های تهاجم فرهنگی قرار داشته اند. منظره زیبا از زیبایی و برتری طبیعی این کشورها یا به عبارتی «بهشت دنیوی» خبر می‌دهد و در پی آنست که طبیعت کشورهای جهان را در قبال جغرافیای طبیعی این کشورها به «برزخ دنیوی» تشبیه و تداعی سازد. این در حالی است که با توزیع پوسترها و مجلات انباشته از عکس‌های مستهجن سعی بر آن دارد که موجبات انحراف اخلاقی نیروی انسانی کشورهای جهان سوم را فراهم آورد.

## ۸. سینما

سینما از جمله وسایل سمعی و بصری است که تعیین جایگاه آن در ردیف فعالیت‌ها و محصولات رسانه‌ای و یا فعالیت‌های هنری ایجاد مشکل می‌نماید. سینما دارای نقاط مشترکی با تئاتر است، دارای نقاط همگنی با برنامه‌های تلویزیونی می‌باشد. اگر تئاتر را به سهولت بیشتری می‌توان در فعالیت‌های هنری جای داد و تلویزیون را به راحتی در بخش فعالیت‌های رسانه‌ای قرار داد، تعیین جایگاه سینما در یکی از دو شقوق محصولات سمعی و بصری کار مشکلی است.

پیدایش و گسترش سینما، هم چون دیگر وسایل سمعی و بصری، با هدف تفوق بر دیگران صورت نگرفته است، اما در مسیر تکامل تاریخی،

بازتاب تأثیر فراوان سینما در افکار، امیال، احساسات و رفتارهای مخاطبان، در جهت تأثیر بر افکار عمومی نیز از آن استفاده شد، از همین نقطه بود که سینما از مرز یک فعالیت هنری به وادی فعالیت رسانه‌ای گام نهاد، چرا که هدف غایی فعالیت رسانه‌ای به واقع تغییر رفتار و یا ایجاد رفتار مورد نظر در مخاطب است.

لذا باید به این نکته توجه داشته باشیم که فیلم‌های سینمایی به همان گونه که در کارکرد مثبت خود می‌توانند در ساختن قهرمانان و الگوهای ملی، ارتقای روحیه مردم، تقویت وحدت ملی، انگیزش ملت در جهت پشتیبانی از اهداف ملی، جذب افراد بی‌تفاوت و بی‌آبرو ساختن حریف نقش موثری ایفا کند، به همان اندازه و حتی بیشتر، توانایی تخریب روحیه و انگیزش ملت و نابودی ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه را نیز دارا می‌باشد.

### شیوه‌ها و تکنیک‌های دشمن در جنگ نرم

**دانشجو:** استاد لطفاً بفرمایید شیوه‌ها و تکنیک‌هایی که دشمن در جنگ نرم ممکن است از آنها استفاده کند کدام اند؟

استاد:

من در پاسخ این سوال شما باز از بیانات خود مقام معظم رهبری استفاده کنم. (بیانات مقام معظم رهبری، حرم مطهر امام رضا (ع)، ۱/۱/۸۶).

## ۱. اختلاف افکنی، تفرقه و شایعه پراکنی

یک بخش از جنگ روانی دشمن دامن زدن به اختلافات است. در داخل کشور ما اختلافات قومی، مذهبی - شیعه و سنی - اختلافات جناحی، اختلافات صنفی را ترویج می کنند. در داخل مزدوران ایادی ای هم دارند که مقاصد آنها را در این جا به شکل های گوناگون عمل می کنند. این ها «شایعه پراکنی» می کنند.

## ۲. القای یأس و ناامیدی

همیشه دشمنان بیرونی ملت ایران سعی کرده اند این «میکروب ها» را درون جامعه ایرانی رسوخ دهند:

«شما نمی توانید»، «شما قادر نیستید»، «آینده تان تاریک است»، «افقتان تیره است»، «بیچاره شدید»، «پدرتان در آمد».

سعی این بوده است که ملت ما را ناامید، کسل، بی اعتماد به نفس، تنبل و چشم به دست بیگانه بار بیاورند.

## ۳. تهدید و ارباب

من برنامه های استکبار جهانی علیه ملت ایران را در سه جمله خلاصه می کنم. اول: جنگ روانی، دوم: جنگ اقتصادی و سوم: مقابله با پیشرفت و اقتدار علمی... جنگ روانی یعنی چه؟ هدف جنگ روانی مرعوب کردن است. کی را می خواهند مرعوب کنند؟ ملت که مرعوب نمی شوند...

مسئولان را، شخصیت‌های سیاسی را، به قول معروف نخبگان را، این‌ها را می‌خواهند مرعوب کنند... اراده عمومی را می‌خواهند تضعیف کنند. از شیوه‌ها و تکنیک‌های دیگر دشمن در عرصه‌ی جنگ نرم می‌توان به موارد دیگری اشاره کرد:

۱. ترویج فساد، ابتذال اخلاقی و فرهنگی
۲. ترویج فرهنگ جاهلی به بهانه ترویج فرهنگ ملی
۳. تبلیغ و ترویج عرفان‌های انحرافی استعمار ساخته
۴. ایجاد اختلاف و تفرقه مذهبی
۵. القای ناسازگاری میان ارزش‌ها و منافع فردی
۶. ترسیم چهره انعطاف ناپذیر و خشن از ارزش‌ها و دین
۷. وابسته دانستن ناکامی‌ها به پیروی از ارزش‌ها و تعارض آن با دانش بشری

۸. ترسیم تصویری استبدادی از حکومت دینی
۹. تخریب چهره‌های افراد تأثیرگذار
۱۰. تهاجم به روحانیت
۱۱. تقدس زدایی از قرآن کریم و پیامبر اعظم (ص) و هجمه به مهدویت
۱۲. ذهنیت سازی برای کودکان از طریق بازی‌های رایانه‌ای
۱۳. تهاجم به فرهنگ، رفتار، تغذیه و سلامت ما.



## بازی‌های رایانه‌ای

**دانشجو:** لطفاً درباره بازی‌های رایانه‌ای اگر توضیحاتی بفرمایید ممنون

می‌شویم؟

استاد:

هر کدام از این موضوعات که عرض کردم نیاز به توضیحات مفصل دارد منتها وقت ما اجازه نمی‌دهد به همه‌ی آنها بپردازیم.

رسانه‌ی نو ظهور بازی‌های رایانه‌ای با قابلیت‌ها و ویژگی‌های خاص خود به جرأت می‌توان گفت که ضریب تأثیرگذاری و نفوذ خود را حتی از رسانه‌هایی چون سینما و تلویزیون نیز افزایش داده‌اند، از مهم‌ترین این ویژگی‌ها ماهیت تعاملی بودن بازی‌های رایانه‌ای است.

به دلیل همین ویژگی است که قرار گرفتن افراد (معمولاً کودکان و نوجوانان) در معرض بازی‌های کامپیوتری نگران‌کننده‌تر از قرار گرفتن آنها در معرض برنامه‌های تلویزیون و فیلم‌های سینمایی است.

زیرا این بازی‌ها از اصول یادگیری مانند هم ذات‌پنداری (الگو سازی)، تمرین، تکرار و پاداش و تقویت را به کار می‌گیرند.

در بازی رایانه‌ای گرافیک، صدا و تعامل، ابتکار سیر داستان، کنجکاوی، پیچیدگی و تخیل، منطق، حافظه، بازتاب‌ها، مهارت‌های ریاضی، چالش حل مسأله و تجسم از جمله جنبه‌های فنی، روانی و فردی است که بازیگران را جذب این بازی‌ها می‌کند، کار مستقل مداومت در بازی، لذت بردن از بازی، مشارکت فعال، تعامل مشارکتی، ساختار گروهی، یادگیری، رقابت یا

همکاری گروهی و فرصت‌های برابر در بازی از جمله عواملی است که در فرد برای ادامه‌ی بازی ایجاد انگیزه می‌کند.

و دقیقاً به دلیل همین خصوصیات است که به ابزاری تأثیرگذار در راستای جنگ نرم علیه دنیای اسلام و به خصوص انقلاب اسلامی ایران تبدیل شده است.

با توجه به آن چه ذکر شد بازی‌های رایانه‌ای به شوالیه‌های مجازی، قدرتمند و جذاب جنگ نرم استکبار تبدیل شده اند که در حال تخریب و تغییر تدریجی ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب اسلامی و جهان اسلام هستند.

شوالیه‌های رایانه‌ای که در نبرد جنگ‌های صلیبی قرن جدید بدون هیچ گونه حساسیتی تا عمق خانه‌هایمان نفوذ کرده و ما در بی‌خبری با آغوشی باز به استقبال آنها رفته‌ایم و حتی هزینه‌ی مالی حضورشان را نیز در حال پرداخت هستیم، چنان چه با رویکردی مدبرانه با این سربازان رایانه‌ای برخورد نکنیم، به زودی و در نسل آینده باید هزینه‌های گزاف و جبران ناپذیر معنوی را نیز پرداخت کنیم.

در این جا به نحوه تأثیرگذاری این شوالیه‌های رایانه‌ای و مصادیق آن

اشاره‌ای اجمالی می‌کنم:

۱- خشونت و پرخاشگری

۲- تبلیغ فرهنگ برهنگی و نمایش صحنه‌های غیرمجاز اخلاقی

۳- تبلیغ فرهنگ غرب

۴- اصرار بر انجام خطا و گناه

- ۵- از بین بردن قبح گناهان  
 ۶- ارائه‌ی نمادهای غیراخلاقی یا ضد اخلاقی  
 ۷- اسوه سازی از شخصیت‌های غیر اخلاقی

## راه‌های مقابله با جنگ نرم

**دانشجو:** استاد با توجه به حرکت دشمنان برای زدودن فرهنگ دینی، راه‌های

مقابله با این حرکت چیست؟

استاد:

راه‌های مقابله با جنگ نرم در محورهای ذیل خلاصه می‌شود:

### ۱. شناخت دشمن و اهداف او در جنگ نرم

بی تردید شناسایی دشمن و برآورد هدف، توان و تفکر وی، از القبای مبارزه به شمار می‌آید چنین تحقیق وسیع و همه جانبه‌ای اندیشمندان را در شناخت درست رد پای انحراف یاری دهد. آگاهی و ابزار و شیوه‌های مورد استفاده یورشگران می‌تواند مسئولان و رزمندگان جبهه فرهنگی را در خلع سلاح مهاجمان کمک کند و نقشه‌های آنان را خنثی سازد. در سایه‌ی آشنایی با اهداف و مقابله اصولی با آن می‌توان از آسیب پذیری اقشار مختلف جامعه در برابر توطئه‌ی دشمن جلوگیری کرد. پس سزاوار است چشم‌های بیدار و جست و جوگری وجود داشته باشد تا ضمن شناسایی اهداف، ابزار و شیوه‌های مورد استفاده دشمن، هر تغییر روشی را نیز یادآور شود.

## ۲. تقویت بینش دینی و سیاسی

یقین به حقایق با عظمتی چون آفریدگار جهانی، پیامبران الهی و رستاخیز نوعی تعهد در انسان پدید می‌آورد و میزان مصونیت او را در برابر یورش فرهنگی بیگانگان افزایش می‌دهد و می‌تواند چون سنگری نفوذ ناپذیر مردم را در برابر بمباران فرهنگی دشمن محافظت نماید و سودجویان غرب را ناکام و ناامید سازد. چنین ایمانی جامعه را به جهت گیری صحیح رفتاری رهنمون می‌شود و از کجروی و ناهنجاری‌ها باز می‌دارد.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «...یهدیهم ربهم بایمانهم...» پروردگارشان به سبب ایمانشان هدایتشان می‌کند. (سوره یونس / ۹).

نگاهی به سرنوشت اندیشمندانی که سال‌ها در اروپا و آمریکا به کسب دانش و تخصص پرداخته و پای بندی به اصول اعتقادی و مبانی فکری اصیل خود را هم چنان حفظ کرده اند و پس از بازگشت به میهن اسلامی، مردم را نیز به پیروی از آن فرا خواندند، به خوبی روشننگر این حقیقت است که ایمان درست و اعتقاد راسخ به اصول دین، انسان را در برابر امواج فساد غرب مقاوم می‌سازد.

## ۳. دقت در برنامه‌های آموزشی و پرورش کودکان،

### نوجوانان و جوانان

کودکان با دل‌های پاک و اندیشه‌های شفاف برای پذیرش پیام‌های آموزشی و پرورشی از آمادگی ویژه‌ای برخوردارند. به گونه‌ای که آثار این

پیام‌ها تا پایان زندگی در رفتار و کردار آنان باقی می‌ماند، به یاری این حقیقت دست اندرکاران مسائل فرهنگی باید از فرصت طلایی خردسالی سود برند و به یاری هنر، ورزش و انواع سرگرمی‌ها، ارزش والای اسلامی را در ژرفای وجود آنان جای دهند. البته روزگار نوجوانی و جوانی نیز ویژگی‌های خود را داراست و دولت باید با برنامه‌های مناسب و استفاده از کارشناسان مؤمن این دو قشر را از کجروی بازدارند و به سوی نیک بختی و سعادت هدایت کنند.

#### ۴. احیای عزت نفس

از جمله راه‌های مبارزه با جنگ نرم، احیای روحیه عزت نفس در بین اقشار مختلف جامعه می‌باشد. بنابراین لازم است با تقویت این روحیه و زدودن احساس خود کم بینی مردم جامعه اسلامی را از تقلید کورکورانه از روش‌های زندگی بیگانگان بازداشت. در این باره امام صادق (ع) می‌فرمایند: «لباس دشمنان مرا نپوشید و غذای دشمنان مرا نخورید و به شیوه دشمنان من رفتار نکنید که شما نیز همانند آنان جزء دشمنان من خواهید شد». (بزهکاران جوان، ص ۱۰).

پس لازم است این روحیه ترویج و تقویت شود تا زمینه‌ی پذیرش فرهنگ دشمن از بین برود.

## ۵. پیشگیری از عوامل نفوذی دشمن

عناصر خود فروخته‌ی فرهنگی مطبوعات و مجلات گمراه کننده- فیلم‌های مبتذل و... نمونه‌هایی از عوامل فرهنگی دشمن به شمار می‌آیند. نگاهبانی از ارزش‌های الهی، بینشی ژرف می‌طلبد، بینشی که در سایه‌ی آن همه‌ی عوامل فرهنگی غرب را شناسایی و کنترل نموده و در صورت لزوم طرد و منزوی سازد، حضرت امام خمینی (ره) در این رابطه فرموده اند:

«اگر در اساتید کسی پیدا شد که می‌خواهد انحراف ایجاد کند، او را ارشاد و اگر نشد از خود و کلاس خود طرد کنند». (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۹۵).

## ۶. استفاده از همه ابزارهای ممکن برای دفاع فرهنگی

اگر دشمن برای شکست ما به هر وسیله‌ی ممکن چنگ می‌زند ما نیز باید به حکم دستور قرآنی «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه» از هر وسیله مشروع سلاحی بسازیم و از فرهنگ اسلامی خویش پاسداری کنیم، از یک سو باید امکانات فرهنگی هنری ورزشی را توسعه دهیم تا جوانان به تفریحات سالم روی آورند و از سوی دیگر باید هم کوشش‌های فرهنگی و... در دفاع از ارزش‌های الهی هدایت شود.

## پیامدهای شوم جنگ نرم

**دانشجو:** استاد از پیامدهای شوم جنگ نرم برایمان بگویید؟

**استاد:**

پیامدهای شوم جنگ نرم بسیار خطرناک است. از دست دادن سیادت اسلامی و افول تمدن دیرپای آن، حاصل تلاش ویرانگر و همه جانبه‌ای است که غرب از دوران رنسانس آغاز کرد. مهم‌ترین این آثار و پیامدها به قرار زیر است:

### ۱. پیروی کورکورانه از الگوهای فرهنگ مهاجم

بسیاری از افراد کوردل، جاذبه‌های فرهنگی بیگانگان را تنها راه نیکبختی و پیشرفت می‌دانند و در همین راستا پوشش، آرایش، حرکات اجتماعی همه و همه به آهستگی رنگ و لعاب بیگانه به خود می‌گیرد.

### ۲. سست شدن بنیادهای اخلاقی و باورهای دینی

با سست شدن بنیان‌های دینی و در زیر بمباران فرهنگی قرار گرفتن، افراد معلوم الحال ریشه‌های عقب ماندگی خود را نه تنها در دسیسه‌های دشمنان، بلکه در باورهای به اصطلاح کهنه و واپس گرایانه‌ی خود می‌پندارند. با این روند جامعه از برنامه‌ی پیامبران، دور و در گرداب پلید باورهای مادی فرهنگ سلطه فرو می‌گلتد. به این ترتیب مردم زیر سلطه‌ی بیگانگان نه تنها

خطر ساز نیستند بلکه پذیرش برنامه‌های استعماری را نیز نشانه‌ی سربلندی، دانش و تمدن می‌پندارند.

### ۳. دگرگونی ارزش‌ها

در کنار گسترش فرهنگ غربی و یا بیگانه، حقایق بلند و مقدسی مانند وفاداری، غیرت، شجاعت، دوستی، عشق، جوانمردی و پاکدامنی و... مفهوم خود را از دست می‌دهند و ساده زیستی، عفاف، نوع دوستی، ایثار، دستگیری از افتادگان، کرداری ناپسند و زشت جلوه داده می‌شود. به این ترتیب، ایستادگی در برابر القائات فرهنگی بیگانگان امری ارتجاعی و واپس‌گرایانه و مقابله با پیشرفت و تمدن محسوب می‌شود و استقبال از آنان، نشانه‌ی رشد فرهنگی، روشنفکری و پای نهادن در دنیای ترقی و توسعه قلمداد می‌شود.

### ۴. گسترش فساد و بی‌بند و باری

گسترش فساد و بی‌بند و باری نیز یکی از عوامل مهم و مخرب است که جوامع بشری را به سوی نابودی و هلاکت سوق می‌دهد. نتایج حتمی این بی‌بند و باری‌ها، از هم گسستن پیمان‌ها، روابط، اصول و ارزش‌های انسانی است. اسلام پیوسته با فساد، فسق و فجور و ظلم و تعدی مخالف بوده و هیچ‌گونه سهل‌انگاری را در این باره مجاز نمی‌داند.

با گسترش فساد، استعمارگران از این بی‌بند و باری به عنوان یک سلاح برنده در پیشبرد اهداف خود بهره می‌جویند و به این ترتیب نیرو و توان



جوانان کشور را به گونه‌ای سمت و سو می‌دهند که، در راه سازندگی خود و کشورشان به کار گرفته نشود.

## ۵. وابستگی سیاسی - اقتصادی

مردمانی که در دامان فرهنگ بیگانه پرورش یافته اند نه تنها به خطر کردن در راه‌هایی کشور نمی‌اندیشند، بلکه تنها راه نجات را در انطباق دقیق و همه‌جانبه‌ی خود با برنامه‌های آنان می‌پندارند. به این ترتیب خودباختگان، با شتاب فراوان به اجرای برنامه‌های ارایه شده از سوی کارشناسان بیگانه می‌پردازند و طرح‌های ایشان را در بسته بندی‌های فریبنده ملی بر کشور تحمیل می‌کنند.

## زمینه‌های پیدایش موفقیت در جنگ نرم

**دانشجو:** لطفاً بفرمایید چه عواملی دست به دست هم می‌دهد که دشمنان در جنگ نرم موفق شوند به تعبیر دیگر زمینه‌های پیدایش موفقیت در جنگ نرم چیست؟

استاد:

پدیده‌های اجتماعی با علت و زمینه‌ی واحدی به وجود نمی‌آیند و برای بررسی و شناخت آن باید علل و عوامل متعددی را مورد شناسایی قرار داد. جنگ نرم پدیده‌ای اجتماعی است که دارای دو طرف مهاجم و مورد هجوم می‌باشد و علل و عوامل مربوط به هر کدام از آنها با یکدیگر متفاوت ولی با

هم مرتبط می‌باشند. در این جا مناسب است به برخی از زمینه‌های داخلی و خارجی پیدایش جنگ نرم پردازیم:

## الف - زمینه‌های داخلی پیدایش جنگ نرم

### ۱. بی‌توجهی نسبت به فرهنگ خودی

هر یک از جوامع انسانی، فرهنگ خاص خود را دارند، که طی سالیان متمادی در اثر خاطرات تلخ و شیرین در تاریخ سرزمین آنها شکل گرفته و به صورت فرهنگ آن سرزمین درآمده است که از آن به «فرهنگ خودی» تعبیر می‌شود. تا زمانی که فرهنگ خودی به حیات خود ادامه داده و قدرت هضم و دفع تازه‌های فرهنگ وارداتی را داشته باشد، هیچ‌گونه آسیبی نخواهد دید. ولی اگر فرهنگ خودی، پویایی، و جذابیت خود را از دست داده و قدرت انطباق با مقتضیات زمان را نداشته باشد، فرهنگ بیگانه به راحتی می‌تواند جایگاه خود را پیدا کند و فرهنگ خودی را به انحطاط و فراموشی سپارد.

از همین روست که همه‌ی ادیان الهی به ویژه دین مبین اسلام سعادت جامعه‌ی بشری را مساوی با احیا و احترام به اصول انسانی و معنویت می‌داند و همواره هشدار می‌دهد که برای حفظ ارزش‌های انسانی در جامعه همه باید کوشا باشند.

در اسلام عنصر مهم «امر به معروف و نهی از منکر» یکی از مصادیق بارزی است که به صورت یک موتور نیروبخش عمل کرده و به فرهنگ

جامعه، پویایی و حیات مستمر می‌بخشد. عمل به این فرضیه‌ی الهی، از غفلت و بی‌توجهی نسبت به فرهنگ غنی اسلامی جلوگیری می‌نماید و ترک آن، سلطه‌ی فرهنگی بیگانگان بر جامعه‌ی اسلامی را به دنبال خواهد داشت، از این رو در دین اسلام به اجرای آن تأکید فراوانی شده است.

### ۱. خودباختگی فرهنگی

حالت خودباختگی بیش تر ناشی از «خود کم بینی و احساس حقارت» در قبال پیشرفت و موفقیت‌های دیگران است. لذا استکبار جهانی با دست یافتن به پیشرفت‌های مادی، چنین تبلیغ می‌کند که علت پیشرفت‌های مختلف و شگفت آور جهان غرب ناشی از فرهنگ آنها است. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «یکی از مصیبت‌های بزرگی که برای این ملت به بار آورده اند این که ملت را نسبت به خودشان هم بدبین کرده اند... یعنی ما خودمان را باختیم در مقابل آنها».

و در جای دیگر می‌فرماید: «ما آن چیزی که داشتیم کنار گذاشتیم، آن چیزی هم که آنها داشتند نتوانستیم پیدا کنیم، یک چیزی که نه شرقی و نه غربی و نه اسلامی و نه اروپایی، هیچی، بله شرقی هستیم، به معنای همان شرقی استعماری. غربی هستیم، به معنای همان غربی استعماری. از این باید بیرون بیاییم. مادامی که این مرض را ما داریم، این مرض نمی‌گذارد یک حال صحتی برای ما پیدا بشود. از این مرض باید بیرون بیاییم».

(گلچین ۱۱ گزیده ای از اندیشه ها و آرای امام خمینی (ره) - خودباوری کمیته فرهنگی ستاد یکصدمین سال میلاد امام خمینی (ره)).

## ۲. تجمل گرایی و رفاه طلبی

یکی از محورهای اصلی استکبار در جنگ نرم، القای روحیه‌ی رفاه طلبی و دنیاگرایی می‌باشد. دشمن در کشورهای اسلامی طرح‌های مختلف و متنوعی را برای سست کردن عقاید و اصول فرهنگ جوامع مستقل پی ریزی می‌کند.

یکی از عوامل فرهنگی که باعث موفقیت اسلام و وحدت پیروانش می‌شود، تأکید بر عدم وابستگی و دل بستگی مسلمانان به زر و زیور دنیوی و هواهای نفسانی است که این امر باعث می‌شود که دل‌های آنان همواره متوجه خدا بوده و خدا، محور اصلی وحدت برای همه باشد. استکبار جهانی به این نتیجه رسید که اگر روحیه‌ی دینی در میان مسلمانان دست نخورده باقی بماند نه تنها نمی‌تواند بر آنها سلطه یابد، بلکه اسلام خطر بالقوه‌ای برای برچیدن بساط استکباری آنها در سراسر جهان خواهد بود. بر این اساس در صدد از بین بردن روحیه‌ی مقاوم و جهادی مسلمین برآمدند.

اولین تهاجم فرهنگی با نیت تخلیه و استحاله‌ی روحی و معنوی جوانان مسلمان در «اندلس» (اسپانیای فعلی) به آزمایش گذاشته شد و متأسفانه نتیجه‌ی مثبتی برای دشمن به ارمغان آورد. آنها به راحتی توانستند از طریق بدحجابی و وسایل عیش و نوش و دیگر عوامل نفسانی، جوانان رزمنده و

سلحشور را به کاباره‌ها کشانده، کم کم از ملت مسلمان اندلس روحیه‌ی جهادی و دنیاگریزی را بگیرند.

«دین زدایی» امروزه در دستور کار استکبار جهانی است و تمام تبلیغات خود را صرف این کار می‌نماید. پخش عکس‌های مبتذل در مدارس، ایجاد مدل‌های مختلف لباس غربی، پخش فیلم‌ها و نوارها و کتب ضاله، ایجاد روحیه و تفکر تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی در جامعه، از دیگر فعالیت‌های غرب برای مبارزه با فرهنگ اصیل اسلامی می‌باشد. (تهاجم فرهنگی، ص ۳۶).

### ۳. عدم شناخت صحیح دین و بی‌توجهی در عمل به آن

یکی از عوامل مهم سلطه‌پذیری ممالک اسلامی، عدم درک و شناخت صحیح مسلمانان از فرامین دینی و احکام شریعت است. اگر آگاهی مسلمانان بر این که قرآن مجید با تأکید فراوان هر گونه سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی و... بیگانگان را بر مسلمانان نفی و منع کرده، به هیچ وجه سلطه‌ی دشمنان و غیرمسلمانان را نمی‌پذیرند.

وجود حکام جور و سرسپرده باعث عدم آگاهی ملت‌ها از حقایق اسلامی شده است. به عنوان مثال حکام عربستان، شهر مقدس مکه را به دست غارتگران آمریکایی سپرده تا جلوی بیداری و آگاهی مسلمانان جهان را بگیرد و از حضور و نفوذ بیشتر انقلاب اسلامی در مراسم جهانی حج

بکاهد. و این مصداق روشن سلطه‌ی بیگانه بر بلاد مسلمین است و جا دارد که مسلمانان جهان بر ضد آن قیام کنند.

برای رهایی از این مشکل، باید مسلمانان را نسبت به تکالیف و احکام دینی آشنا و مقید ساخت و به شیوه‌های مختلف علمی و تبلیغی، ملت‌ها را آگاه کرد که بر ضد رژیم‌های حاکم که مانع اجرای احکام اسلامی هستند به پاخیزند. در غیر این صورت مسلمانان عزت و استقلال خود را از دست می‌دهند و سلطه‌ی بیگانگان بر آنها بیشتر خواهد شد.

### ب - زمینه‌های خارجی پیدایش جنگ نرم

منشأ اصلی تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، اوضاع و شرایط سیاسی، اجتماعی خارجی، به خصوص وضعیت بحرانی کشورهای استعماری می‌باشد.

وقتی کشورهای بزرگ صنعتی دچار بحران‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شدند، تنها راه چاره را در انتقال این بحران به جوامع غیرصنعتی یافتند، به این صورت که با تسخیر کشورهای عقب افتاده، علاوه بر تأمین مواد اولیه و کارگر ارزان، با ارسال متخصصان، کارمندان و کالاهای مصنوعی خود به این جوامع، مشکل تورم و بیکاری خود را تا حدودی از این طریق حل کردند. در این قسمت عمده‌ترین عوامل خارجی پیدایش جنگ نرم را بر می‌شمریم:

## ۱. تبلیغ علیه ادیان الهی

دشمنان ادیان الهی همیشه سعی می‌کنند دین را از صحنه و متن زندگی خارج نموده و آن را به حاشیه برده و امری غیر ضروری جلوه دهند. زیرا دین حقیقی را مانع چپاولگری و غارت خود می‌بینند.

آنان برای رسیدن به این هدف، تمام امکانات خود را بسیج می‌کنند و با تبلیغات گسترده دامنه دار سعی دارند چهره‌ی دین را نامطلوب، ناقص، عقب افتاده و در یک کلمه، غیر ضروری و بی‌اهمیت نشان می‌دهند.

اگر قوانین و مقررات الهی در بین جامعه سست، تضعیف و تحریف شود، گردنکشان به راحتی می‌توانند به اهداف شوم استکباری خود دست یابند. به همین دلیل سعی می‌کنند قوانین الهی را به اشکال مختلف مورد هجوم قرار داده تا بتوانند به امکانات و ذخایر مادی و معنوی کشورها، خاصه مسلمانان چنگ انداخته و زمینه را برای هرگونه تاخت و تاز و تهاجم فراهم نمایند. بنابراین مستکبران دین را مانع اصلی خود می‌بینند، از این رو با تمام توان آن را مورد تهاجمات خود، خاصه تهاجم فرهنگی قرار می‌دهند.

حمایت پنهانی از جریان‌های واپس گرایانه در کشورهای اسلامی برای خدشه دار کردن چهره‌ی راستین اسلام و روی آوردن جوانان مسلمان به فرهنگ منحط غرب، راه دیگری از وارد آوردن ضربه‌های تهاجمی غرب به فرهنگ‌های بومی و غنی اسلامی است. چنان چه در شرایط کنونی، کاخ سفید با اجرای طرح‌های صهیونیستی اسرائیل در افغانستان، عراق و لبنان و

دیگر کشورها سعی در محورزش‌های دینی اسلام و فراهم آوردن حضور استعمارگرانه‌ی بیشتر خود در کشورهای اسلامی دارند.

## ۲. برتری نژادی

قوم‌گرایی و نژادپرستی همواره یکی از معضلات بشریت بوده و می‌باشد. از زمان‌های گذشته تاکنون درگیری و اختلافات نژادی بدترین نوع جنگ‌ها بوده و بیشترین خونریزی را به دنبال داشته است. امروزه با وجود ادعاهای فراوان مبنی بر پیشرفت فرهنگ و تمدن بشر، هنوز هم شاهد تصفیه‌های خونین قومی و نژادی در اطراف و اکناف دنیا هستیم که یکی از نمونه‌های فاجعه آمیز آن، جنایات صرب‌ها علیه ملت مسلمان و مظلوم بوسنی، آن هم در در قلب اروپای به ظاهر متمدن می‌باشد.

قرآن، فلسفه‌ی اصلی اختلاف رنگ، پوست، زبان، قبیله و نژاد را عامل تسهیل در شناسایی گروه‌های مختلف از یکدیگر می‌داند. «... و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا...»؛ شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید ... (سوره حجرات / ۱).

اما بشر با برداشت نادرست از این فلسفه‌ی خلقت، آن را پایه‌ی اصلی اختلاف برتری طلبی خود قرار داد و جنگ‌های فراوانی به راه انداخت که از جمله‌ی آنها دو جنگ جهانی اول و دوم بود که مایه‌ی خسارت فراوانی بر زندگی بشر شد.



بنابراین تا زمانی که این حس غیراخلاقی و زشت بر انسان‌ها و دولت‌ها، حکومت می‌کند، زمینه‌ی جنگ و تهاجم نیز وجود خواهد داشت، کما این که در حال حاضر نیز شاهد تهاجمات فرهنگی مبتنی بر حس برتری طلبی غربی‌ها به رهبری آمریکا، علیه کشورهای دیگر می‌باشیم.

### ۳. رشد صنعت و تکنولوژی

از زمانی که کشورهای اروپایی از سلطه‌ی جو خفقان قرون وسطایی نجات یافتند، تحول چشم‌گیری در زمینه‌ی علوم و صنایع به دست آوردند. این پیشرفت فنی و تکنولوژی اگر چه در بسیاری از زمینه‌ها به خدمت بشریت شتافت؛ اما به علت فقدان روحیه‌ی الهی و معنوی و انسان دوستانه، صاحبان این تکنولوژی، خسارت جبران‌ناپذیری را نیز برای بشریت به بار آوردند. کشورهای صنعتی، سلاح‌های مرگبار و مخرب ناشی از تکنولوژی جدید را به خدمت حس نژادپرستی قدیمی خود گرفته و در سطح گسترده تری دست به تهاجم زدند.

پیدایش ماشین‌های صنعتی تحول عظیمی در جوامع بشری ایجاد کرد، همان کسانی که برای تهیه نان شب، دچار مشکل بودند، آنهایی که برای تولید نخ و پارچه می‌بایست هفته‌ها و ماه‌ها روی دوک نخ ریسی تلاش کنند تا شاید چند متر پارچه بیافند، بعد از انقلاب صنعتی به مدد وسایل پیشرفته، به کالاهای فراوانی دست یافتند تا جایی که جمعیت آنها قادر به مصرف آن

همه کالای انباشته شده نبود و حتی تولید فراوان برای آنان مشکلات عدیده‌ای ایجاد کرد.

از جمله‌ی این مشکلات موارد زیر را می‌توان برشمرد:

۱. مشکل کالاهای مازاد بر مصرف و باقی مانده در انبارها

۲. کمبود مواد اولیه‌ی مورد نیاز کارخانه‌ها و صنایع

۳. مواجهه با مشکل بیکاری به دلایل جایگزینی ماشین به جای انسان

۴. نیاز به بازارهای مصرف جهانی دائمی و مقرون به صرفه

این موارد، بلافاصله پس از انقلاب صنعتی گریبانگیر کشورهای صنعتی شد و آنها را به ورشکستگی نزدیک کرد. در نهایت چاره‌ی مشکل را در انتقال این بحران به کشورهای غیرصنعتی دیدند و در واقع استعمار به معنی دقیق از این جا آغاز شد.

استعمار برای دست یابی به مقاصد فوق از حربه‌ی تهاجم فرهنگی استفاده کرد. و با این شعار که کشورهای پیشرفته و صنعتی، ملل متمدن، و جوامع غیرصنعتی ملل وحشی هستند، و این که کشورهای متمدن وظیفه‌ی تعمیر و آبادانی کشورهای عقب مانده را به عهده دارند، اذهان عمومی را برای هجوم و اشغال نظامی آماده کردند و سپس دست به تجاوز علیه کشورهای غیرصنعتی زدند.

بسیاری از کشورها فریب این شعارها را خورده و باور کردند که آنها واقعاً برای نجات کشورهای عقب مانده تلاش می‌کنند. به خصوص وقتی دیدند، استعمار پس از وارد شدن در هر سرزمین برای تهیه‌ی امکانات

رفاهی و تأسیس جاده، راه آهن و غیره اقدام می‌کند، بر اعتمادشان افزوده شد. غافل از این که این اقدامات برای سهولت در امر غارت مواد اولیه و منابع ارزشمند نهفته در آن سرزمین بود.

کشورهای استعماری موفق شدند با استفاده از تهاجم به فرهنگ ملل مختلف حضور همه جانبه‌ای در کشورهای توسعه نیافته پیدا کنند و هم زمان با غارت منابع اقتصادی به تحقیر فرهنگی این جوامع پردازند؛ به طوری که به ملت‌ها تلقین کنند که بدون کمک کشورهای صنعتی ادامه‌ی حیات و دسترسی به صنایع پیشرفته محال می‌باشد. اما این وضع چندان طول نکشید و بالاخره برخی از ملت‌ها بیدار و متوجه شدند که حضور استعمار چیزی جز فقر و فلاکت برای آنها به جای نمی‌گذارد، بر این اساس ملت‌های آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین که سال‌ها در زیر یوغ استعمار مورد استثمار واقع شده بودند به فکر استقلال افتاده و مبارزات چشمگیری را برای اخراج بیگانگان از سرزمین خود آغاز کردند.

#### ۴. وابستگی فرهنگی زمینه ساز سایر سلطه‌ها

دوام و قوام هر جامعه به فرهنگ آن جامعه است چنان چه ملتی در حفظ اصول و ارزش‌های فرهنگی خود موفق باشد، در سایر زمینه‌ها نیز موفق خواهد بود. اما ملتی که در پاسداری از فرهنگ خود کوشا نباشد شکی نیست که این جامعه در مسیر تهاجم فرهنگی دشمنان خود، علاوه بر پذیرش سلطه‌ی فرهنگی بیگانگان ناچار است سلطه‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی

آنان را نیز بپذیرد. چون فرهنگ به مثابه‌ی موتور محرک، مایه‌ی شکوفایی ذهن‌های خلاق و مستعد می‌باشد و در سایه‌ی فرهنگ زنده و مبارز است که افراد جامعه به رشد و استقلال سیاسی، اقتصادی می‌رسند. بنابراین رسیدن به خودکفایی اقتصادی، سیاسی و نظامی، زمانی میسر است که استقلال فرهنگی وجود داشته باشد.

نظام‌های منحنی سرمایه‌داری، پس از سال‌ها تجربه و آزمایش به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین مانع توسعه‌طلبی آنها در کشورهای جهان سوم قدرت فرهنگی این ملت‌هاست و تا زمانی که علایق مذهبی جوامع مذکور دست‌نخورده باقی بماند، چپاول منافع آنان امر مشکلی خواهد بود. لذا به این فکر افتادند که قبل از هر چیز سلطه‌ی فرهنگی را کامل کنند.

پس از سلطه‌ی فرهنگی است که احساس حقارت و پوچی و ناتوانی در روح ملت‌ها بسیار آسان ایجاد خواهد شد و آنها کم‌کم به این یقین دروغین می‌رسند که قدرت انجام هیچ کار عظیم و مهمی را ندارند و بایستی تا آخر عمرشان تابع و تحت سلطه‌ی سیاسی، اقتصادی بیگانگان بمانند.

پس از ایجاد چنین باورهایی است که دشمن می‌تواند سلطه‌ی اقتصادی، نظامی خود را نیز تکامل بخشیده و به آسانی مقدرات امور ملت‌ها را در دست بگیرد. ملت‌های جهان به ویژه ملل مسلمان مدت‌هاست که در خطر چنین تهاجمی قرار گرفته‌اند.

بنابراین برای جلوگیری از سلطه‌ی فرهنگی و به تبع آن سلطه‌ی اقتصادی دشمن، ایجاد حساسیت دو جانبه ضروری می‌باشد. از یک طرف حساس

بودن به فرهنگ خودی که بایستی به مثابه‌ی روح جامعه تلقی و مورد احترام قرار گیرد که البته بستگی زیادی به توجه و عملکرد کلیه‌ی مسئولان مملکتی دارد. از طرف دیگر حساسیت شدید به فرهنگ مهاجم غرب.

## انقلاب‌های رنگی

**دانشجو:** امروز در محاورات و ادبیات سیاسی از کودتای مخملی یا (انقلاب‌های رنگی) زیاد سخن به میان می‌آید در این باره هم توضیحاتی بفرمایید ممنون می‌شویم. (اقتباس از «بصیرت پاسداری ۲»، ص ۲۵ به بعد).

استاد:

کودتای مخملی یا انقلاب رنگی از شیوه‌های براندازی نرم و نوعی سرنگون کردن حاکمیت و جابه‌جایی قدرت به وسیله تحولات سیاسی است که به شیوه‌های آرام و مسالمت آمیز جلوه گر شده است و از شیوه مبارزه منفی و نافرمانی مدنی نیز بهره می‌گیرد. این واژه برای نخستین بار از سوی «والسلاو هادل»، رئیس جمهور پیشین چک که در آن زمان رهبر مخالفان چکسلواکی سابق بود به ادبیات سیاسی وارد شد. این طرح و ایده به ترتیب در یوگسلاوی (۲۰۰۰ م)، گرجستان (انقلاب گل رز، ۲۰۰۳ م)، اوکراین (انقلاب نارنجی، ۲۰۰۴ م) و قرقیزستان (انقلاب لاله‌ای، ۲۰۰۵ م)، لبنان و بلاروس (ناکام، ۲۰۰۶-۲۰۰۵ م) صورت گرفت که عمدتاً به صورت نمادین، نام انقلاب رنگی به خود گرفتند.

بررسی‌های صورت گرفته در خصوص انقلاب‌های رنگی نشان می‌دهد که در وقوع چنین حرکت‌هایی، عوامل متعدد داخلی و خارجی نقش دارند و از پیامدهای چنین انقلاباتی تأثیر پذیرفته و منتفع یا متضرر می‌شوند. و انگیزه آن تغییر رژیم، نتیجه آن، به قدرت رسیدن احزاب و شخصیت‌های دموکراتیک و غرب‌گرا می‌باشد.

شاید تصور شود کودتای مخملی که در سال‌های اخیر از آن صحبت می‌شود پدیده‌ای جدید در حوادث سیاسی جهان می‌باشد. صاحب نظران سیاسی انقلابات مخملی را نسخه قرن بیست و یکمی کودتاهای قرن بیستمی در کشورهای جهان می‌دانند که توسط کشورهای بیگانه انجام می‌شود است. این مدل جدید کودتا که آن را «کودتای هوشمند» نیز نام نهاده اند سابقه بسیار قدیمی دارد و نمونه‌های از آن را در تاریخ ملل مختلف می‌توان یافت.

پس انقلابات مخملی به حرکت‌های اعتراضی گفته می‌شود که به منظور تأثیرگذاری در شرایط سیاسی یک کشور با ویژگی‌های زیر سازماندهی و اجرا شود:

۱. معمولاً بعد از انتخابات است و به منظور تغییر در نتایج انتخابات انجام می‌شود.
۲. از نمادهای رنگین برای هماهنگی در عملیات و بزرگنمایی استفاده می‌شود.
۳. از کمک‌های مالی، رسانه‌ای و سیاسی دول خارجی برخوردار است.

۴. طرف پیروز انتخابات ممکن است دارای ضعف‌ها، خطاهایی باشد که از آن برای بدنام کردن او استفاده می‌شود.

در این کشورها در صورتی که نتایج انتخابات به ضرر کشورها و بعضی گروه‌های داخلی باشد، آنها در یک حرکت هماهنگ و با استفاده از چهار اهرم:

۱. فشار از پایین (تحصن، تظاهرات و اردو کشی‌های خیابانی)،

۲. مباران تبلیغاتی توسط رسانه‌های فرامرزی،

۳. موضع‌گیری‌های سیاسی در سطوح بالای کشورهای ذینفع

۴. بزرگنمایی بعضی نقایص و اشتباهات دولتمردان (حتی تهمت‌های

ساختگی و جعلی)

گروه بازمانده انتخابات، جو جامعه را به سمتی سوق می‌دهند که مردم را نسبت به رأی خود مردد و مسئولین را نسبت به انتخابات مجدد متقاعد می‌کنند. بدین ترتیب طرف بازنده مظلوم نمایانده شده و احساسات مردم به او به عنوان ناجی تحریک می‌شود و در نتیجه در انتخابات مجدد شانس بسیار بیشتری برای پیروزی دارد.

## بنیادهای طراح و حامی کودتای مخملی

**دانشجو:** پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ در رسانه‌ها از بنیادهای طراح و حامی کودتای مخملی خیلی صحبت می‌شد مخصوصاً بنیاد سوروس، در این زمینه هم توضیحاتی بفرمایید؟

استاد:

بلی دشمنان نظام پس از این که نتوانستند از طریق جنگ سخت یعنی جنگ تحمیلی بر علیه ما، انقلاب اسلامی را از میان بردارند، با تأسیس و راه اندازی مؤسسات در غالب و پوشش حمایت از حقوق بشر، دموکراسی و آزادی و فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، آموزش و امور خیریه سناریوی براندازی خود را طراحی و به اجرا گذاشتند. بنیاد سوروس (همان مدرک، ص ۵۱ به بعد) یکی از فعال‌ترین نهادهای حامی انقلاب‌های رنگین است که حضور مستقیمی در تحولات کشورهای تازه استقلال یافته در سال‌های اخیر داشته است.

سوروس در اصل یک یهودی مجارستانی است که در سال ۱۹۳۰ در بوداپست به دنیا آمده است. او در سال ۱۹۴۷ به غرب گریخت. در دانشگاه لندن درس اقتصاد خواند و بسیار تحت تأثیر اندیشه‌های «کارل پوپر» قرار گرفت. وی در سال ۱۹۵۶ به آمریکا رفت و از طریق معاملات ارز، ثروت هنگفتی اندوخت.

سوروس موسسه جامعه باز را در سال ۱۹۷۹ در نیویورک ایجاد کرد. امروزه او شبکه‌ای از این قبیل مؤسسات را در سر تا سر اروپای مرکزی و



شرقی، شوروی سابق و آسیای مرکزی و هم چنین آفریقای جنوبی، گواتمالا و ایالات متحده و... دارد. او هم چنین کتاب‌هایی نیز در زمینه‌های مختلف سیاسی اقتصادی چاپ و منتشر کرده است. همچنین موسساتی چون «بنیاد ملی برای دموکراسی» و «موسسه خانه آزادی» را نیز زیر نظر دارد.

جرج سوروس، یهودی مجاری الاصل، رئیس «شورای روابط خارجی» آمریکا نیز هست. این شورا حدود ۴۰۰۰ عضو شامل اعضای سابق سازمان سیا، نمایندگان رسانه‌ها، سیاستمداران و اشخاص سرشناس دانشگاهی دارد، در سال ۱۹۹۸ با طرح خروج میلیاردها دلار از کشورهای اندونزی و مالزی فشارهای خرد کننده اقتصادی و سیاسی به آنها وارد کرد.

برای اولین بار در سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) و در جریان بحران ورشکستگی مالی و اقتصادی کشورهای جنوب شرق آسیا نام بنیاد سوروس بر سر زبان‌ها افتاد، به باور کارشناسان بنیاد سوروس با داشتن پشتوانه مالی و سیاسی به عنوان یکی از ابزار فشار و نفوذ آمریکا و رژیم صهیونیستی در مناطق مختلف ایفای نقش می‌کند. این بنیاد از پنج روش یعنی از طریق ارتباط با احزاب مخالف، مطبوعات، رسانه‌ها، تشکیلات غیر دولتی و دولتمردان در کشورهای مورد نظر سعی در برآوردن اهداف واشنگتن و تل آویو دارد.

سوروس فقط در سال ۲۰۰۳ میلادی مبلغی معادل ۲۰ میلیون دلار به منظور حمایت از جنبشهای اصلاح طلب در پنج کشور آسیای مرکزی یعنی قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان هزینه کرده است.

او حتی در مصاحبه‌ای که در ماه جولای سال ۲۰۰۴ با روزنامه لوس آنجلس تایمز داشت اعلام کرد که «من دوست دارم سناریو مشابه به وقایعی که در گرجستان به وقوع پیوسته اند، در پنج کشور آسیای مرکزی تکرار شوند».

«ادوارد شواردنادزه» رئیس جمهور سابق گرجستان پس از مجبور شدن به استعفا اقدام به افشاگری در مورد نقش بنیاد آمریکایی - صهیونیستی در حوادث ۲۰۰۳ گرجستان کرد و جورج سوروس میلیاردر یهودی الاصل آمریکایی را متهم کرد که با اختصاص چندین میلیون دلار به اغتشاشات در گرجستان برکناری وی را رقم زده است. ادوارد شواردنادزه همچنین گفت: «جورج سوروس از جنایت کارانی است که باعث ایجاد تغییر نظام سیاسی گرجستان شد».

جالب این که پس از تشکیل دولت جدید در گرجستان اعلام شد که چهار تن از اعضای دولت جدید گرجستان شامل وزرای آموزش و پرورش، دادگستری، دارایی و ورزش جوانان وابسته به میلیاردر یهودی آمریکایی هستند. این چهار نفر قبلاً کارمند دفاتر جورج سوروس بوده اند و سالیان متمادی از این سرمایه دار یهودی الاصل آمریکایی پول می گرفتند تا برنامه‌های او را در گرجستان اجرا کنند.

سوروس سایه خود را بر انقلاب نارنجی اوکراین نیز گسترده. بنیادهایی با نام مدافعین دموکراسی و حقوق بشر مانند قارچ‌های سمی در اوکراین روئیدند. سازمان‌های غیردولتی مانند انستیتوی ملی دموکراسی (NDI)

تحت رهبری مادلین آلبرایت، انستیتوی بین المللی جمهوری (IRI) به رهبری جان مک کین، سازمان خانه آزادی متعلق به «جیمز ولزی» رئیس سابق سازمان سیا و انستیتوی «جامعه باز» که متعلق به «جرج سوروس» است، کار شروع انقلاب در اوکراین را در تاریخ ۱۷ فوریه ۲۰۰۲ در کی یف آغاز کردند.

ردپای سوروس را می توان در ارمنستان، تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان و آذربایجان نیز جستجو کرد که اغلب در قالب حمایت از برخی NGOها و مطبوعات مشاهده نمود.

یکی دیگر از اقدامات بنیاد سوروس در کشورهای آسیای میانه به ویژه آذربایجان، آلوده ساختن جمعیت جوان این کشورها است. در همین ارتباط روزنامه «اولایلار» وابسته به وزارت امنیت ملی جمهوری آذربایجان از تلاش بنیاد مذکور برای گسترش مواد مخدر در این کشور در پوشش برنامه مبارزه با مواد مخدر خبر داد تا از این طریق جوانان این کشور را فاسد نماید.

از سوی دیگر با توجه به بافت مذهبی جمهوری آذربایجان بنیاد سوروس برای از هم پاشیدن بنیادهای اجتماعی و مذهبی این کشور تلاش می کند علاوه بر این نمایندگی بنیاد مذکور در آذربایجان تاکنون ۲۰ میلیون دلار در راستای فعال سازی رسانه ها و سازمان های غیر دولتی علیه دولت این کشور هزینه نموده است.

بنیاد سوروس در کنار بنیاد رسانه ای رابرت مرداک (امپراطور یهودی رسانه های خبری)، دومین سازمان رسانه ای جهان است که بیشترین

شبکه‌های تلویزیونی، خبرگزاری، سایت‌ها، خبرنامه‌ها و روزنامه‌ها را در سطح جهان مدیریت و هدایت می‌کند، اما تفاوت این است که فعالیت رسانه‌ای مرداک (مردوخ) آشکار است و جسورانه در اداره و خرید شبکه‌های بزرگی چون فاکس نیوز تا الجزیره و حتی رسانه‌های آسیای دور ظاهر می‌شود، ولی سوروس بیشتر اصرار دارد مشی نهان را در خرید و هدایت رسانه‌ها ایفا کند.

بنیاد سوروس از موسسات و مراکزی که به دنبال ایجاد «نافرمانی مدنی» در جمهوری اسلامی ایران هستند نیز حمایت می‌کند. مهم‌ترین مورد آن، حمایت و پشتیبانی بنیاد سوروس از مرکز آمریکایی «ویلسون» است که «هاله اسفندیاری» از مدیران بخش خاورمیانه‌ای آن می‌باشد. طبق اعتراف اسفندیاری، بنیاد سوروس با حمایت از برنامه خاورمیانه‌ای مرکز ویلسون، به دنبال ایجاد یک شبکه ارتباط غیر رسمی در ایران در جهت عملی نمودن اهداف براندازی نرم بوده است.

وزارت اطلاعات مدتی بعد از دستگیری هاله اسفندیاری در ۱۸ اردیبهشت و تحقیقات از وی اعلام کرد که اسفندیاری به عنوان یکی از مدیران موسسات مرتبط با سوروس از تلاش این بنیاد برای اجرای براندازی نرم در ایران پرده برداشته است.

در گزارش وزارت اطلاعات آمده بود: هاله اسفندیاری که مدیر و موسس برنامه خاورمیانه مرکز «ویلسون» در آمریکا است، به عنوان مرکز

حلقه اتصال ارتباط ایرانیان با سازمان‌ها و نهادهای آمریکایی عمل کرده است.

هاله اسفندیاری تصریح کرده است: فعالیت‌ها و برنامه‌های مربوط به ایران در برنامه خاورمیانه مرکز ویلسون، از طریق بنیاد آمریکایی سوروس، حمایت و پشتیبانی مالی شده است.

همکاری اسفندیاری با وزارت اطلاعات موجب شد که مدیر و نماینده بنیاد آمریکایی سوروس در ایران نیز (کیان تاجبخش) شناسایی و دستگیر شود.

وی در تحقیقات اولیه اظهار داشته که بنیاد سوروس در ایران با ایجاد یک شبکه ارتباط غیر رسمی و تلاش برای توسعه و گسترش آن، اهداف براندازانه خود را دنبال می‌نماید.

به نظر می‌رسد تحقیقات از اسفندیاری، وزارت اطلاعات را به «کیان تاجبخش» رسانده است. تصویری که تا پیش از این از تاجبخش در برخی رسانه‌های داخلی ارائه شده، تصویر یک کارشناس «جامعه‌شناس شهری» و مدرس دانشگاه‌های ایالات متحده است، اما حضور «تاجبخش» در محافل سیاسی، اجتماعی، رسانه‌ای و فرهنگی‌ای که هیچ فصل مشترکی با یکدیگر از حیث اتصال ماهیت و موضوع ندارند و دعوت نهادهایی چون «خانه هنرمندان ایران»، «انجمن جامعه‌شناسی ایران»، «دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران» و... از وی، پدید آورنده گمانه‌زنی‌های تازه‌ای بوده است.

کیان تاجبخش، اجرایی کردن اهداف بنیاد سوروس را از طریق راه اندازی کارگاه‌های مطالعاتی با حضور دانشجویان و جوانان و تدریس اصول و مبانی شبکه سازی اجتماعی به مثابه اصلی ترین مبنای براندازی نرم حکومتها دنبال نموده است. وی اگرچه مدرس رسمی دانشگاه‌های ایران نبوده، اما از سال ۱۳۸۳ با حضور در کلاس‌های «جامعه شناسی شهری» به عناوین مختلفی چون «استاد دانشگاه نوین تحقیقات اجتماعی نیویورک» پیرامون کیفیت «شبکه سازی اجتماعی» در مقام یک «سرمایه اجتماعی» سخنرانی کرده است.

«کیان تاجبخش» با چاپ کتاب «سرمایه اجتماعی اعتماد، دموکراسی و توسعه» در مهرماه ۱۳۸۵ که یک دکترینال اجتماعی و استراتژیک و الگویی ساختاری را برای سرمایه‌های پنهان براندازی نرم صورتبندی می‌کند، ورژن ایرانی اندیشه‌های براندازانه فرانسیس فوکویاما را در این حوزه به ادبیات شبه روشنفکری ایران وارد کرده است. همگام با طرح «شبکه سازی» و نهادسازی اجتماعی بنیاد جورج سوروس یهودی در ایران، «کیان تاجبخش» حضوری پر رمز و رازی در حلقه‌های فرهنگی و هنری نیز دارد.

روزنامه کویتی «القبس» نیز در یادداشتی به قلم «کاملیا انتخابی فرد» عضو سابق هیأت تحریریه روزنامه‌های همشهری در زمان مدیر مسؤولی «غلامحسین کرباسچی» و روزنامه توقیف شده «زن» به مدیر مسؤولی «فائزه هاشمی» که پس از توقیف این روزنامه به خارج گریخت، مدعی شد که در سفری به آمریکا به همراه «شهلا شرکت» مدیر مسؤل ماهنامه زنان، «محمد

عطریانفر» از روزنامه همشهری و «مژگان جلالی» از روزنامه ایران نیوز، در مهمانی ویژه‌ای در منزل «جرج سوروس» میلیاردر یهودی آمریکایی و رئیس بنیاد «جامعه باز» حضور داشته است.

اخبار این چنین حکایت از تلاش بنیاد سوروس برای ایجاد باز نمودن راه کارهایی برای نفوذ در ایران دارد، اقداماتی که نشانه‌های آن را می‌توان در فتنه‌های اخیر کشور مشاهده نمود.

البته مؤسسات و بنیادهای دیگری هم هست که از مجریان و طراحان جنگ نرم هستند که وقت ما اجازه نمی‌دهد به توضیح آنها پردازیم اجمالاً شما را ارجاع می‌دهم به کتابی که جناب آقای داود رنجبران از فضیله‌های حوزه در زمینه جنگ نرم تألیف نمودند، در بخشی از این کتاب به این مؤسسات و بنیادها اشاره شده است.

## استکبار جهانی

**دانشجو:** مکرر در بیانات مقام معظم رهبری صحبت از استکبار جهانی است، لطفاً بفرمائید استکبار جهانی کیست؟ و چرا رهبری آنقدر روی این مسأله تأکید دارند؟

استاد:

من برای پاسخ شما از فرمایشات خود آقا استفاده می‌کنم: معظم له در دیدار با دانشجویان در تاریخ ۱۳۸۸/۶/۴ می‌فرمایند: «دستگاه استکبار فقط ایالات متحده آمریکا نیست یا فلان رئیس جمهور و فلان دولت آمریکا یا فلان کشور اروپایی نیست، دستگاه استکبار یک شبکه عظیم تری است که

شامل این هاست. شبکه‌ی صهیونیستی هست، شبکه تجار بین‌المللی هست، مراکز پولی عظیم دنیا هست، این‌ها هستند که مسائل سیاسی دنیار را دارند طراحی می‌کنند، دولت‌ها را این‌ها می‌آورند، این‌ها می‌برند، این مجموعه که تویش دولت ایالات متحده هست، دولت‌های اروپایی هستند خیلی از این نفتخوارهای ثروتمند منطقه‌ی خودمان هستند».

اما این که می‌فرمایید چرا آقا روی این مسأله تأکید دارند به خاطر این است که ما از اول انقلاب تا کنون غیر از بدی و ظلم و جفا از ناحیه استکبار و جهان غرب بویژه آمریکا چیزی ندیدیم، البته نه تنها ما، خیلی از ملت‌های آزاده جز ظلم و درنده‌خویی و تجاوز و تعرض به نوامیس و شرف و حیثیت آنها چیزی از غربی‌ها و آمریکایی‌ها ندیدند.

### تهاجمات استکبار بر علیه ملت ایران

**دانشجو:** استاد معذرت می‌خواهم می‌شود روشن و بازتر صحبت کنید، مگر

آنها در حق ما چه کردند؟

استاد:

انقلاب اسلامی ایران از هنگام پیروزی تا به امروز با سنگین‌ترین تهدیدات و تهاجمات از سوی دو بلوک غرب و شرق و متحدان آنها رو به رو شده؛ آن گونه که در هیچ یک از انقلاب‌های دیگر شاهد آن نبوده ایم. حال جناب آقای محسن نصیری در کتاب خود درباره این تهاجمات مفصل



بحث کرده که در این جا به برخی از آنها نظری می‌افکنیم: (اقتباس از کتاب «ایران؛ دیروز، امروز، فردا»، ص ۳۰۷ به بعد)

## ۱. تحریف ماهیت

دولت موقت به نخست وزیری مهندس بازرگان که با پیشنهاد شورای انقلاب و حکم حضرت امام (ره) در ۱۶ بهمن ۱۳۵۷ شکل یافت، عملکردی داشت که مورد تأیید مردم و امام (ره) نبود از این رو پس از حدود نه ماه به پایان رسید. حاکمیت کوتاه دولت موقت که در آن لیبرال‌ها قدرت اجرایی کشور را در دست داشتند و - اعضای نهضت آزادی و جبهه ملی نقش اصلی را در آن ایفا می‌نمودند - موقعیتی فراهم نمود که آمریکا با توجه به گرایش فکری این دولت به غرب، برای انحراف و تحریف انقلاب اسلامی در موقعیت مناسبی قرار گیرد.

در این باره لینگن، کاردار سفارت آمریکا در تهران طی نامه‌ای به وزارت امور خارجه آمریکا، سیاست آمریکا را حمایت از «میان‌روها» قلمداد می‌کند. (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۶-۱، ص ۱۷۶).

بر اساس اسناد به دست آمده از لانه جاسوسی (سفارت آمریکا) در تهران، ارتباط این سفارت با «ملی‌گراها» در نهضت آزادی و جبهه ملی به ویژه با تشکیل دولت موقت تشدید می‌شود و حتی بازرگان از رابطه با آمریکا و همکاری با آنها سخن می‌گوید؛ (برگرفته از کتاب: مجتبی سلطانی،

خط سازش؛ نهضت زنان مسلمان، مواضع نهضت آزادی در برابر انقلاب اسلامی) تا جایی که کارتر در خاطراتش می‌نویسد: بازرگان و اعضای کابینه‌اش که اکثراً تحصیل کرده غرب بودند، با ما همکاری داشتند. (جیمی کارتر، ۴۴۴ روز، ص ۲۰).

بنابراین انحراف انقلاب اسلامی توسط دولت موقت و با حمایت و برنامه ریزی آمریکا، از اولین تهدیدات به شمار می‌رفت. با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و به دست آمدن اسناد همکاری آنان با آمریکایی‌ها، دولت موقت بازرگان در ۱۴ آبان ۱۳۵۸ استعفا کرد و این خطر مرتفع گردید.

حضرت امام (ره) در خصوص نهضت آزادی و دولت موقت چنین نوشت: ... پرونده این نهضت و همینطور عملکرد آن در دولت موقت اول انقلاب شهادت می‌دهد که نهضت به اصطلاح آزادی، طرفدار جدی وابستگی کشور ایران به آمریکا است و در این باره از هیچ کوششی فروگذار نکرده است... اگر خدای متعال عنایت نفرموده بود و مدتی در حکومت موقت باقی مانده بودند، ملت‌های مظلوم به ویژه ملت عزیز ما اکنون در زیر چنگال آمریکا و مستشاران او دست و پا می‌زدند و اسلام عزیز چنان سیلی از این ستمکاران می‌خورد که قرن‌ها سر بلند نمی‌کرد ... (روح الله موسوی خمینی (امام)، صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۳۸۴).

## ۲. تجزیه طلبی قومی

یکی از اقدامات غرب به رهبری آمریکا برای آسیب رساندن به انقلاب اسلامی ایجاد جنگ داخلی و تجزیه طلبی قومی در نقاط مختلف کشور از جمله کردستان، آذربایجان، خوزستان، سیستان و بلوچستان، گنبد و ترکمن صحرا بود.

هنوز یک هفته از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که در ۲۷ بهمن ۱۳۵۷ شهر سنندج توسط گروه‌های ضد انقلاب و کمونیستی و حزب دموکرات کردستان اشغال گردید. آنان با کشتار نیروهای ارتشی و مردمی، پادگان‌ها را تصرف کردند و با غارت پادگان مهاباد به جنگ داخلی شدیدی علیه انقلاب اسلامی روی آوردند.

از سویی دیگر، آنها در کردستان «خلق کرد» در خوزستان «خلق عرب»، در گنبد و ترکمن صحرا «خلق ترکمن» و در سیستان و بلوچستان «خلق بلوچ» را مطرح نمودند و با حمایت‌های آمریکا و نیروهای عراقی طرح تجزیه طلبی و خودمختاری را شدت بخشیدند.

در یکی از اسناد به دست آمده از لانه جاسوسی آمریکا با طبقه بندی «سری» اگر کردها، آذربایجانی‌ها، اعراب و سایر گروه‌های قومی تلاش‌های خود را هماهنگ کنند و در جهت مشترک سرنگونی دولت کنونی با یکدیگر همکاری و از یکدیگر حمایت کنند، به عقیده ما آنها امکان موفقیت دارند. (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، کردستان (۱)، ص ۱۵۲).

یکی از افسران اطلاعاتی «سیا» در ۱۳۵۸/۳/۲۹ اظهار می‌دارد: تمام بذرهای یک جنگ داخلی در ایران کاشته شده است... (روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۱۰/۲).

در این راستا حزب دموکرات کردستان به رهبری عبدالرحمن قاسملو در تابستان ۱۳۵۸ برای مبارزه مسلحانه علیه انقلاب اسلامی میلیون‌ها دلار از «ناتو» دریافت می‌دارد. (مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، کودتای نوژه، ص ۴۵).

سناتور جکسون طی مصاحبه‌ای در مهر ۱۳۵۸ می‌گوید: انقلاب ایران محکوم به شکست است و آن کشور در آستانه تجزیه به قطعات کوچک است. (کامران غضنفری، آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۶۳).

به هر روی، این گروه‌های وابسته به بیگانگان نتوانستند به اهداف خود در تجزیه ایران و نابودی انقلاب اسلامی دست یابند. امروز نیز آمریکا در صدد است با تجزیه طلبی و اختلافات قومی دیگر بار بین ملت ایران اختلاف افکند، برای نمونه، شیمون پرز، معاون نخست وزیر و رئیس جمهور کنونی رژیم صهیونیستی در ۱۲ آذر ۱۳۸۵ می‌گوید: ما بی‌ثبات سازی در ایران از طریق توسل به قومیت‌ها را دنبال خواهیم کرد؛ چرا که بهترین طریق برای ما بهره برداری از اختلافات داخلی ایران است که باید از طریق یک پروسه تبلیغاتی و روانی با تکیه بر شبکه‌های فارسی زبان پیگیری شود. (ماهنامه هدایت، تیرماه ۱۳۸۶، ش ۷۱، ص ۳۸).

از این رو گروهک‌هایی تروریستی همانند «حزب دموکراتیک الأهوایه» (به رهبری منصور الأهوایه مقیم انگلیس)، «پژاک» و گروهک «عبدالمالک ریگی» در خوزستان، کردستان، و بلوچستان فعال شده‌اند.

### ۳. تروریسم

حربه «ترور» مسئولان و مردم انقلابی ایران از جمله راه کارهای آسیب رسانی به انقلاب اسلامی از سوی استکبار جهانی و ایادی داخلی آنها به شمار می‌رود.

بدین ترتیب، گروهک‌هایی مانند فرقان، چریک‌های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) با حمایت آمریکا و اروپا افراد مؤثر در انقلاب اسلامی را به شهادت رساندند. ترورها به ترتیب از این قرار بود: ترور تیمسار قره‌نی، رئیس ستاد ارتش در سوم اردیبهشت ۱۳۵۸ توسط گروه تروریستی فرقان، شهادت استاد مطهری در ۱۱ اردیبهشت، سوء قصد به آقای هاشمی رفسنجانی و مجروحیت ایشان در چهارم خرداد ماه، ترور حاج مهدی عراقی و فرزندش در چهارم شهریور، ترور آیت الله قاضی طباطبایی در تبریز و دکتر مفتاح در ۲۷ آذر ۱۳۵۸، ترور شهدای محراب و حضرت آیت الله خامنه‌ای در ششم تیر ۱۳۶۰ و نیز بمب گذاری هفتم تیر ۱۳۶۰ و هشتم شهریور ۱۳۶۰ در حزب جمهوری اسلامی و دفتر نخست وزیری، انفجار بمب در حرم امام رضا (ع) در عاشورای سال ۱۳۷۳ و ترور سپهد صیاد شیرازی و اسدالله لاجوردی که اوج این اقدامات به شمار می‌رود.

شمار این ترورها چنان بی سابقه بود که نشریه فاینشال تایمز پس از واقعه هفتم تیر ۱۳۶۰ نوشت: در تاریخ، چنین واقعه‌ای بسیار مشکل به نظر می‌رسد که در آن بسیاری از رهبران سیاسی در یک زمان به قتل برسند. (اداره تحقیقات و بررسی های سیاسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فاجعه هفتم تیر و امپریالیسم خبری، ص ۶۲).

#### ۴. محاصره اقتصادی

ایران که در سال‌های پایانی رژیم پهلوی بیشترین مبادله اقتصادی را با آمریکا داشت و در اقتصاد کاملاً وابسته به غرب بود، با هدف تسلیم شدن در برابر آمریکا به یکباره در سال ۱۳۵۸ با تحریم اقتصادی وسیعی رو به رو شد که هنوز هم ادامه دارد. (رک: حسین علیخانی، تحریم ایران، شکست یک سیاست).

کارت، رئیس جمهور وقت آمریکا در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۲۳ دستور تحریم اقتصادی ایران را صادر کرد و سپس کشورهای اروپایی مانند انگلستان، کانادا، ژاپن، آلمان و فرانسه نیز به آمریکا پیوستند.

در تحریم اقتصادی نه تنها مبادله کالا و خدمات با ایران لغو شد، بلکه از یک سو اموال و دارایی‌های کشورمان در اروپا و آمریکا مسدود و از دیگر سو خرید نفت از کشورمان نیز قطع گردید.

برژینسکی در تشریح اهداف آمریکا در تحریم اقتصادی ایران می گوید: اعمال تحریم‌ها به قصد افزایش ابزار سلطه ما در مقابله با ایران بود. (زیگنیو برژینسکی، سقوط شاه، جان گروگان‌ها و منافع ملی، ص ۹۱).

این تحریم‌ها که بعدها در دولت‌های ریگان، بوش پدر، کلینتون، بوش پسر و اوباما ادامه داشته، بی‌گمان نه تنها غرب را به هدف خود-در نابودی انقلاب اسلامی- نرسانده و بلکه از دیگر سو زمینه استقلال و خوداتکایی ملت بزرگ ایران را نیز فراهم ساخته است.

پاتریک کلاوسون، تحلیلگر معروف آمریکایی، اهداف اعمال تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران را سرنگونی، تغییر در رفتار نظام و نیز تضعیف توانایی حکومت ایران بر می‌شمرد، اما معترف است این تحریم‌ها دستاورد اندکی در پی داشته است. (پاتریک کلاوسون، تحریم‌های آمریکا علیه ایران، ص ۱۴ و ۴۹).

البته او معتقد است: این تحریم‌ها می‌توانند با افزودن مشکلات اقتصادی، حمایت [مردم] از رژیم روحانی ایران را به تدریج تضعیف نمایند. (همان، ص ۵۰).

## ۵. تهاجم نظامی آمریکا (صحرای طبس)

استکبار جهانی به رهبری آمریکا که در توطئه‌های پیشین خود به اهدافش نرسیده بود و با تصرف لانه جاسوسی در تهران نیز پایگاه توطئه

گری خود را از دست داده بود، بر آن شد تا به بهانه آزاد کردن جاسوسان آمریکایی، با تهاجم نظامی مستقیم نظام جمهوری اسلامی را سرنگون سازد. مایلز کاپلند، از دست اندر کاران سابق دستگاه اطلاعاتی آمریکا و همکار کرمیت روزولت (در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) می گوید: هدف از تهاجم طبس، تنها آزادی گروگان‌ها نبوده، بلکه کودتا برای سرنگونی رژیم ایران هدف اصلی این عملیات بوده است. (جولیتو کیه زا، هدف: تهران؛ تهاجم کارتر و وقایع پشت پرده، ص ۱۳۶).

بنابراین در پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹ با همکاری کشورهایمانند مصر، عربستان، عمان، پاکستان، و ترکیه شش فروند هواپیمای C-۱۳۰ و هشت فروند هلی کوپتر RH-۵۳۰ در صحرای طبس فرود آمدند تا با حدود نود کماندوی مجهز ارتش آمریکا برای تهاجم به تهران آماده شوند. این در حالی بود که عواملی از گروه‌های ضد انقلاب نیز به یاری آنان آمده و در کردستان جنگ داخلی را شدت بخشیده بودند و از سویی عراق در مناطق مرزی نیز تهاجماتی را انجام داد، اما غافل از امداد الهی، که برخلاف پیش بینی دقیق هواشناسی آمریکاییان «طوفان شن» نقشه آنان را خنثی خواهد کرد. در پی برخورد یک هلی کوپتر با هواپیمای C-۱۳۰ و آتش گرفتن آنها و کشته شدن هشت نفر از کماندوهای آمریکایی، آنان از طبس گریختند و بدین رو با تمام قدرت و فناوری در برابر اراده الهی ناکام ماندند. ساعاتی بعد کاخ سفید طی اطلاعیه‌ای رسماً شکست در این عملیات را اعلام کرد و از باقی ماندن اسناد سری در درون هلی کوپترهای به جا مانده



سخن گفت. از این رو به دستور بنی صدر فائتوم‌های ایران به بمباران هلی کوپترهای آمریکایی پرداختند که در اثر این بمباران فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان یزد، محمد منتظر قائم که در محل حادثه حاضر شده بود نیز به شهادت رسید. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، طبس تصدیقی بر سوره فیل: نگرشی بر ماجرای طبس، ص ۲۵).

بعدها آشکار شد افرادی از ارتش و شخص بنی صدر برای مشخص نشدن نقش و ارتباط آنها با آمریکا، به بمباران هلی کوپترهای آمریکایی پرداخته و اسناد سری آمریکا را نابود کرده اند. پس از این شکست بزرگ آمریکا، برژینسکی در کتابش می‌نویسد: اگر این کار با موفقیت انجام می‌شد، آمریکا یک بار دیگر زور بازوی خود را نشان می‌داد؛ چیزی که بیست سال است به آن احتیاج دارد. (زیگنیو برژینسکی، توطئه در ایران، ص ۱۹۷).

## ۶. کودتا

آمریکاییان برای جلوگیری از پیروزی انقلاب اسلامی در دی ماه سال ۱۳۵۷ ژنرال هایزر، جانشین نیروهای ناتو را به تهران فرستادند تا با کودتایی نظامی مانع از پیروزی انقلاب اسلامی شوند که موفق نگردیدند. ژنرال هایزر در کتاب خاطرات خود اظهار می‌دارد که حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، معاون وزیر جنگ آمریکا از او خواسته است برای

کودتایی نظامی به تهران باز گردد. (رابرت هایزر، مأموریت مخفی در تهران، ص ۴۵۳).

آمریکایی‌ها در مهم‌ترین و گسترده‌ترین کودتای خود معروف به «نوزه» توسط فرماندهان و افسران پیشین ارتش و با همکاری عناصری از ساواک، با آماده کردن حدود سی فروند هواپیما، شصت خلبان و حدود پانصد نفر افراد فنی و نظامی بر آن بودند تا در ۱۹ تیر ۱۳۵۹ (۷۵ روز پس از شکست آمریکا در صحرای طبس) با پرواز هواپیماها از فرودگاه‌های مختلف از جمله فرودگاه شهید نوزه همدان، مراکز اصلی نظام را که مهم‌ترین آنها «بیت حضرت امام» بود، بمباران کنند، (مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، کودتای نوزه، ص ۱۵۳) اما ساعاتی قبل از اجرا با دستگیری عوامل کودتا این توطئه خنثی گردید.

آمریکایی‌ها پس از این شکست، چند کودتای ناموفق دیگر را نیز رهبری کردند که مهم‌ترین آنها بدین قرار بود: گروه برانداز «پارس» که مخفف «پاسداران رژیم سلطنتی» بود؛ گروه «نمرا» که از سوی شخصی به نام سرهنگ رضا زاده - که مستقیماً با اسرائیل ارتباط داشت - رهبری می‌شد؛ گروه «نیما» که با سازمان جاسوسی سیا، جبهه ملی و دکتر منوچهر شایگان مستقیماً در ارتباط بود و این افراد حتی کابینه خود را تشکیل داده بودند و نیز گروه «نجات انقلاب ایران» که در فروردین ۱۳۶۱ به رهبری قطب زاده شکل یافت. (همان، ص ۳۸) و از حمایت آیت الله سید کاظم شریعتمداری برخوردار بود. حزب خلق مسلمان با هدایت ایشان در بسیاری از توطئه‌ها

ایفای نقش نمود. (رک : سید حمید روحانی، شریعتمداری در دادگاه تاریخ) که این کودتاها نیز خنثی شد. هم چنین «حزب توده» با حمایت شوروی کودتایی طراحی نمود که در بهمن ۱۳۶۱ خنثی گردید.

## ۷. جنگ تحمیلی

استکبار جهانی با شکست در توطئه‌های خود به ویژه پس از شکست در صحرای طبس و کودتای نوژه، تهاجم سراسری عراق به ایران اسلامی را طراحی کرد که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در طول ۱۲۰۰ کیلومتر مرز ایران و عراق آغاز گردید و هشت سال ناجوانمردانه کشور عزیز ایران را از زمین و هوا مورد حملات دشمنانه خود قرار دادند و چه تلفات عظیم مادی و معنوی به این ملت وارد ساختند که در جای خود مفصلاً باید ساعت‌ها در این باره سخن گفت.

## ۸. تهاجم فرهنگی

با پایان یافتن جنگ تحمیلی و پیروزی قاطع ملت ایران در حماسه دفاع مقدس، استکبار جهانی با قطع امید از کودتا، جنگ، محاصره اقتصادی و جز این‌ها، به راهکار فرهنگی روی آورد.

دیوید کیو، مأمور سازمان C.I.A آمریکا و رابط این سازمان با برخی گروه‌ها و عناصر ضد انقلاب می‌گوید:

مهم‌ترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است؛ ما مصمم به آن هستیم. (مسعود خرم، هویت، ص ۱۸).

شجاع الدین شفا، نویسنده ضد انقلاب خارج از کشور در این باره می‌گوید: ما باید بینش و فرهنگ مردم را عوض کنیم تا جمهوری اسلامی ساقط شود. (همان، ص ۱۹).

بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسبق رژیم صهیونیستی نیز در مجلس نمایندگان آمریکا می‌گوید: من یک بار به رئیس سازمان سیا گفتم بهترین راه ایجاد دگرگونی در ایران، استفاده از تاکتیک‌های استاندارد و معمولی سازمان سیا نیست، بلکه بهترین راه، استفاده از ماهواره‌های بسیار قدرتمندی است که برنامه‌های تلویزیونی هالیوود را به ایران پخش کنند استفاده از این برنامه‌ها بسیار مفید خواهد بود. این گونه برنامه‌ها واژگون‌کننده (Subversive) هستند. (روزنامه کیهان، ۱۳۸۰/۷/۱۵، ص ۲).

همچنین میشل هولباک، نویسنده فرانسوی می‌گوید: نبرد علیه اسلام با کشتن مسلمانان میسر نیست. تنها می‌توان با به فساد کشاندن آنها به پیروزی رسید. باید به جای بمب دامن‌های کوتاه و تعدادی گوشواره فرو بریزیم. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۸/۱۶).

از این رو یکی از انواع آسیب‌هایی که تهدید کننده انقلاب اسلامی ایران و نظام جمهوری اسلامی است، «تهاجم فرهنگی» از سوی استکبار جهانی به رهبری آمریکا است.

بر همین اساس مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۹ به صورت جدی برای هوشیار سازی مسئولان نظام و مردم مسئله «تهاجم فرهنگی» دشمنان را مطرح نمودند و بارها تا به امروز با طرح مباحثی همچون «غارت فرهنگی»، «شیخون فرهنگی»، «قتل عام فرهنگی»، «اندلسی کردن ایران»، «ناتوی فرهنگی» و سرانجام «جنگ نرم» از اهداف و برنامه‌های تهاجم فرهنگی دشمنان پرده برداشته اند. جرالسدگال، مدیر مطالعات انستیتوی بین‌المللی مطالعات استراتژیک لندن چنین می‌گوید: غرب باید به شیوه‌ای که کمونیسم را مهار و آلوده کرد با سایر دشمنان خود عمل کند. آلوده سازی شیوه‌های فراوانی دارد که تجارت با دشمن [و] ایجاد طبقه متوسط غیر سیاسی و بی‌علاقه به سیاست از جمله آنهاست. گسترش طبقه متوسطی که علاقه‌ای به فداکاری برای ایدئولوژی رادیکال ندارد، از راه‌های اصلی آلوده سازی جوامع است. کشورهای اسلامی و آیت‌الله‌ها را باید با ترویج سکس و فرهنگ والت دیسنی در سرزمین‌هایشان به محاصره درآورد... دموکراسی‌ها [= غربی‌ها] چیزی کمتر از تسلیم کامل دشمنان خود را نمی‌پذیرند. (روزنامه کیهان ۱۵ / ۱ / ۱۳۷۷، ص ۱).

یکی از مهم‌ترین محورهای آلوده سازی، فساد عقیدتی و فکری در جامعه ایران است که در این باره ادوارد شرلی، از مقامات سابق سیا و مشاوران فعلی بوش در میزگرد فصلنامه آمریکایی خاورمیانه می‌گوید: کلید اصلی برای ایجاد تغییر بنیادین در سیاست‌های ایران، از بین بردن خصوصیات انقلابی رژیم ایران است. طبیعتاً سیاست فرسوده سازی این رژیم

از لحاظ عقیدتی باید برای ما جذابیت خاصی پیدا کند... اگر نظام ولایت فقیه در ایران از هم پاشد، آن وقت می‌توان پذیرفت که جمهوری اسلامی تغییر ماهیت داده و برقراری رابطه [با آمریکا] ممکن خواهد شد. (همان، ۱۳۷۷/۳/۳۰).

در ادامه این میزگرد، کنت تیمرمن محقق امریکایی نیز می‌گوید: برقراری روابط [ایران و آمریکا] به معنای ختم انقلاب است. زمانی که ستون مبارزه با آمریکا فرو بریزد، کل انقلاب فرو خواهد ریخت. (همان).  
بر همین اساس، در تهاجم فرهنگی دشمن، تاختن به «فرهنگ اصیل اسلامی و اعتقادات دینی، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، خودباوری و هویت ملی - اسلامی»، محور تمام تهاجمات فرهنگی است.

## ۹. جنگ روانی - تبلیغاتی

در کنار دیگر تهدیدات و تهاجمات بویژه «تهاجم فرهنگی» استفاده از «جنگ روانی - تبلیغاتی» در دستور کار صهیونیسم بین الملل و استکبار جهانی به رهبری آمریکا قرار می‌گیرد.  
در جنگ روانی - تبلیغاتی با بهره‌گیری از رسانه‌های قدرتمند و اثرگذار بر افکار عمومی تلاش می‌شود ملتی از لحاظ فکری و اعتقادی از هویت و توانمندی خود چشم‌پوشد و تمایلات و رفتار خود را براساس خواست مراکز قدرت و سلطه شکل دهد.

سناتور گوردن اسمیت در کنفرانس «ایران در هزاره سوم» در دانشگاه استنفورد سانفرانسیسکو با تأکید بر استفاده از «اینترنت» برای تأثیر بر افکار جوانان می‌گوید: در زمان جنگ ویتنام یک ارتشبد آمریکایی را می‌شناختم که می‌گفت اشتباه می‌کنیم که بر سر ویتنامی‌های شمالی بمب می‌ریزیم؛ باید بر سر آنها «کاتالوگ» بریزیم و از طریق ارتباط‌های غیر نظامی در جنگ برنده شویم. (همان، ۱۳۷۹/۲/۱۸، ص ۱۴).

بنابراین جنگ روانی - تبلیغاتی در سال‌های پس از دفاع مقدس به گونه‌ای گسترده تر علیه انقلاب اسلامی و ملت بزرگ ایران به کار رفت و هنوز هم در موضوعاتی گوناگون ادامه دارد که برخی از آنها عبارت است از:

- ۱- اتهام تروریست بودن ایران و حمایت از تروریست‌ها
- ۲- اتهام ساختن سلاح‌های هسته‌ای
- ۳- اتهام نقض حقوق بشر
- ۴- اتهام عدم کارآمدی حکومت اسلامی و ولایت فقیه
- ۵- اتهام ایجاد خلل در روند صلح خاورمیانه (تسلیم و سازش اعراب در مقابل اسرائیل)
- ۶- اتهام تهدید بودن جمهوری اسلامی برای کشورهای منطقه خاورمیانه و خلیج فارس

در این محورها با بهره‌گیری از شایعه، دروغ و تهمت درصددند اقتدار و انسجام ملی و دینی ملت ایران را خدشه دار سازند؛ حال آن که آمریکا،

رژیم صهیونیستی و اروپا خود در رأس کشورهای نقض کننده حقوق بشرند و در انجام عملیات‌های تروریستی و حمایت از تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی جنگ آفرینی علیه ملت‌ها (مانند فلسطین و عراق) و نیز استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و تهدید هسته‌ای دیگر کشورها سرآمدند.

از آن جا که ملت مسلمان ایران توانسته است با قدرت ایمان و محوریت «ولایت فقیه» در پیروزی انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، توسعه علوم و فنون راهبردی همانند «فناوری هسته‌ای» و خنثی سازی تهدیدات و تهاجمات غرب به موفقیت رسد، درصددند این الگوی موفق را خدشه دار کنند و از توانمندی آن بکاهند. از این رو با جنگ روانی علیه کارآمدی حکومت اسلامی و اصل ولایت فقیه به دنبال آسیب رسانی به انقلاب اسلامی اند. استانی روم، معاون رئیس سازمان امنیت ملی آمریکا می‌گوید: آنچه تا کنون همه تحریکات ما را برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران با ناکامی مواجه ساخته است، اعتقاد مردم ایران به ولایت فقیه است. (همان، ۱۳۸۰/۲/۲، ص ۷).

راديو رژيم صهيونيستي مي‌گويد: يك اصل در قانون اساسي ايران هست كه در اين سال‌ها بسيار در دسرساز بود و آن اصل ولایت فقیه است. (حمید رسایی، پایان داستان غم انگیز، ج ۱، ص ۱۳۵).

بنابراین در جنگ روانی و تبلیغاتی با طرح اتهاماتی بر آن اند تا توانمندی، کارآمدی و الگو بودن انقلاب اسلامی را در سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی زیر سؤال برند و مانع از رشد و توسعه ایران اسلامی شوند.



## ۱۰. انحرافات اصلاحات

استکبار جهانی که از تهدیدات خشن خود طرفی نبسته بود، تلاش کرد با ایجاد انحراف در اصلاحات انقلابی و اسلامی ملت ایران، به اهداف شوم خود برسد. پس از برگزاری انتخابات با شکوه دوم خرداد ۱۳۷۶ و آغاز دوران ریاست جمهوری آقای محمد خاتمی، زمینه یک ائتلاف خطرناک بین «کفر جهانی»، «منافق داخلی» و «محارب خارجی» فراهم شد، تا با سوء استفاده از خواست ملت در «اصلاحات انقلابی» آن را به «اصلاحات آمریکایی» بدل کنند و الگوی فروپاشی شوروی را در ایران به اجرا نهند. (رک: حسن واعظی، اصلاحات و فروپاشی).

از این رو با طرح «دموکراسی آمریکایی» به مقابله با نظام اسلامی، قانون اساسی، پیوند دین و سیاست، ولایت فقیه و اندیشه‌های حضرت امام قدس سره پرداختند.

این ائتلاف شوم با بهره‌گیری از راه کارهای کتاب موج سوم دموکراسی اثر ساموئل هانتینگتون، و کتاب «از دیکتاتوری تا دموکراسی» جین شارپ و کتاب «جنگ استراتژی نرم» از رابرت ل. هلوی و دستورالعمل‌های آمریکاییان و حمایت مادی و معنوی آنان تلاش کرد پایه‌های نظام اسلامی را سست نموده، با طرح دموکراسی آمریکایی سکولاریسم، پلورالیسم و لیبرالیسم، به «جمهوری اسلامی»- با محوریت ولایت فقیه- ضربه زند. حال به برخی از اعترافات و دیدگاه‌ها که بیانگر این ائتلاف خطرناک است، می‌پردازیم:

فرخ نگهدار، وابسته به سازمان ضد انقلابی و تروریستی چریک‌های فدایی خلق، در کانون سیاسی- فرهنگی ایرانیان هامبورگ آلمان می‌گوید: ... عام‌ترین وجه اشتراک نیروهای جبهه اصلاحات که از سه مؤلفه لائیک، ملی- مذهبی و دوم خردادی تشکیل شده، دفاع آنها از عناصر جمهوریت و مردم سالاری است... آماج مقاومت باید خود ولایت فقیه باشد و نه یک زیر مجموعه آن. (خبرنامه جمعیت ایثارگران، ۱۳۸۰/۱۱/۷، ش ۶۱).

پاتریک کلاوسون- مدیر تحقیقات در مؤسسه خط مشی نزدیک در واشینگتن- می‌گوید: قدم اولی که دوستان اصلاح طلب ما در ایران باید بردارند، این است که حریم ورود به حصار تفکر دینی را گسترش بدهند... در ایران حکومت دینی باید ساقط شود. قدم اول همان است که گفتم: اصرار بر جدایی دین از سیاست. (روزنامه کیهان، ۱۳۷۹/۴/۱۸، ص ۱۴).

فرد هالیدی، استاد روابط بین الملل دانشگاه لندن و از فعالان سیاسی روابط خارجی انگلیس می‌گوید:

ظهور اصلاح طلبی در ایران وقتی می‌تواند در افق مطلوبی با غرب دست رفاقت بدهد که از سنگلاخ ولایت فقیه بگذرد... (همان).

ریچارد کلمن، سیاستمدار معروف آمریکایی نیز چنین می‌گوید: ظاهراً روزهای تلخ سر در گمی ما با روی کار آمدن اصلاح طلبان سپری می‌شود... ما از این پس باید شاهد فرو ریختن ستون‌های این نظام سرکش و مهار نشدنی باشیم؛ نظامی که در یک قلم، ایالات متحده آمریکا را با این

همه قدرت هسته‌ای و فناوری‌اش به پشت دیواری از تحقیر تارانده است. (همان).

گری سیک، مشاور سابق امنیت ملی آمریکا و مأمور سازمان سیا، پس از بازگشت از سفر به ایران در مصاحبه‌ای می‌گوید: من چگونه خوشحالی خودم را نشان شما ندهم که در ایران موج تازه‌ای به پا شده که مصمم است طومار حکومت اسلامی را به هم پیچد و حکومتی شبیه حکومت ایران در زمان شاه و عربستان سعودی را روی کار بیاورد.... من در ایران روشنفکرانی را دیدم که اشارات ما را دنبال می‌کنند. آنها شش لولی بالا برده اند تا هر کس را و هرچه را که با ما ناسازگار است، هدف قرار دهند...

خبرنگار می‌پرسد؟ مثلاً چه چیز را؟

گری سیک می‌گوید: مثلاً حتی ولایت فقیه را که من فکر می‌کنم در صحرای طبس، تکنولوژی برتر ما را در اراده خود دفن کرد. (همان).

راديو اسرائیل نیز می‌گوید: اصلاح طلبان طعمه خوبی برای رام کردن شیر سرکش جمهوری اسلامی هستند. (نشریه صبح، مهر ۱۳۷۶، ص ۵).

نشریه سلطنت طلب المجوز می‌نویسد: در کارگاه‌هایی چون حزب بعث عراق، سازمان «سیا»ی آمریکا و «موساد» اسرائیل برای حذف اصل «ولایت فقیه» از حکومت ایران تلاش زیادی به عمل آمد، ولی همه این تلاش‌ها با شکست مواجه شد. به همین دلیل، ما به این نتیجه رسیده‌ایم که باید به مقابله تدریجی با نظام جمهوری اسلامی برخیزیم تا آن را نه از راه قیام مسلحانه،

بلکه از راه تشکیل «جامعه مدنی» از میان بر داریم. (نشریه فیضیه، ۱۳۸۰/۲/۳، ص ۴).

بنی صدر در گفتگو با رادیو آمریکا چنین گفت: هواداران اصلاحات باید شعار مردم سالاری را که از سوی برخی اصلاح طلبان داده می شود، دنبال کنند. (هفته نامه پرتو سخن، ۱۳۷۹/۱۱/۲۶، ص ۸).

رضا پهلوی - فرزند شاه معدوم - در اوج حرکت اصلاح طلبان آمریکایی در ایران در کنفرانس مطبوعاتی در آمریکا می گوید: برای هماهنگی و برقراری دموکراسی در ایران، شرایط در داخل کشور تا به این حد آماده نبود... (روزنامه کیهان، ۱۳۷۸/۹/۱۷، ص ۱۴).

هنری پرکت، مسئول سابق کرسی ایران در وزارت خارجه آمریکا اظهار می دارد:

اگر موجی که در مطبوعات اصلاح طلب ایران با تزامنان ارتباط با آمریکا شروع شد - و حالا به تردید در اساسی ترین وجوه انقلاب اسلامی مشغول است - بتواند از حریم روحانیت عبور کند و از آن طریق، ولایت فقیه را بر کشتی تردید سوار کند، بار سنگینی از دوش آمریکا برداشته خواهد شد. (نشریه صبح، ۱۳۷۹/۱۱/۱۵، ص ۳).

حسین لاجوردی از فعالان ضد انقلاب خارج نشین در سال ۱۳۷۴ در پایان کنفرانس لندن می گوید:

اولاً نقش مذهب در ایران باید کم رنگ شود. البته این هدف صرفاً با استفاده از روش های فرهنگی قابل تحقق است. ثانیاً فراموش نکنیم تز جدایی

دین از سیاست همواره از اصول مبارزه ما با نظام است. ضمناً توجه کنید که عامل ناتوانی و عدم رشد و موفقیت ما در داخل کشور ولایت فقیه است و در مجموع برای مبارزه با جمهوری اسلامی ضمن آن که یاری گرفتن از قدرت‌های خارجی نباید فراموش شود، گروه‌های مخالف نظام باید براساس طرفداری از حکومتی ملی گرا- در قالب ایجاد دموکراسی و جامعه مدنی و مقابله و مخالفت با قدرت مذهبی و اسلامی- با هم همکاری کنند. (مسعود خرم، هویت، ص ۱۳۷).

در این باره جوزف بایدن، رئیس کمیته روابط خارجی سنا اعلام می‌دارد: دولت بوش باید به تمامی سازمان‌های غیر دولتی آمریکایی اجازه بدهد که به گروه‌های ایرانی مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، فرهنگی و خواهان دموکراسی کمک مالی کنند. (روزنامه کیهان، ۱۳۸۰/۱۲/۲۵).

همچنین سناتور تامس داشل، رهبر فراکسیون اکثریت در کنگره آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می‌گوید:

ایالات متحده باید فشارهایش را زیاد کند تا اصلاح طلبان ایران بتوانند مردم را بترسانند و خواسته‌های ما را تبلیغ کنند... ایالات متحده در این راستا، هم باید تهدید کند و هم راه را برای مذاکره باز کند و البته انجام مذاکره را هم به اعلام برائت ایرانی‌های مذاکره کننده از حکومت دینی و ولایت فقیه باید مشروط کرد. (روزنامه رسالت، ۱۳۸۱/۲/۲۹، ص ۱۳).

این جریان پرخطر داخلی که با حمایت و بودجه آمریکایی‌ها و اروپائیان هدایت می‌شود، اقداماتی برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران انجام داد که

حتی جناب آقای محمد خاتمی در آخرین دیدار خود با دانشجویان در شانزدهم آذر ۱۳۸۳ در دانشگاه تهران گفت: از اردوگاه اصلاح طلبان صدای دشمن را می شنوم. (رک: روزنامه کیهان، ۱۳۷۹/۴/۲۵ تا ۱۳۷۹/۵/۱ و ۱۳۸۰/۲/۱۰).

## نقشه راه در مقابله با جنگ نرم

**دانشجو:** لطفاً بفرمایید مهمترین و کلیدی ترین نکته‌ای که ما باید آن را نقشه‌ی راه خود قرار بدهیم تا در این جنگ نرم دچار لغزش و احياناً سقوط نشویم چیست؟

**استاد:**

من باز از بیانات حضرت آقا استفاده کنم که فرمودند قطب نمای راه شما بصیرت است، بصیرت.

بصیرت مسأله‌ای است که در آموزه‌های دینی ما خیلی بر آن تأکید شده و امام هم در مقاطع مختلف به این موضوع اشاراتی دارد، مقام معظم رهبری هم پس از جریانات اخیر به خصوص در چند سخنرانی این موضوع را مطرح فرمودند:

- ۱- در تنفیذ ریاست جمهور دهم، ۱۳۸۸/۵/۱۲
- ۲- در جمع سپاه حفاظت ولی امر، ۱۳۸۸/۵/۲۱
- ۳- در جمع اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲
- ۴- در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵

اخیراً دیدم فصلنامه سیاسی علمی میثاق مقاله‌ای را از جناب آقای حسین عبداللهی فر پیرامون بصیرت به چاپ رسانده، با هم این مقاله را مرور کنیم مفید است: بصیرت در لغت:

بصیرت واژه‌ای است عربی از ریشه بصر به معنای بینایی بدون ابزارهای حسی که از صفات خدای متعال است.

بصیرت به معنای بینایی دل است، عقل و زیرکی و علم و حجت و دلیل را هم که از معانی بصیرت بر شمرده اند از آن جهت است که موجب معرفت و درک و بینایی قلب می‌شوند. (قاموس القرآن).

بصیرت را به معنای روشن بینی، روشن دلی، درک عمیق، بینش، بینایی، دانایی، زیرکی و هوشیاری و چراغ راه و قطب نمای جهت حرکت نیز دانسته اند.

بصیرت یکی از صفات انسانی است که به ضمیر و دل او مربوط می‌شود. اگر بصیرت کامل گردد کمال انسانی و سعادت او را به دنبال دارد و به او کمک می‌کند تا در خط ولایت در برابر دشمن در صف حق و دارای تحلیل صحیح از اوضاع پیرامونی خویش گردد.

بصیرت، چشم بینای دل و نورافکن برای تشخیص راه درست از نادرست و تشخیص حق از باطل است. (علی سعیدی شاهرودی، حاکمیت دینی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۰).

## بصیرت در اندیشه سیاسی

بصیرت در اندیشه سیاسی معادل «بینش» به کار رفته و به الهاماتی اطلاق می‌شود که رفتار آدمی را تبیین می‌کند. لذا بصیرت را از لحاظ علمی عبارت از درک حقایق دانسته‌اند که از طریق دریافت واقعیات به دست آمده و انسان را از ظواهر به اعماق و باطن رهنمون می‌سازد.

دانش بشر که از راه حواس و عقل حاصل می‌گردد انسان را به کشف واقعیات (آن چه که هست) رهنمون می‌سازد، اما راه دستیابی به حقایق (شامل آنچه که باید باشد) بینش انسان هاست. از آنجا که دانش انسان و روش‌های رسیدن به آن محدود است و انسان را ناگزیر به پذیرش واقعیات می‌نماید، این بینش آدمی است که به او روش‌ها و منزلگاه شرایط مطلوب (حقیقت) را نشان می‌دهد.

بینش سیاسی بر دانش و روش در سیاست مقدم است، زیرا این بینش است که معیار و ملاک انتخاب موضوعات مورد تفکر پژوهشگر و روش مناسب درست اندیشیدن را به او یاد می‌دهد.

بینش بر دانش و روش سیاسی مقدم است و بدون داشتن بینش منسجم و هدفمند، کوشش برای شناخت و تبیین پدیده‌ها و فراگردهای سیاسی بی‌ثمر می‌باشد.

کسب دانش سیاسی بدون ارتقای بینش سیاسی برای فهم پدیده‌های سیاسی و اجتماعی کافی نیست و فایده‌چندانی در بر ندارد، زیرا دانش مستمراً در حال تحول است در حالی که بینش ظرفیت و قالب انسجام



یافته‌ای دارد که ترجیحات و گرایش‌ها و ارزش‌های هر فرد را مشخص می‌کند.

روش‌ها مسیر درست اندیشیدن را به ما نشان می‌دهند ولی این بینش است که منظور غایی از برآوردن فکر را ترسیم و تعیین می‌کند.

پرورش بینش برای شناخت ارزش‌ها و گزینش روش برای درک واقعیت‌ها بر هر امری ارجح است. (کاظمی، سید علی اصغر، روش و بینش در سیاست، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ سوم، ۱۳۸۶، مقدمه).

بینش انسان به او کمک می‌کند تا واقعیات جهان را پذیرفته اما تسلیم آن نشود و به جای برخورد جبری گرایانه به توانمندی بشر در تغییر شرایط از بود به مطلوب بیندیشد.

البته انسان‌ها در بینش خود یکسان دیده نمی‌شوند برخی سطحی‌نگر و ظاهر بین، خودبین و کوتاه نظر و اسیر تعصبات جزمی و در مقابل عده‌ای جهان بین و دوراندیش هستند.

بینش نیز چون دانش برای تکوین مراحل دارد. مرحله اول بینش همان غرائز و احساسات و قوه عقلانی است. بینش در مرحله دوم متأثر از معرفت علمی و برداشت‌های دینی است. و در مرحله سوم آدمی را به کمال می‌رساند، و دارنده خود را که «انسان کامل» نام دارد به نقطه‌ای می‌رساند که می‌بیند آن چه را که دیگران می‌دانند.

بر این اساس از منظر علم میان دانش و بینش رابطه علی و معلولی وجود دارد چنان چه می توان گفت: «دانش مولد بینش است و بصیرت مولود آگاهی و دانستن».

### ۱. بصیرت کیست؟

از این رو، بصیر و انسان با بصیرت کسی است که خوب می شنود، سپس خوب تفکر می کند، سپس باز خوب می نگرد، از عبرت ها پند می گیرد، راه روشن را پیدا می کند و روشنگری می کند، در خط ولایت می ماند و حمایت می کند، در فتنه ها دچار تشخیص غلط نمی گردد، با سکوت خویش به قربانی شدن حق تن نمی دهد، حق را می گوید ولو آن که به زیانش باشد، سخن حق را تحریف نمی کند، از این که سخن حق را بگوید نمی هراسد، مدافع عدالت می گردد و آن را پاس می دارد و خواستار اجرای عدالت می شود.

### ۲. بصیرت در اسلام

در قرآن کریم خداوند عالم کلمه «بصیر» را در مقابل «نابینا» قرار داده و در سوره های رعد، انعام، فاطر، غافر و هود در قالب استفهام، مساوی دانستن بینا و نابینا (الاعمی و البصیر) را رد فرموده است.

«قل هل یستوی الاعمی و البصیرام هل یستوی الظلمات و النور» «و ما یستوی الاعمی و البصیر».

انسان‌هایی که بی‌بصیرتند به تعبیر قرآن از چهار پایان گمراه ترند چنانچه در سوره اعراف آمده است:

«ولقد ذرانا لجهنم کثیرا من الجن و الانس لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم اعین لا یتصرون بها و لهم اذان لا یسمعون بها اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون». (آیه ۱۷۹)

خداوند سبحان از پیامبرش نیز خواسته که بگوید روش من دعوت از روی بصیرت است. آن جا که می‌فرماید: «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی و سبحان الله و ما انا من المشرکین» (یوسف / ۱۰۸)

بصیرت در قرآن کریم به صورت‌های مختلف و معانی دیگری نیز به کار رفته و در آیات متعددی آمده است:

۱. «قد جاء کم بصائر من ربکم فمن ابصر فلنفسه و من عمی فاعلیها و ما انا علیکم بحفیظ». (انعام / ۱۰۴)

۲. «هذا بصائر للناس و هدی و رحمه لقوم یوقنون». (جاثیه / ۲۰)

۳. «ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون». (اعراف / ۲۰۱)

۴. «... ان فی ذلک لعبره لاولی الابصار». (آل عمران / ۱۳)

۵. «فاعتبروا یا اولی الابصار». (حشر / ۲)

از نگاه خاتم انبیا (ص) ناینای واقعی کسی است که بصیرت نداشته باشد. چنان چه فرمود: «لیس الاعمی من یمعی بصره انما الاعمی من تعمی

بصیرته» کور کسی نیست که چمشش نابینا باشد، کور کسی است که بصیرت نداشته باشد.

حضرت رسول اکرم (ص) درباره راه کسب بصیرت فرمودند: «هر که از دنیا بگذرد خدایش بدون تعلم علم آموزد و بصیرت دهد». (نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)، ص ۷۶۶).

و حسین بن خالد در یک حدیث از حضرت رسول (ص) روایت می کند که فرمودند: «ملعون است کسی که دیده بصیرت ندارد».

از وصایای رسول اکرم (ص) به ابی ذر رضی الله عنه آمده است: «یا اباذر، چون خداوند خواهد به بنده ای نیکی کند و خیر و سعادت را نصیب او گرداند به وی بصیرت در دین و زهد در دنیا و آگاهی به عیوب خویش عطا کند». (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ترجمه غفاری، ج ۲، ص ۲۷).

و آن امامی که به تعبیر مقام معظم رهبری ماندن در خط او بصیرت بسیار بالایی نیاز داشت؛ از دست دادن چشم را قابل تحملتر از بصیرت می دانست و می فرمود: «فقد البصر اهون من فقد البصیره» تحمل از دست دادن چشم به مراتب آسانتر از دست دادن بصیرت است.

وصی رسول خدا (ص) امیرمؤمنان امام علی (ع) خود تأکید داشت: «لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر و العلم بمواضع الحق» ماندن در کنار حق، بصیرت و صبر می خواهد.

چنان چه ماندن در کنار حسین بن علی (ع) در روز عاشورا بصیرت نافذ می طلبد. علی بن الحسین امام سجاد (ع) راز وفاداری عمویش حضرت

ابوالفضل (ع) را بصیرت نافذ ذکر نموده و می‌فرماید: «ان عمی العباس کان نافذ البصیره» عمویم عباس دارای بصیرت نافذ بود.

امام باقر (ع) در خصوص جایگاه رفیع بصیرت می‌فرماید: کمال و تمام کمال است تفقه و بصیرت پیدا کردن در دین، و صبر کردن در مصیبت و کار دشوار، و اندازه آوردن امر معیشت. و در جایی دیگر فرمودند: «کور نیست مگر آن کس که کوردل باشد. همانا چشم ظاهر نیست که دچار کوری می‌شود بلکه آن دل‌هایی که در سینه‌ها است از بصیرت کور می‌گردد». (همان مدرک، ج ۶، ص ۳۵۰).

امام صادق (ع) نیز پیامدهای بی‌بصیرتی را گوشزد فرموده و او را گم‌گشته راهی می‌داند که از مسیر منحرف گردیده و برخلاف مقصد پیش می‌رود. چنان‌چه در اصول کافی از قول ایشان درباره خطر عدم بصیرت آمده است: «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر الطریق و لا یزیده سرعه السیر من الطریق الا بعداً» آن کس که بدون بصیرت عمل می‌کند، هم‌چون کسی است که بر راه درست پیش نمی‌رود، این است که هر چه تندتر برود از مقصود دورتر می‌شود. (کلینی، اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج ۱، ص ۲۸۳).

امام متقیان که از نه‌سالگی با بصیرت اسلام اختیار کرد و از بی‌بصیرتان روزگار خویش رنج‌های فراوان برد، در اوصاف اهل بصیرت بیانات نغزی دارد که به چند نمونه آن اشاره می‌گردد:

۱. «زاهدان گروهی از مردم دنیایند که دنیا پرست نمی‌باشند، پس در دنیا زندگی می‌کنند، اما آلودگی دنیا پرستان را ندارند، در دنیا با آگاهی و

بصیرت عمل می‌کنند، و در ترک زشتی‌ها از همه پیشی می‌گیرند، بدن هایشان به گونه‌ای در تلاش و حرکت است که گویا میان مردم آخرتند، اهل دنیا را می‌نگرند که مرگ بدن‌ها را بزرگ می‌شمارند، اما آنها مرگ دل‌های زندگان را بزرگتر می‌دانند». (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۶۹۷).

۲. «چگونه خانه دنیا را توصیف کنم که ابتدای آن سختی و مشقت و پایان آن نابودی است؟ در حلال دنیا حساب و در حرام آن عذاب است. کسی که ثروتمند گردد فریب می‌خورد، و آن کس که نیازمند باشد اندوهناک است، و تلاش کننده دنیا به آن نرسد، و به رها کننده آن، روی آورد. کسی که با چشم بصیرت به آن بنگرد او را آگاهی بخشد، و آن کس که چشم به دنیا دوزد کور دلش می‌کند». (همان مدرک، ص ۴۶۹).

۳. «مردمی بودند در دنیا که نمی‌دانستند دنیا چیست، در آن چون کسی به سر بردند که از مردم دنیا نیست. کار از روی بصیرت کردند و در آنچه از آن پرهیزشان باید سبقت جستند. تن هایشان - این جا به کوشش است لیکن به حقیقت - میان مردم آخرت در گردش است. مردم دنیا را می‌بینند که مرگ تن هایشان را بزرگ می‌پندارند، اما آنان مرگ دل‌های زندگان را بزرگتر می‌شمارند». (نهج البلاغه، ترجمه ی شهیدی، از نامه آن حضرت است به معاویه ص ۳۰۸).

### ۳. بصیرت از منظر امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) که به تعبیر مقام معظم رهبری خود به معنای واقعی بصیر بود و «بصیرتی داشت که خیلی چیزهایی که ماها حتی گاهی با دقت

نمی‌دیدیم او آنها را در نگاه عادی مشاهده می‌کرد، حرف‌های او برخاسته از چنین دلی و چنان حکمتی بود». (رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۴/۹/۱۳۶۹).

تفاوت انسان با حیوان را به بصیرت دانسته و می‌فرماید: «انسان با روح انسان است، با بصیرت انسان است. ما همه با همه حیوانات شرکت داریم در این که گوش داریم، چشم داریم، پا داریم و ما دست داریم چه، اما این مناط و انسانیت نیست، آنی که انسان را از همه موجودات جدا می‌کند، از همه موجودات طبیعی جدا می‌کند، آن قلب انسان است، آن بصیرت انسان است. شما بصیرت داشته باشید، انسانید. اگر بصیرت نداشته باشد، ابوجهل چشم داشت اما انسان نبود، بعضی از انبیا هم چشم نداشتند و نبی بودند. میزان در انسانیت، معنویت انسان است». (صحیفه نور، ج ۸، صفحه ۳۴، تاریخ ۵۸/۴/۱۴).

آن امام همام (ره) با تأکید بر بصیرت قلبی آدمی، «سعادت» انسان را در گرو بصیرت او معرفی نموده و تصریح داشتند: «این معنا را باید بدانید که انسان به روح انسان است، انسان به بصیرت، بصیرت قلبی انسان است. این آلات ظاهری، آلاتی است که وسیله است و این‌ها از بین رفتنی است. آن چه باقی می‌ماند روح انسان است و آن چه در انسان سعادت را ایجاد می‌کند بصیرت انسان است. و من امیدوارم که شماها بصیرت به طور کامل داشته باشید و خدای تبارک و تعالی به شما توفیق و سعادت عنایت کند». (صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۸، تاریخ ۵۸/۷/۲۸).

از نگاه آن بزرگ مردی که با بصیرت والای خویش دشمنان اسلام را به خاک مذلت نشانده است تنها راه شناخت دشمن دید با بصیرت است: «من باز می گویم همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی تان- به خیال خام خودشان- بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور، همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه ای آرامتان نمی گذارند». (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۰۹، تاریخ سخنرانی ۶۸/۱/۲).

بنیان گذار نظام جمهوری اسلامی که با بصیرت نافذ خویش توانست با فتنه های بزرگی چون فتنه لیبرال ها، فتنه گروهک خلق مسلمان، فتنه منافقین، فتنه بنی صدر، فتنه مهدی هاشمی و ده ها توطئه داخلی و خارجی در کنار جنگ تحمیلی و تهدیدات نظامی و تحریم های اقتصادی و جنگ روانی و فشارهای سیاسی مقابله نماید، ادامه این فتنه چینی ها علیه نظام را پیش بینی نموده و با تأکید بر این که دشمنان انقلاب برای پنجاه سال آینده نقشه می کشند، می فرمود: «انشاء الله ملت عزیز ما با بصیرت و هشیاری جواب همه فتنه ها را خواهد داد». (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۴۱، تاریخ ۶۷/۴/۲۹).

آن صاحب بصیرت عمیق، بصیرت را امری خدادادی می دانست و آن را وسیله ای جهت شناخت صلاح و فساد ملت معرفی می نمود. آنجا که می فرمود: «تمام قلوب و تمام ابصار و بصیرت ها در دست خدای تبارک و تعالی و ید قدرت اوست. اوست که تدبیر می کند جهان را، لیل و نهار را و



اوست که قلوب را متحول می‌کند و بصیرت‌ها را روشن می‌کند و اوست که حالات انسان را متحول می‌کند و ما آن را در ملت عزیز خودمان، در زن و مرد، در کوچک و بزرگ یافتیم. این تقلیب قلوب که قلب‌ها از آمال دنیوی و از چیزهایی که در طبیعت است بریده بشود و به حق تعالی پیوسته بشود و بصیرت‌ها روشن بشود و صلاح و فساد خودشان را به وسیله بصیرت بفهمند». (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۸۷، تاریخ ۶۱/۱/۱).

بصیرت از منظر امام راحل (ره) به عنوان مجتهد تراز اول دنیای اسلام از چنان جایگاه رفیع و ضرورتی انکار ناپذیر برخوردار بود که برخورداری از آنرا برای مجتهدین جامع الشرایط نیز لازم می‌شمرد:

«برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسایل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم. آشنایی به روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قلب سرمایه داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است». (صحیفه نور، ج ۲۱، تاریخ ۶۷/۱۲/۳).

#### ۴. بصیرت از منظر مقام معظم رهبری

##### الف - ضرورت‌های بصیرت

مقام معظم رهبری در بیان ضرورت و لزوم بصیرت به ویژه بصیرت سیاسی، ریشه تمام مشکلات بشر را «بی بصیرتی» دانسته و خطاب به دانشجویان و دانش آموزان می‌فرماید:

«عزیزان من! تمام مشکلاتی که برای افراد یا اجتماعات بشر پیش می‌آید، بر اثر یکی از این دو است، یا عدم بصیرت، یا عدم صبر، یا دچار غفلت می‌شوند، واقعیت‌ها را تشخیص نمی‌دهند، حقایق‌ها را نمی‌فهمند یا با وجود فهمیدن واقعیات از ایستادگی خسته می‌شوند». (در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت سیزدهم آبان ۱۳۷۷/۸/۱۲).

بصیرت در دیدگاه رهبر معظم انقلاب تا بدان اندازه از جایگاهی رفیع برخوردار است که خطاب به پاسداران بیت خویش به عنوان افراد مورد علاقه خویش می‌فرماید:

«اگر من بخواهم یک توصیه به شما بکنم، آن توصیه این خواهد بود که بصیرت خودتان را زیاد کند؛ بصیرت. بلاهایی که بر ملت‌ها وارد می‌شود، در بسیاری از موارد بر اثر بی‌بصیرتی است». (مقام معظم رهبری در جمع سپاه حفاظت ولی امر ۱۳۸۸/۵/۲۱).

دلیل تأکید معظم له بر کسب بصیرت این است که از نظر ایشان انسان‌های بی‌بصیرت زود فریب می‌خورند و چون فریب می‌خورند حتی اگر آدم‌های دلسوزی هم باشند آب به آسیاب دشمن می‌ریزند. (سخنرانی در مراسم دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۰/۳/۱۴).

دلیل دیگری که سبب دغدغه ایشان نسبت به ضعف بصیرت در خواص می‌باشد بروز بد رفتاری‌هایی است که نمونه‌هایی از آن را در حوادث پس از انتخابات ۸۸ شاهد بودیم. معظم له در این خصوص فرمودند:

«باید بصیرت داشت. آن چه که انسان از نخبگان جامعه و جریانات سیاسی و گروه‌های سیاسی انتظار دارد، این است که با این حوادث با این خطوط دشمن با بصیرت مواجه بشوند، با بصیرت. اگر بصیرت وجود داشت و عزم مقابله وجود داشت، خیلی از رفتارهای ما ممکن است تغییر پیدا بکند؛ آن وقت وضعیت بهتر خواهد بود. بعضی از کارها از روی بی‌بصیرتی است.» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خیرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲).

از عارضه‌های بی‌بصیرتی که برای بیان ضرورت بصیرت مورد تأکید رهبر معظم انقلاب قرار گرفته این است که آدم‌های کم بصیرت برای رسیدن به مقاصد خویش به تفرقه افکنی در جامعه اسلامی می‌پردازند. لذا خطاب به نیروهای انقلاب می‌فرمایند: «نگذارید به بهانه‌های گوناگون، آدم‌های کم بصیرت، یا کم صبر، یا خودخواه یا بی‌توجه به مصالح عمومی مردم، میان صفوف مستحکم شما فاصله بیندازند و شما را نسبت به یکدیگر یا نسبت به مسئولان دل چرکین و نگران کنند. آگاه باشید و بدانید که این راه به هدف خواهد رسید، چون راه پیامبران و راه اوصیا و آرزوی مؤمنان صالح در طول همه زمان‌های گذشته است. ملت‌های دیگر به شما نگاه می‌کنند و می‌خواهند از شما بیاموزند.» (سخنرانی در مراسم دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۰/۳/۱۴).

موضع گیری برخی نخبگان به نفع دشمن مورد بسیار مهم دیگری است که رهبر معظم انقلاب در بیان عوارض بی بصیرتی مورد اشاره قرار داده و می فرمایند: «بنابراین بصیرت مهم است نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان در دیگران به وجود بیاورند، آدم گاهی می بیند که متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی بصیرتی اند، نمی فهمند، اصلاً ملتفت نیستند. یک حرفی یکهو به نفع دشمن می پرانند، به نفع جبهه‌ای که همتش نابودی بنای جمهوری اسلامی است به نحوی. نخبه هم هستند، خواص هم هستند آدم‌های بدی هم نیستند، نیت بدی هم ندارند اما این است دیگر، بی بصیرتی است دیگر». (مقام معظم رهبری در جمع سپاه حفاظت ولی امر، ۱۳۸۸/۵/۲۵).

از همین رو، از منظر مقام معظم رهبری «بی بصیرت‌ها» به جهت این که فریب می‌خورند در جبهه دشمن قرار می‌گیرند چنانچه می‌فرماید: «عاشورا پیام‌ها و درس‌هایی دارد. عاشورا درس می‌دهد که برای حفظ دین، باید فداکاری کرد... درس می‌دهد که در ماجرای دفاع از دین، از همه چیز بیشتر، برای انسان، بصیرت لازم است. بی بصیرت‌ها فریب می‌خورند. بی بصیرت‌ها در جبهه‌ی باطل قرار می‌گیرند، بدون این که خود بدانند. هم چنان که در جبهه‌ی ابن زیاد، کسانی بودند که از فسّاق و فجّار نبودند، ولی از بی بصیرت‌ها بودند». (در دیدار فرماندهان گردانهای عاشورای نیروهای مقاومت در سالروز شهادت امام سجاد(ع) ۱۳۷۱/۴/۲۲).

و این البته تنها نمونه‌هایی از عوارض منفی عدم بصیرت است و از نگاه معظم له بسیاری از خطاهای نخبگان بر اثر بی‌بصیرتی است. چنان چه تصریح می‌کنند: «خطاهایی که بعضی از افراد می‌کنند - می‌بینید در جامعه‌ی خودمان هم گاهی بعضی از عامه‌ی مردم و بیشتر از نخبگان، خطاهایی می‌کنند نخبگان که حالا انتظار هست که کمتر خطا کنند، گاهی خطاهایشان اگر کم‌تر باشد، کیفیاً بیشتر از خطاهای عامه‌ی مردم است - بر اثر بی‌بصیرتی است؛ خیلی هایش، نمی‌گوئیم همه اش». (همان).

بر همین اساس از نگاه ایشان هر چه مقام بالاتر باشد بصیرت بیشتری لازم است، لذا بر تقویت بصیرت و آگاهی توصیه کرده و می‌فرمایند: «بصیرت و علم به زمان و استفاده از موقعیت‌ها برای هر عالمی - چه اعلم العلما باشد، و چه کسی که در یک محله احکام دین را به چند نفر تعلیم می‌دهد - ضروری است، منتهی هر چه مقام بالاتر باشد، آگاهی‌های بیشتر و وسیع‌تری مورد لزوم است. باید آگاهی و بصیرت را در خود تقویت کنیم». (سخنرانی در مراسم بیعت مدرسان، فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد، ۲۰/۴/۱۳۶۸).

## ب - کارکردهای بصیرت

کارکردهای بصیرت در ابعاد فردی و جمعی و در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی به اندازه‌ای متعدد و فراوان می‌باشد که اشاره به همه آنها در این مقال نمی‌گنجد، لکن ذیلاً برخی از موارد مهم آن را مرور می‌کنیم:

### برای ماندن در خط ولایت

«آنهايي که دور و بر اميرالمومنين بودند و ايستادند و جنگيدند، خيلي بصيرت به خرج دادند، که بنده بارها از اميرالمومنين نقل کرده ام که فرمود: لا يحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر. در درجه اول، بصيرت لازم است. معلوم است که با وجود چنين درگيريهايي مشکلات اميرالمومنين چگونه بود. يا آن کج رفتارهايي که با تکیه بر ادعای اسلام، با اميرالمومنين می جنگيدند و حرفهای غلط می زدند.» (خطبه های مقام معظم رهبری در نماز جمعه تهران، ۱۳۷۷/۱۰/۱۸).

### برای حرکت در زندگی پیچیده‌ی اجتماعی امروز

«در زندگی پیچیده‌ی اجتماعی امروز، بدون بصيرت نمی شود حرکت کرد. جوان‌ها باید فکر کنند، ببیندیشند، بصيرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه‌ی ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله‌ی بصيرت اهمیت بدهند؛ بصيرت در هدف، بصيرت در وسیله، بصيرت در شناخت دشمن، بصيرت در شناخت موانع راه، بصيرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع؛ این بصيرت‌ها لازم است.» (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵).

### جهت شناخت دوست و دشمن در شرایط فتنه

«بصيرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید. من مکرر این جمله‌ی اميرالمومنين را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که

فرمود: «الا و لا يحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر» می‌دانید، سختی پرچم امیرالمومنین از پرچم پیغمبر از جهاتی بیشتر بود، چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمومنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند». (مقام معظم رهبری در جمع سپاه حفاظت ولی امر، ۸۸/۵/۲۱).

### شناخت طرف مقابل خودتان

«وقتی بصیرت بود، آن وقت شما می‌دانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان بر می‌دارید. یک روز شما می‌خواهید تو خیابان قدم بزنید، خوب، با لباس معمولی، با یک دمپایی هم می‌شود رفت تو خیابان قدم زد، اما یک روز می‌خواهید بروید قله‌ی دماوند را فتح کنید او دیگر تجهیزات خودش را می‌خواهد. بصیرت یعنی این که بدانید چه می‌خواهید، تا بدانید چه باید با خودتان داشته باشید». (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵).

### برای جلوگیری از ضربه دشمن

«این تجربه بایستی برای ما - همه‌ی ما، همه‌ی آحاد مردم - تجربه‌ی هشدار دهنده‌ای باشد. اگر ما در صحنه‌ی زندگی سیاسی و اجتماعی به همدیگر بدبین باشیم، به چشم دشمن به یکدیگر نگاه کنیم، این فرصت برای دشمنان حقیقی ما پیش خواهد آمد. اگر فکر نکنیم، اگر بصیرت نداشته باشیم، اگر فراموش کنیم که دشمنانی در کمین انقلابند، ضربه

خواهیم خورد، این برای ما تجربه شد». (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم تنفیذ رئیس جمهور دهم، ۸۸/۵/۱۲).

## برای جلوگیری از مشتبه شدن حق و باطل

«جوانان عزیز! هر چه می‌توانید در افزایش بصیرت خود، در عمق بخشیدن به بصیرت خود تلاش کنید و نگذارید دشمنان از بی‌بصیرتی ما استفاده کنند؛ دشمن به شکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت. امیرالمومنین در یک خطبه‌ای از جمله‌ی مهمترین مشکلات جامعه همین را می‌شمارد: «انما بدء الوقوع الفتن اهواء تتبع و احکام تبتدع یخالف فیها کتاب الله». در همین خطبه، امیرالمومنین می‌فرماید: اگر حق به طور واضح در مقابل مردم آشکار و ظاهر بشود، کسی نمی‌تواند زبان علیه حق باز کند. اگر باطل هم خودش را به طور آشکار نشان بدهد، مردم به سمت باطل نخواهند رفت. «ولکن یؤخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فیمزجان». آن کسانی که مردم را می‌خواهند گمراه بکنند، باطل را به صورت خالص نمی‌آورند، باطل و حق را آمیخته می‌کنند، ممزوج می‌کنند، آن وقت نتیجه این می‌شود که «فهنالک یتولی الشیطان علی اولیائه»؛ حق، برای طرفداران حق هم مشتبه می‌شود. این است که بصیرت می‌شود اولین وظیفه‌ی ما. نگذاریم حق و باطل مشتبه بشود». (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵).

## برای شناخت عوام از خواص



«ای بسا کسانی که تحصیلات عالیه هم کردند و جزو عوامند. ای بسا کسانی که تحصیلات دینی هم کردند و جزو عوامند. ای بسا کسانی که فقیرند یا غنی اند و جزو عوامند. عوام بودن، دست من و شماست. باید مواظب باشیم عوام نباشیم، یعنی هر کاری می‌کنیم از روی بصیرت باشد. آن کسی که از روی بصیرت کار نمی‌کند عوام است. لذا می‌بینید قرآن، درباره پیغمبر می‌فرماید «ادعوا الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی یعنی من و پیروانم با بصیرت عمل می‌کنیم و دعوت می‌کنیم و پیش می‌رویم.» پس اول ببینید جزو آن گروه عوامید یا نه اگر جزو گروه عوامید، به سرعت خودتان را از گروه عوام خارج کنید. سعی کنید قدرت تحلیل پیدا کنید، تشخیص بدهید، معرفت پیدا کنید.»

در گروه خواص هم ببینیم ما جزو خواص طرفدار حقیم یا خواص طرفدار باطل، قضیه اینجا روشن است. خواص جامعه ما، جزو خواص طرفدار حقند. (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله سپاه پاسداران، ۷۵/۳/۲۰).

### کند سازی همه‌ی تیغهای دشمن

اینی که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده‌ام، به خاطر این است که یک ملتی که بصیرت دارد، مجموعه‌ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم بر می‌دارند، همه‌ی تیغهای دشمن در مقابل آنها کند می‌شود. بصیرت این است. (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۸۸/۷/۱۵).

## راه نجات از دشمن واقعی

«راه نجات در کشورهای اسلامی، بازگشت به اسلام است. راه نجات، بصیرت نسبت به دشمن واقعی است. ملتهای مسلمان باید دشمن واقعی را بشناسند و ترفند و خدعه استکبار را درک کنند». (سخنرانی در دیدار با مسئولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاهها ۱۳۶۹/۵/۲۴).

## جلوگیری از کارهای دشمن

«شاید یکی از بزرگترین خدماتی که انقلاب به ملت ایران کرد، این بود که ذهن‌ها را باز کرد، ذهن‌ها را سیاسی کرد، چشم‌ها را باز کرد، و همه را با مسایل کشور آشنا کرد.

این آشنایی، این بصیرت باید روز به روز بیشتر و زیادتر بشود. اگر این بشود، دشمن هیچ کاری نمی‌تواند انجام بدهد. و بدانید مسئولین کشور همه آماده هستند. برای این که وظایف خودشان را به بهترین وجهی انجام بدهند». (بیانات مقام معظم رهبری در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۱۳۷۶/۵/۹).

## دفع دشمنی‌ها

«امروز همه جوانان ما، پیران ما، دانشجویان ما، قشرهای مختلف ما، روحانیون ما، بزرگان ما، کوچکان ما، مگر من شد و ندی که دل به زندگی‌های رنگ و لعابی دروغین غرب بسته باشند - فهمیده اند که سعادتشان در این است که اسلام را با بصیرت، با روشن بینی، با خردمندی بفهمند و آن را به کار بگیرند، تا بتوانند از دشمنی‌ها را کم کنند، دشمنی‌ها

را دفع کنند، این همان بسیج است، حقیقت بسیج یعنی این، ارتش بیست میلیونی که امام فرمودند، یعنی این». (در دیدار با گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان به مناسبت میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار ۱۳۷۷/۹/۲).

### محکمی برای محاسبه همکاری یا عدم همکاری با دشمن

«دارا بودن بصیرت سبب می شود که ما در عمل خودمان و در اظهارات خودمان باید محاسبه کنیم و باید این ها را در محاسبات خودمان بگنجانیم، که اگر اظهار نظری هم می خواهیم بکنیم، با توجه به این ها باشد، عمل و اقدامی می خواهیم بکنیم، با توجه به این ها باشد بینیم آیا داریم به دشمن کمک می کنیم یا نه. این به نظر من چیز مهمی است». (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲).

### جهت یابی در غبار فتنه

«بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی تواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب گاهی در راه بد قدم می گذارد. شما در جبهه ی جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه خوانی بلد نباشید، اگر قطب نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می کنید می بینید در محاصره ی دشمن قرار گرفته اید؛ راه را عوضی آمده اید، دشمن بر شما مسلط می شود. این قطب نما، همان بصیرت است». (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵).

### عامل پیروزی ملت ایران

«نهضت عظیم اسلامی، همت مردم، رهبری شخصیت بی نظیری مثل امام - که حقاً و انصافاً شخصیت بی نظیری بود - کار خودش را کرد. «صبر» و «بصیرت» بنده بارها از کلام امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) این را نقل کرده ام: «لا يحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر»؛ بصیرت - آگاهی - و صبر؛ یعنی استقامت، پافشاری، خسته نشدن. این دو خصوصیت در ملت ایران پیدا شد و کار خودش را کرد و انقلاب پیروز شد». (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان، دانشگاه علم و صنعت).

### موجد دریای خروشان انقلاب

«در طول سال‌های قبل از انقلاب هرچه شما عقب بروید محنت، ذلت، بدبختی، فشارهای گوناگون از طبقات حاکم و سلطه و زور گویی و تحقیر از طرف قدرت‌های بیگانه را در کشور ما می‌بینید، وقتی در برهه‌ای از زمان آگاهان جامعه، بزرگان جامعه، داناتان جامعه و کسی مثل امام بزرگوار پیدا شدند، در مردم بصیرت دمیدند، مردم را به صبر وادار کردند، و توأصوا بالحق و توأصوا بالصبر را در جامعه رایج کردند، این دریای خروشان بوجود آمد و توانست آن تاریخ سر تا پا مذلت و محنت را قطع کند و تسلط بیگانگان را بر این کشور از میان بردارد». (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با دانش آموزان به مناسبت سیزدهم آبان ماه ۱۳۷۷/۸/۱۲).

### عامل عبور انقلاب از حوادث بزرگ

«خیلی اوقات امواج باطل می آید حق را لگدکوب می کند و عبور می کند. حق بودن به اضافی اقدام، عامل اراده و به اضافی ایستادگی و پایداری است که آن معجزه را تحقق می بخشد. این پایداری، این ایستادگی این تصمیم و این فداکاری در صحنه‌ی جامعه و کشور ما به برکت همین اخلاص‌ها، بینش‌ها و بصیرت‌ها که امروز در جمع جوانان مومن و بسیجی کشور ما متبلور است اتفاق افتاد، که یک نمونه‌ی با ارزش آن را این‌جا مشاهده می کنیم. اما آنچه بزرگتر از آن حادثه‌ی بزرگ و باور نکردنی بود، این است که نظام جمهوری اسلامی با وجود همه‌ی امواج متلاطم و خصمانه‌ی در پیرامون خود، هم ماند و هم رشد کرد». (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای بسیج و پرسنل اداره کل اطلاعات استان همدان ۱۳۸۳/۴/۶).

### شناخت ترفندهای دشمن

«من می‌خواهم عرض کنم: جوانان عزیز، بسیجیان عزیز، هر جای کشور که هستید این بصیرت را روز به روز زیاد کنید. نگذارید بعضی از نیازهای مادی و مسایل کوچک، جلوی بصیرت‌ها را بگیرد. بصیرتتان را حفظ کنید و دشمنتان را بشناسید. دشمن، ترفندهای گوناگون دارد، و آن ملتی موفق می‌شود که فریب نخورد. دشمن سعی می‌کند آرزوهای انقلابی را در نظر یک ملت مؤمن کوچک کند. سعی می‌کند نیازهای مادی و کوچک را در نظر او بزرگ کند. نیاز مادی هم نیاز است، اما از جان که بالاتر نیست، ملتی که در راه خدا جان برایش نثار کردنی ست، آنجایی که میدان مبارزه با

دشمن است، نیازهای دیگر چه تأثیری می‌تواند داشته باشد». (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان بسیج سراسر کشور ۱۳۷۱/۸/۲۷).

### ن بستن چشم بر سوابق دشمن

«ملت ایران، به خاطر این که گذشته خود را با بصیرت نگاه می‌کند، چشم خود را بر گذشته نمی‌بندد. مسایل تاریخ خود، تاریخ نزدیک خود، از صد سال پیش، از پنجاه سال پیش، از سی سال پیش را با دقت نگاه می‌کند. ملت ایران، به این نتیجه رسیده است که رژیم استکبار و در وضع فعلی، رژیم ایالات متحده آمریکا در طول شاید قریب سی و پنج سال که در زمان رژیم منحوس پهلوی بر این کشور تسلط سیاسی داشته، به او خیلی بدی کرده است. ملت ایران، این را فهمیده و دانسته و دیده است». (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع نیروهای شرکت کننده در مانور عظیم طریق القدس، ۱۳۷۶/۲/۳).

### جلوگیری از تأثیر دشمن بر خواص

«دشمن انواع و اقسام کار را می‌کند انواع و اقسام فعالیت را می‌کند عمده هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه‌های دشمن، خواص است؛ آماج دشمن، خواص است. می‌نشینند طراحی می‌کنند تا ذهن خواص را عوض کنند برای این که بتوانند مردم را بکشانند، چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند». (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲).

**ممانعت از سکوت و کنار کشیدن خواص در فضای فتنه**

«این را هم عرض بکنیم بعضی‌ها در فضای فتنه این جمله‌ی «کن فی الفتنه کابن اللبون لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب» را بد می‌فهمند و خیال می‌کنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که: «بکش کنار». این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه. «لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب»، نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تو را بدوشد؛ مراقب باید بود... گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشنگری کنند، همه بایستی بصیرت داشته باشند». (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲).

### عاملی برای توجه به انگیزه‌های دشمن

«مواظب باشید بصیرتان را از دست ندهید، دشمن را بشناسید، و دشمنی‌ها و ترفندهای او را درست تشخیص بدهید. تبلیغاتی که دشمن می‌کند حرفی که دشمن می‌زند و شایعه‌ای که دشمن می‌اندازد، به چشمتان بیاید. توجه کنید که دشمن با چه انگیزه‌ای این حرف را می‌زند، این شایعه را می‌پراکند، این خبر دروغ را نقل می‌کند و این اظهار منافقانه را بر زبان جاری می‌نماید. به هر حال، دشمن، دشمن است». (سخنرانی در مراسم دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ص ۱۳۳، تاریخ سخنرانی: ۱۳۷۰/۳/۱۴).





## منابع و مأخذ

منابعی که در این مصاحبه و گفتگو مورد استفاده و بهره برداری قرار گرفته‌اند:

۱. قرآن مجید.
۲. نهج البلاغه.
۳. آزادی یا توطئه، جمعی از فضلا و روحانیون حوزه علمیه قم، انتشارات فیضیه، ۱۳۷۹، قم.
۴. پایان داستان غم انگیز، حمید رسایی، انتشارات کیهان، ۱۳۸۰، تهران.
۵. جمهوری اسلامی و قدرت نرم، محمودرضا گلشن پژوه، دفتر گسترش تولید علم، ۱۳۸۷، تهران.
۶. فرهنگ دفاع و دفاع فرهنگی، مهدی مطهر نیا، انتشارات دفاع، ۱۳۷۸، تهران.
۷. مثلث سلطه، جواد خواجه پور، انتشارات دفاع، ۱۳۸۶، تهران.
۸. هجوم خاموش، سید محمد سقا زاده، انتشارات عطر یاس، ۱۳۸۵، قم.
۹. طرح‌های مدون آمریکا علیه انقلاب و مردم ایران، علی شیرازی، انتشارات خادم الرضا، ۱۳۸۴، قم.
۱۰. جنگ روانی، حسین متفکر، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۷، قم.
۱۱. جنگ نرم، حسین عبدی، انتشارات معارف، ۱۳۸۸، قم.

۱۲. سخن یار، معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۸، تهران.
۱۳. جنگ نرم، داود رنجبران، انتشارات ساحل اندیشه، ۱۳۸۸، تهران.
۱۴. فریاد جمهوریت، سازمان بسیج دانشجویی، ۱۳۸۸، تهران.
۱۵. بصیرت پاسداری ۲، جمعی از نویسندگان، مرکز چاپ حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۸، تهران.
۱۶. ناتوی فرهنگی، پژوهشگران بسیجی، انتشارات خورشید، ۱۳۸۷، تهران.
۱۷. ایران، دیروز، امروز، فردا، محسن نصیری، انتشارات معارف، ۱۳۸۷، قم.
۱۸. فصلنامه سیاسی، علمی میثاق، نمایندگی ولی فقیه در نسا، سال دوم، شماره ۷، پاییز ۸۸، تهران.